

- دیدگاه نظریه اخلاقی فضیلت محور در حل تعارضات اخلاقی آموزش دانشجویان پرستاران: مقاله مروری
حسین محمودی، مریم نظام زاده.....صفحه ۲۷۱
- سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن
محمود شکوهی تبار، علی سلیمی، نورا کمالیون، اکرم حیدری، مرتضی حیدری
.....صفحه ۲۸۲
- شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
زهرایوسفی، محمدنقی ایمانی، حسینعلی جاهدصفحه ۲۹۵
- مؤلفه های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای (مطالعه داده بنیاد)
عبدالرضا محمودی، میترا امینی، فریده انصافداران، مریم شمسائی...صفحه ۳۲۲
- نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان: نظریه رویه محدثه فهیمی علی آباد، فریبا زرانی.....صفحه ۳۶۶

شناسنامه فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه

دوره ۳۱ شماره ۴

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

طب و تزکیه

معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

فصلنامه

دکتر ابوالفضل باقری فرد

دکتر الهه ملکان راد

دکتر سید امیر پاشا طبائیان

دکتر حسن ابوالقاسمی، دکتر محمودرضا اشرفی، دکتر محمد

اسماعیل اکبری، دکتر کامران باقری لنکرانی، دکتر نیلوفر پیکری،

دکتر غلامعلی جاودان، دکتر غلامرضا حسن زاده قیه قشلاقی، دکتر

علیرضا رحیم‌نیا، دکتر فریدون عزیزی، دکتر سید موید علویان،

دکتر جلیل کوهپایه زاده اصفهانی، دکتر محمدعلی محقق، دکتر

کاظم محمد، دکتر محسن نفر، دکتر مرضیه وحید دستجردی

دکتر منظر امیرخانی، دکتر سمانه پنجه علی بیک، آقای مجید

عسکری

دوره ۳۱ شماره چهارم زمستان ۱۴۰۱

الکترونیکی: ۱۶۰۸-۲۳۹۷

چاپی: ۶۲۳۹-۲۲۵۱

Google Scholar, Magiran, ISC, SID, CIVILICA

تهران، شهرک قدس (غرب)، خیابان سیمای ایران، وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت آموزشی

TebTazkiyeh@behdasht.gov.ir

نام مجله:

صاحب امتیاز:

نوع نشریه:

مدیر مسئول:

سر دبیر:

دبیر اجرایی:

اعضای محترم هیات تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

کارشناسان نشریه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک:

بانک‌ها و نمایه‌ها:

آدرس:

پست الکترونیک

فهرست مطالب	
عنوان	شماره صفحه
دیدگاه نظریه اخلاقی فضیلت محور در حل تعارضات اخلاقی آموزش دانشجویان پرستاران: مقاله مروری حسین محمودی؛ مریم نظام زاده	۲۶۰-۲۷۱
سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن محمود شکوهی تبار؛ علی سلیمی؛ نورا کمالیون؛ اکرم حیدری؛ مرتضی حیدری	۲۷۲-۲۸۲
شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی زهرا یوسفی؛ محمدنقی ایمانی؛ حسینعلی جاهد	۲۸۳-۲۹۵
مؤلفه های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای (مطالعه داده بنیاد) عبدالرضا محمودی؛ میترا امینی؛ فریده انصافداران؛ مریم شمسائی	۲۹۶-۳۱۰
نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان: نظریه رویه محدثه فهمی علی آباد؛ فریبا زرانی	۳۱۱-۳۲۲

دیدگاه نظریه اخلاقی فضیلت محور در حل تعارضات اخلاقی آموزش دانشجویان پرستاران: مقاله مروری

حسین محمودی^۱، مریم نظام زاده^{۲*}

چکیده

زمینه و هدف: محیط‌های آموزشی و بالینی پرستاران مملو از تعارضات اخلاقی است و مربیان و اساتید آموزش پرستاری در این محیط، برای حرفه‌ای شدن دانشجویان مبتنی بر اخلاق در تلاشند. در این راستا نظریه اخلاقی فضیلت محور، می‌تواند چارچوب اخلاقی مناسبی برای آموزش دانشجویان پرستاری باشد. با این هدف نظریه اخلاقی فضیلت محور در حل تعارضات اخلاقی آموزش دانشجویان پرستاری در یک مطالعه مروری بررسی گردید.

روش بررسی: این مقاله از نوع مروری است و برای شناسایی مطالعات مرتبط، جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر PubMed, Medline Scops, ERIC, Science Direct, Ovid, ProQuest, IranMedex با کلید واژه‌های فارسی و انگلیسی تعارض اخلاقی، آموزش، دانشجویان پرستاری، نظریه فضیلت محور و نظریه اخلاقی، Ethical Conflict, Nurses, Nursing Students, Virtue Theory and Ethical Theory بدون محدودیت زمانی انجام گرفت. مطالعاتی انتخاب شدند که به زبان فارسی یا انگلیسی بوده و متن کامل آن‌ها در دسترس بود. در نهایت از بین ۱۲۷۶۶۰ مقاله ۲۷ مقاله انتخاب شدند.

یافته‌ها: رویکرد اخلاق فضیلت محور در آموزش پرستاری، یادگیرنده محور و هدف آن آموزش مبتنی بر اخلاق به دانشجویان پرستاری است که باعث توسعه‌ی ارزش‌های فردی شده و با ارزش‌های حرفه‌ای همسو می‌شوند و با چهار راهبرد آموزشی الگوسازی، تفکر انتقادی، مطالعه موردی و فرصت‌هایی برای تمرین صورت می‌گیرد. نتیجه‌گیری: فضیلت مستلزم یک فرآیند پویا و طولانی برای رشد و بلوغ اخلاقی است. که ارزیابی پیشرفت فردی در این زمینه دشوار است اما در آموزش دانشجویان پرستاری می‌توان به عنوان رویکردی برای پرورش خصوصیات اخلاقی و منش پرستاران آینده در نظر گرفت، تا بستری برای رشد انسان‌هایی با فضیلت و حرفه‌ای فراهم شود.

کلمات کلیدی: تعارض اخلاقی، آموزش، دانشجویان پرستاری، نظریه فضیلت محور.

۱. استاد، دکترای تخصصی آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری، مرکز تحقیقات تروما، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا...، تهران، ایران.
۲. نویسنده مسئول. دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا...، مربی، عضو هیات علمی، مرکز مراقبت‌های ویژه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران nezamzadeh_maryam@yahoo.com

مقدمه

پرستاری به عنوان یک حرفه، فراتر از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و تکنیک‌ها است و مراقبت جامع نه تنها باید نیازهای جسمی و روحی بیماران را پوشش دهد بلکه ارزش‌ها و باورهای بیماران را نیز بایستی برطرف نماید. بنابراین این حرفه، با اخلاق آن چنان درآمیخته است که حرفه پرستاری را فلسفه اخلاق پرستاری می‌دانند (۱، ۲).

اخلاق در آموزش نیز سبب تضمین فرایند آموزش و یادگیری می‌شود. دانشجویان برای دستیابی و درونی سازی ارزش‌های حرفه‌ای، اخلاقی و اجتماعی پرستاری باید مهارت‌های لازم را از دوران دانشجویی کسب کنند. ارزش‌ها و مقررات اخلاقی مرتبط با آموزش و تربیت به دانشجو کمک می‌کند تا بهترین آموزش را که شایسته آن است، دریافت کند (۳). اخلاق و ارزش‌های اخلاقی سهم قابل توجهی در پیشرفت رفتار و تصمیم‌گیری‌های نهایی در محیط‌های آموزشی و بالینی دانشجویان پرستاری دارند. در شرایط ایده‌آل، محیط آموزشی باید علاوه بر انجام فعالیت علمی، همزمان محیطی را برای رشد و شکوفایی رفتارهای اخلاقی دانشجویان فراهم آورد (۴).

زمانی که تداخلی بین ارزش‌های اخلاقی در موقعیت عمل و انگیزه‌های درونی فرد رخ دهد، تعارض بوجود می‌آید (۲). اثرات مخرب تعارضات بر پرستاران شامل عزت نفس پایین، اضطراب، افسردگی و همچنین در سطوح بالاتر، استرس شغلی است. تعارضات بین پرستاران علاوه بر تأثیرات منفی بر پرستاران، بر سازمان‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و در نتیجه افزایش نرخ ترک شغل، روحیه پایین، نارضایتی شغلی بالاتر، بهره‌وری کمتر، خطاهای دارویی در پرستاران و افزایش زمان بستری در بیماران را در پی دارد. علاوه بر محیط‌های بالینی، محیط‌های آکادمیک نیز زمینه را برای ایجاد تعارضات اخلاقی بین اعضای هیئت علمی و نیز بین دانشجویان و اساتید فراهم می‌آورد (۵).

پرستاران، در دوران تحصیل خود با تعارضات اخلاقی فراوانی رو به رو می‌شوند (۶). مطالعات مختلف، تعارضات اخلاقی در آموزش بالینی را متوسط تا شدید گزارش نمودند. مهدی‌پور (۱۳۹۸) در مطالعه‌ی خود بیان کرد که ۹۷٪ دانشجویان پرستاری در دوران آموزش خود

بیش از یک بار، با تعارضات اخلاقی رو به رو شدند و ۴۸٪ آن‌ها نیز بیان کردند که تعارضات اخلاقی آن‌ها حل نشده و به صورت چالش باقی مانده است (۷، ۸). امروزه کارشناسان اخلاقی معتقدند که بایستی حل تعارضات اخلاقی از دوران دانشجویی آغاز شود تا به محض ورود به محیط کار بتوانند با آن مقابله نمایند (۶). در حال حاضر، راهبردهای مؤثر کمی برای مربیان پرستاری وجود دارد تا به دانشجویان پرستاری در زمینه تعارضات اخلاقی بیاموزند و آن‌ها را برای برقراری روابط سالم با همکاران و بیماران خود آماده کنند. پیشنهاد راهبردهای آموزشی می‌تواند به دانشجویان در توسعه اخلاق در محیط‌های کاری کمک کند (۵). نظریه‌های اخلاقی یکی از راهبردهایی است که دستورالعمل‌های موثری را در زمینه ترویج ارزش‌های اخلاقی ارائه می‌دهد.

در فلسفه غربی، در قرن پنجم قبل از میلاد، پیش فرض نظریه اخلاقی و آثاری از آنچه که امروزه به آن اخلاق فضیلت می‌گویند وجود داشت و حدود چند صد سال نادیده گرفته می‌شد. اما در ۴۰ سال اخیر مجدد توجهات را به خود جلب کرده است (۹). سه دسته نظریه‌ی اصلی در اخلاق وجود دارد. که به نظریه‌های وظیفه‌گرای^۱، نتیجه‌گرای^۲ و اخلاق فضیلت محور^۳ دسته بندی شده‌اند. نظریه وظیفه‌گرای که توسط امانوئل کانت^۴ آلمانی معرفی شد، بیان می‌کند که احکام اخلاقی، جهان شمول است و بر عقل و خود مختاری افراد تاکید دارد و افراد بر اساس اقتضای موقعیت، از قواعد آن تبعیت می‌کنند. نظریه نتیجه‌گرای بیشتر بر آثار و نتایج عمل اخلاقی تاکید دارد. بنابراین عملی خوب و مطلوب به شمار می‌رود که منفعت بیشتری به دنبال داشته باشد. نظریه فضیلت محور که ساختار آن در ابتدا توسط ارسطو بیان شد، معتقد است که ما به اصول اخلاقی از پیش مشخص نیاز نداریم بلکه افراد باید بکوشند بر پایه ویژگی‌های فردی، موقعیت‌های اخلاقی مناسب را خلق نمایند. این نظریه از سایر نظریه‌ها جامع‌تر است. زیرا با راهنمایی‌های رفتاری، افراد مسایل اخلاقی را در چارچوب خود مطرح

1. yroecht lacigolotnoed

2. yroecht msinairatilitu

3. scihte eutriv

4. in-service training (INSET)

و حل می‌نمایند. نظریه فضیلت محور به معنای دیگر در تقابل با دو نظریه وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی است. سؤال اساسی در نظریات وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی این است که "چه باید بکنیم" حال آن که در نظریه فضیلت‌گرایی، این سؤال، محوری است که "چگونه انسانی باید بشویم" (۱۰). اخلاق فضیلت محور در نظام‌های دینی ریشه‌های کهنه دارد و در آموزه‌های مختلف دینی به آن تاکید شده است. توجه به اخلاق مبتنی بر فضیلت در میان علمای اخلاق اسلامی نیز جزء تعالیم دینی به شمار می‌رود (۱۱). اگرچه تربیت اخلاقی زمان‌بر و طولانی است اما بایستی بر این نکته توجه داشت که برخلاف نظریه نتیجه‌گرا که بر تربیت بیرونی تاکید دارد در اخلاق فضیلت‌گرا تاکید بر تربیت درونی، رشد و پرورش منش اخلاقی افراد است (۱۲). تمامی اصولی که در هنگام تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به کار می‌روند، بر استفاده از عقل اصرار دارند. در واقع، خود عقل را می‌توان به عنوان یک فضیلت دانست (۱۳). فضیلت یک عادت، تمایل و منش یک فرد است که می‌تواند مولد رفتار فرد باشد (۹). به عبارتی می‌توان فضیلت را یک حالت ثابت و پایدار دانست، که در ابتدا از طریق پیروی از الگوهای اخلاقی و آموزش اصول اخلاقی بدست می‌آید (۱۴).

تئوری اخلاقی فضیلت محور بر این اعتقاد است که به منظور ترویج رفتار اخلاقی و به تبع آن اخلاق حرفه‌ای، بایستی در رفتارهای افراد بافضیلت که از جانب سازمان و کارکنان آن به عنوان الگو شناخته شده‌اند، کنکاش شده و در جهت معرفی آن به سایر کارکنان جهت الگوبرداری تلاش شود. بنابراین، می‌توان با ایجاد بستری جهت رشد و نمو فضایل اخلاقی در شکل‌گیری این گونه رفتارها در محیط کار و تداوم آن کوشید (۱۵). فضایل برای تعامل و ارتباطات انسانی و عملکرد جامعه انسانی مفید است و اخلاق فضیلت محور به عنوان رویکردی بر تصمیم‌گیری اخلاقی دلالت داشته و تأثیرات خوبی را در پرستاران به عنوان یک عامل اخلاقی به دنبال دارد. به دلیل آن که در هنگام تصمیم‌گیری اخلاقی، از یک طرف پرستار باید به خوبی عمل کند و از یک طرف از بیمار دفاع نماید به همین دلیل پرستاران با اخلاق، پرستاران با فضیلتی هستند، زیرا میل عمیقی برای رفتار خوب، صرف

نظر از شرایط، دارند و در هنگام تصمیم‌گیری اخلاقی می‌خواهند که احساسات عاطفی خود را از موقعیت اخلاقی جدا کنند تا بهترین تصمیم گرفته شود (۱۳). به همین دلیل از دانشجویان پرستاری انتظار می‌رود با بکارگیری دانش اخلاقی در طی دوره آموزش توانمندی‌های لازم را کسب نموده تا بتوانند در آینده در حل چالش‌های اخلاقی حین مراقبت نقش فعالی داشته باشند و این نقش را از وظایف حرفه‌ای خود به حساب آورند (۱۶). در سال‌های اخیر به دلیل توجه خاص به رعایت تعهدات اخلاقی در آموزش دانشجویان پرستاری، تلفیق آموزش اخلاق حرفه‌ای با آموزش پرستاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. تا سبب ترویج ارزش‌های اخلاقی شود (۱۷). بنابراین یافتن استراتژی‌های کاربردی در زمینه آموزش اخلاق در دانشجویان پرستاری اهمیت بسیاری دارد. با وجود مطالعات در زمینه پرستاران فضیلت محور، اهمیت بسط این نظریه از دوران دانشجویی پرستاران احساس می‌گردد اما در این حیطه بحث چندانی صورت نگرفته است. بنابراین مطالعه حاضر تلاش نموده است تا به بررسی اهمیت این نظریه در آموزش دانشجویان پرستاری بپردازد.

روش بررسی

در این مطالعه، مروری با هدف بررسی کاربرد نظریه اخلاقی فضیلت محور در حل تعارضات اخلاقی بر آموزش دانشجویان پرستاری صورت گرفت. محقق در این مرحله برای بررسی متون، به پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مانند Scops, ERIC, Science PubMed, Medline, Direct, Ovid, ProQuest, IranMedex با کلید واژه‌های فارسی تعارض اخلاقی، پرستاران، دانشجویان پرستاری، نظریه فضیلت محور و نظریه اخلاقی و نیز کلید واژه‌های انگلیسی بدون محدودیت زمانی (تا سال ۲۰۲۲) Ethical Conflict, Nurses, Nursing Students, Virtue Theory and Ethical Theory مراجعه نمود. جهت جستجوی مطالعات مرتبط در همه پایگاه‌های اطلاعاتی ذکر شده از گزینه جستجوی پیشرفته و همچنین از عملگرهای AND, OR جهت ترکیب کلیدواژه‌ها استفاده شد. مطالعاتی انتخاب شدند که به زبان فارسی و انگلیسی بوده و متن کامل آن‌ها در دسترس قرار

مستلزم آن است که سازگاری بین آنچه آموزش داده می‌شود و آنچه دانشجویان واقعاً در عمل می‌بینند وجود داشته باشد. از طریق این برنامه، مربیان از دانشجویان حمایت می‌کنند تا یاد بگیرند به ارزش‌های حرفه‌ای خود وفادار بوده و تصمیمات لازم را، برای رفتار حرفه‌ای در موقعیت‌های سخت اتخاذ کنند. این روش یادگیری به فرد اجازه می‌دهد تا به یک "متفکر خودمختار و مسئولیت پذیر اجتماعی" تبدیل شود که قادر به تصمیم‌گیری اخلاقی در زمان تغییرات سریع اجتماعی باشد. یک رویکرد اخلاقی فضیلت محور در آموزش پرستاری، یادگیرنده محور است و با آموزش به دانشجویان سبب توسعه ارزش‌های فردی و همسویی آن با ارزش‌های حرفه‌ای می‌شود. این رویکرد "قطعه گمشده آموزشی" در اخلاق پرستاری است. مربیان پرستار به طور منطقی فرض می‌کنند که شخصیت اخلاقی، در کلاس درس و با تجربیات بالینی شکل می‌گیرد حتی زمانی که اخلاق فضیلت محور به صراحت آموزش داده نشده باشد. بنابراین اخلاق فضیلت محور باید به عنوان یک بخش ضروری در برنامه‌های آموزش پرستاری در نظر گرفته شود. مربیان نیز باید ارزش‌های دانشجویان پرستاری را با استفاده از استراتژی‌های مبتنی بر تئوری فضیلت محور شکل دهند تا با ارزش‌های این حرفه هماهنگ شوند. دانشجویان در حین پرورش با فضیلت‌های حرفه‌ای به زمان و مراقبت نیاز دارند که این امر مستلزم راهنمایی پرستاران و هم‌تایان با تجربه است که می‌توانند با ایجاد محیط یادگیری به تسهیل آن کمک کنند (۵). همانطور که بیگلی^۱ (۲۰۰۵) بیان کرد: "آموزش فضیلت محور رویکردی پویا و حساس است که با تأثیرگذاری بر قلب‌ها و ذهن‌ها، فراتر از آن چیزی است که برای اخلاق ناب نظری لازم است" (۱۹).

اخلاق فضیلت محور در آموزش دانشجویان پرستاری با استفاده از چهار راهبرد آموزشی: الگوسازی^۲، تفکر انتقادی^۳، روایت و مطالعه موردی^۴ و فرصت‌هایی برای تمرین^۵ صورت می‌گیرد:

1. Begley
2. Role Modeling
3. Critical Reflection
4. Narrative and Case Study
5. Practice

داشت. در ابتدا مطالعات خارجی و داخلی بالغ بر ۱۲۷۶۶۰ مقاله بود، که پس از بررسی مقاله از نظر عنوان و محتوا به ۲۷ مقاله تقلیل و از نتایج آن‌ها در مطالعه استفاده گردید.

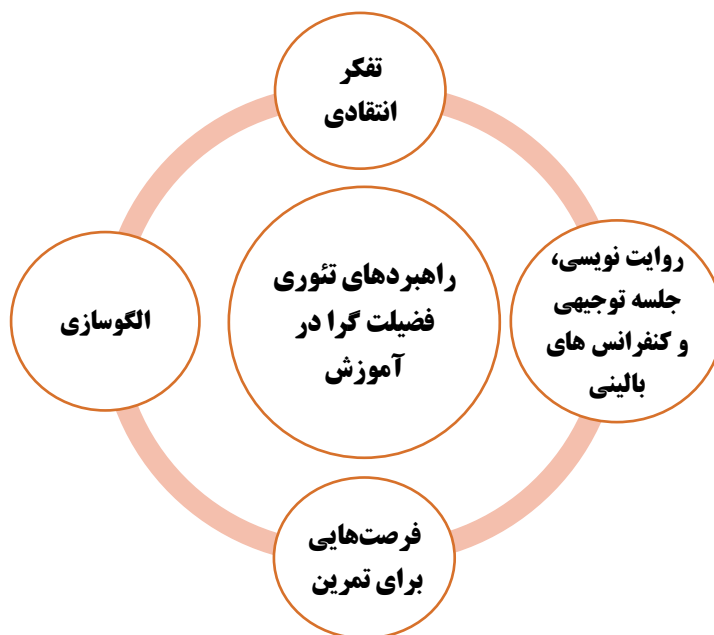
یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بازبایی مقالات در ابتدا به اهمیت و آثار نظریه فضیلت محور در آموزش پرستاری پرداخته و در ادامه راهبردهای آموزشی این نظریه را معرفی می‌نماید تا الگوی مناسب عملیاتی برای اساتید و برنامه‌ریزان آموزشی باشد.

امروزه مراقبت‌های پرستاری مبتنی بر اصول اخلاقی در محیط پر تنش بالینی، چالش برانگیز است. زیرا عملکرد اخلاقی به طور مداوم در پاسخ به تغییرات موجود و چالش‌های منحصر به فرد، تغییر می‌نماید. راهبردهای موجود برای پاسخ به این چالش‌ها در دو حیطه کلی آموزش و سیاست قرار می‌گیرند. آموزش پرستاران می‌تواند به درک آنان در شناخت رفتار غیر اخلاقی و ایجاد تکنیک‌های ارتباطی مؤثر کمک کند. اجرای سیاست‌های سازمانی نیز در این زمینه مؤثر است. بدیهی است که مربیان پرستاری نیز باید برنامه‌های درسی و استراتژی‌های آموزشی را به نحوی تدوین و اجرا کنند، تا دانشجویان را برای رویارویی مناسب اخلاقی در روابط حرفه‌ای با همکاران خود آماده کنند (۵).

اخلاق فضیلت محور، یک استراتژی است که بیشتر به چگونگی «اخلاقی بودن» یک فرد می‌پردازد تا به نتایج عمل اخلاقی (۱۸). بر این اساس پیش فرض‌های اصلی اخلاق فضیلت محور عبارتند از: (الف) انسانها ذاتاً انگیزه برای خوب بودن دارند. (ب) ایده آل وجود دارد و (ج) فضایل را می‌توان برای دستیابی به "زندگی شکوفا" شناسایی و به کار برد. ارسطو نشان داد که ما فضیلت را با تمرین می‌آموزیم و بهترین تمرین، این است که رفتار خود را با الگوبرداری از رفتار یک فرد با فضیلت، تطبیق دهیم (۵).

در یک برنامه درسی مبتنی بر اخلاق فضیلت محور، دانشجویان یاد می‌گیرند که بدون منفعت شخصی تمرین کرده و ارزش‌های خود را با ارزش‌های جامعه‌ی حرفه‌ای خود هماهنگ کنند. چنین رویکردی



شکل ۱. راهنمای اخلاق فضیلت محور در آموزش دانشجویان پرستاری

۱- الگو سازی

اخلاقی، ضروری بوده و یکی از مهمترین عوامل تسهیل کننده در رعایت اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌رود (۲۲). به دانشجویان پرستاری به طور مداوم آموزش داده می‌شود که از تفکر انتقادی در بالین به عنوان یک استراتژی برای ایجاد شایستگی‌های حرفه‌ای استفاده کنند. این بازاندیشی و خودآگاهی از رفتار فرد برای ارتقای تعاملات محترمانه بین همکاران مهم است. باز اندیشی هنگام عمل از استراتژی‌های مناسب جهت تعمق بر اعمال و اقدامات می‌باشد. بازخورد پس از اقدامات توسط استاد و ارائه نقاط قوت و ضعف دانشجو و ارائه رفتار و راهکار درست چرخه آموزش و یادگیری را کامل خواهد کرد. افراد، عمل مبتنی بر فضیلت و تفکر در اعمال خود را فضیلت دانسته و در نتیجه فضیلت را هدفمند و قابل تأمل می‌دانند. مربیان می‌توانند با این فرآیند به دانشجویان در ایجاد دیدگاه اخلاقی کمک کنند. هنگامی که دانشجویان در تمرینات پرستاری درگیر می‌شوند، از طریق تفکر منتقدانه در اعمال و مقایسه این اقدامات با رفتار پرستار ایده آل، دانشجویان را به سمت رفتار با فضیلت سوق می‌دهند. دانشجویان باید تشویق شوند تا در زمان تعامل با هممتایان،

یکی از راهبردهای اصلی در یادگیری دانشجویان پرستاری تأثیر پذیری از الگوها است و مربیان الگو، دانشجویان را در برابر چالش‌های اخلاقی حمایت می‌کنند نادانسته‌ها را به آنان می‌آموزند و دانسته‌ها را تقویت می‌کنند (۲۰). دانشجویان پرستاری برای شکل گیری اخلاق فضیلتی باید عملکرد خود را با پرستار الگو مقایسه کنند. پرستاران الگو تلاش می‌کنند تا به ایده‌آل‌های حرفه‌ای، حتی در چالش برانگیزترین زمینه‌ها، برسند و خودشان را در یک فرآیند مستمر رشد حرفه‌ای قرار دهند. این پرستاران می‌توانند به دانشجویان کمک کنند تا فضایل را درک کرده و در چالش‌های اخلاقی روزمره اعمال کنند. بنابراین دانشجویان نیاز دارند فضایل اخلاقی را در مکان و زمان درست از پرستاران، هممتایان و مربیان با تجربه‌ی خود الگو بگیرند و توسعه دهند (۵). دانشجویان، الگو بودن اساتید در زمینه اخلاقی را یکی از شاخصه‌های مهم استاد ایده‌آل می‌دانند (۲۱).

۲- تفکر انتقادی

توانایی تفکر انتقادی در تصمیم گیری صحیح موقعیت‌های

مطالعات موردی که شامل جزئیات واقعی از تجربیات بالینی است، می‌تواند نقطه شروع خوبی برای بحث در مورد مسایل اخلاقی باشد (۱۹). چنین تمرین‌هایی درک اخلاقی دانشجویان را افزایش می‌دهند، زیرا آنها شروع به پرداختن پیچیدگی‌های اخلاقی در بستر مراقبت بهداشتی و روابط انسانی می‌کنند. در این مرحله نیز مربیان باید در بحث‌هایی که از طریق تجزیه و تحلیل مطالعات موردی ایجاد می‌شود، فضای باز و ایمن را ایجاد کنند (۵).

۴- فرصت‌هایی برای تمرین

رشد اخلاقی فرآیندی پویا است بنابراین خو گرفتن به فضایل از طریق تمرین، در زمان طولانی شکل می‌گیرد و این مفهوم از عمل، به عنوان راهکاری برای رشد فضیلت بارها و بارها در متون مطرح شده است (۲۳، ۲۴). اگرچه افرادی که به سمت پرستاری کشیده می‌شوند، ویژگی‌های مشترکی مانند نوع دوستی، مراقبت و همدلی دارند، اما این تمایلات طبیعی به تنهایی نمی‌تواند در بسیاری از موقعیت‌های بالینی برای کار در مسیر پیچیده اخلاقی کافی باشد (۱۸). یادگیری فضیلت یک تمرین شناختی است و دانشجویان باید یاد بگیرند که چگونه احساسات خود را کنترل کنند (۱۹). آن‌ها می‌توانند حتی در شرایط چالش‌برانگیز به روش‌های خاصی عمل کنند. بنابراین تمرین در محیط‌های آکادمیک زمانی آغاز می‌شود که دانشجویان، درگیر کار گروهی با همسالان خود شوند و با اساتید، مربیان بالینی و پرستاران شاغل در تعامل قرار گیرند. تعامل با سایر دانشجویان، اساتید و پرستاران فرصت‌های عالی برای تمرین در این زمینه فراهم می‌کند، اما دانشجویان به استراتژی‌های مناسب زمینه‌ای برای توسعه مهارت‌های خاص نیاز دارند. به عنوان مثال، مربیان پرستاری می‌توانند محیط‌های یادگیری اخلاقی را برای دانشجویان ایجاد کنند تا مهارت‌های ارتباطی خود را به کار ببرند و صریحاً این مهارت‌ها را با ترویج اخلاق در محیط کار مرتبط کنند. این تجربیات، در محیط‌های بالینی یا دانشگاهی، باید به گونه‌ای طراحی شوند که تا حد امکان به واقعیت نزدیک باشند تا دانشجویان تمرین کنند و زمانی که وارد روابط اخلاقی با دیگران شدند، در

اساتید و پرستاران بالینی نیز تفکر انتقادی داشته باشند، تا مشخص شود که آیا رفتار آنها با رفتار پرستار ایده آل قابل مقایسه است یا خیر. به طور دقیق‌تر، دانشجویان باید از خود بپرسند «آیا اکنون مانند الگو رفتار می‌کنند؟» برای این منظور، انجام تفکر انتقادی در دانشجویان می‌تواند احتمال انجام رفتار اخلاقی را افزایش دهد. یکی دیگر از اهداف تفکر انتقادی این است که یک واکنش سازنده‌تر نسبت به اشتباهات خود ایجاد کنیم و این امر تنها در یک محیط امن و حمایت‌کننده می‌تواند رخ دهد. مربیان باید از دانشجویان طی تفکر انتقادی در مسائل اخلاقی حمایت کرده و زبان و مفاهیم اصلی اخلاق فضیلت محور را با اصطلاحاتی مانند اخلاق، منش، فضیلت و ادراک اخلاقی شناسایی کنند. اگر دانشجویان بخواهند ویژگی‌های مطلوب یک متخصص با فضیلت را توسعه دهند، باید فرهنگ تعامل همراه اعتماد با اساتید را شکل دهند. در کنار ایجاد این احساس، باید از کلاس درس به عنوان بستر اخلاقی، همراه با راهبردهای آموزشی دیگر که تفکر انتقادی را ترویج می‌دهند، نیز استفاده شود (۵).

۳- روایت نویسی و مطالعات موردی

روایت و مطالعه موردی در زمینه رفتار حرفه‌ای می‌تواند موثر باشد. مربیان پرستاری می‌توانند دانشجویان را در روایت‌های اخلاقی غوطه ور کنند تا رفتار حرفه‌ای یک پرستار را نشان دهند. این امر مستلزم نگاهی نقادانه به روایاتی است که پرستاران درباره عملکرد خود می‌گویند. این داستان‌ها می‌تواند از موقعیت‌های اخلاقی و رفتار حرفه‌ای پرستاران در بالین باشد و دانشجویان می‌توانند این داستان‌ها را درونی نمایند و در نشان دادن استانداردهای حرفه‌ای، حتی در موقعیت‌های چالش‌برانگیز، به دانشجویان کمک کند. برای مثال، خواندن روایت‌هایی که از دیدگاه بیمار نوشته شده است به دانشجویان کمک می‌کند تا حساسیت اخلاقی را توسعه داده و درک کنند که چگونه زمینه و ارتباط با بیماران می‌تواند بر عملکرد اخلاقی تأثیر بگذارد. همچنین می‌توان دانشجویان را تشویق کرد که داستان‌هایی را، از کارآموزی‌های خودشان بنویسند و در مورد آنها تأمل کنند و تعامل خود را با همکاران پرستار بررسی نمایند.

هنگام مواجهه با چالش‌های اخلاقی به طور مؤثری رفتار نمایند. اساتید می‌توانند با ایجاد فرصت، دانشجویان را تشویق کنند تا ویژگی‌ها و عادات شخصی که در محیط‌های کاری می‌تواند کمک کننده باشد، را درونی نمایند. کاوش در خود، فرهنگ توجه مثبت، انواع تکنیک‌های ارتباطی خاص برای افزایش فضایل اخلاقی، از قبیل شبیه سازی سناریوهای پرچالش، تمرین مکالمات و پاسخ‌های سازنده در تعارضات، دانشجویان را به یادگیری و بکارگیری عادات جدید تشویق می‌کند (۵).

چالش‌های نظریه فضیلت محور

طبق تعریف فضایل، آرمان‌هایی هستند که دستیابی به آنها تقریباً غیرممکن است. رشد فضایل می‌تواند یک عمر طول بکشد بنابراین موفقیت در کسب فضایل با ویژگی‌های شخصیتی و عوامل زمینه‌ای متفاوت، مرتبط است. علاوه بر این، رویکرد اخلاق فضیلتی ممکن است نتواند به موارد جدی تنش‌ها و خشونت‌ها در محل کار رسیدگی کند. راهبردهایی که متکی به تعهد فرد به فضیلت هستند، بدون استفاده همزمان از سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی مؤثر در سطح سازمانی، نمی‌توانند موفق باشند. روابط پایدار و سالم مستلزم تعهد متقابل است و برخی از ویژگی‌های ریشه‌دار در فرهنگ پرستاری می‌تواند چنین رفتارهایی را دست نیافتنی کند. الگوهای نامناسب اخلاقی، تعامل منفی در میان پرستاران، بی میلی عمومی به الگو برداری و واکنش‌های عاطفی، به حفظ وضعیت موجود دامن می‌زنند. فضیلت مستلزم یک فرآیند طولانی برای رشد و بلوغ اخلاقی است و ارزیابی پیشرفت فردی در این زمینه دشوار است (۵). می‌توان برای رفع این چالش‌ها با توجه به شرایط آموزشی و سنوات تحصیلی دانشجویان همزمان از نظریه‌های مختلف اخلاقی که زمان بر نیستند مانند نظریه نتیجه گرا، در کنار این نظریه استفاده نمود تا آن را جبران و تعدیل نماید. همچنین در دانشجویانی که تفکر انتقادی در آن‌ها پرورش نیافته، اجرای این نظریه پس از آموزش تفکر انتقادی به تعویق افتد.

با توجه به یافته‌های فوق، شایان ذکر است که موضوع مهم و اصلی، تنها آموزش و رعایت اخلاق حرفه‌ای نیست بلکه مدیریت و حل صحیح تعارضات است به نحوی که اگر تعارضی با درایت و به موقع حل شود، می‌تواند دانشجویان را توانمند ساخته و راه‌های خلاقانه‌ای برای حل مشکلات اخلاقی در دوران کاری به ارمغان آورد. دانشجویان برای تعالی تحصیلی تلاش می‌نمایند و نگرش و شایستگی حرفه‌ای شدن در آن‌ها شکل می‌گیرد. شایستگی اخلاقی بخش ضروری صلاحیت حرفه‌ای در همه متخصصان مراقبت بهداشتی می‌باشد.

بحث

در متون پرستاری سال‌های اخیر، بر نقش و اهمیت اخلاق برای پرستاری تاکید شده است. یک دلیل کلی برای این موضوع آن است که بدانیم ما می‌خواهیم خوب پرستاری کنیم یا پرستار خوبی باشیم (۱۴). در بررسی‌های صورت گرفته، نشان داد که آموزش اخلاق در پرستاری به منظور افزایش توانایی در حل معضلات اخلاقی و کسب هویت حرفه‌ای ضروری است. از سویی چالش‌های آموزش اخلاق مانند عدم وجود اساتید متخصص در زمینه آموزش اخلاق در پرستاری دیده می‌شود. همچنین عواملی مانند ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها و کمبود آگاهی بر آموزش اخلاق حرفه‌ای پرستاری موثر است ارزش‌های حرفه‌ای و فردی دانشجویان با گذشت زمان و آموزش‌های مرسوم دچار تغییر می‌شود. تجربیات بالینی، الگوپذیری از رفتار اساتید و کارکنان درمانی و همچنین سخنرانی‌های رسمی در مورد اخلاق حرفه‌ای همگی مبنای تحولات فردی در زمینه اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. بنابراین شیوه‌های آموزش اخلاق مانند پرورش تفکر انتقادی، آموزش بین رشته‌ای، بحث گروهی و همچنین استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی مانند تئوری فضیلت محور در نظام آموزش پرستاری در ایران ضروری است (۲۵).

اگر از اخلاق فضیلت محور به عنوان چارچوب اخلاقی برای

بیشتری داشته و حرفه‌ی پرستاری، از این نظریه می‌تواند بیشترین بهره را بگیرد (۱۴). از سویی دیگر، مدیران پرستاری می‌توانند با اشاعه‌ی اخلاق حرفه‌ای و درک رفتارهای اخلاقی پرستاران بافضیلت، در اجرای این سیاست‌ها همراه و همگام باشند (۱۵). به عبارتی فضایل اخلاقی ستون یک مراقبت با کیفیت در پرستاری است. خصایصی مانند خلاقیت، شهود، تأمل، بی طرفی، استقامت، فروتنی و صداقت همه از فضیلت‌های ایده آل یک پرستار حرفه‌ای خوب در آموزش بالینی پرستاری هستند (۲۶).

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی نظریه اخلاقی فضیلت محور بر حل تعارضات اخلاقی دانشجویان پرستاری از جنبه‌های مختلف آثار و روش‌ها عملیاتی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد با توجه به تغییرات شگرف در حرفه پرستاری لزوم توجه به آموزش اخلاق بیش از پیش مورد توجه است و اجرای این نظریه می‌تواند از تعارضات اخلاقی مطرح در دوران آموزشی پیشگیری و تا حدود زیادی آثار منفی آن را مرتفع سازد. تا پرستاران با صلاحیت حرفه‌ای با توانمندی بالا در تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری بالینی و استدلال اخلاقی تربیت شوند. بی شک نظام آموزش پرستاری با توسعه آموزش اخلاق می‌تواند سهم عظیمی در پیشبرد صلاحیت حرفه‌ای این رشته داشته باشد. با وجود آن که مطالعات معدودی در زمینه کاربرد این نظریه در حل تعارضات پرستاری و به خصوص تعارضات اخلاقی در آموزش دانشجویان پرستاری وجود داشت. اما در این بررسی‌ها، فیلسوفان نظریه‌های اخلاقی، نظریه‌ی فضیلت محور را یکی از کامل‌ترین نظریه‌ها در حوزه اخلاق می‌دانند. فضیلت‌گروان معتقدند که قدیسان و الگوهای اخلاقی، بیشتر به ما اخلاق آموخته‌اند و ما را اخلاقی کرده‌اند. وجود الگوهای اخلاقی در جامعه، سبب می‌شوند که به زندگی اخلاقی دست یابیم. بنابراین این نظریه می‌تواند راهنمای خوبی برای مدیران و مربیان آموزشی در حوزه پرستاری باشد تا با استفاده از این نظریه مسایل اخلاقی موجود در

آموزش مراقبت پرستاری استفاده شود، دانشجویان می‌توانند با انتخاب الگوهای مناسب اخلاقی در محیط آموزشی و همچنین تشکیل بحث‌های گروهی مبتنی بر تفکر انتقادی و طوفان‌های مغزی^۱ با بررسی معضلات اخلاقی تجربه شده و مدیریت مناسب، در این موقعیت‌ها، باعث یادگیری بهتر و نهادینه شدن فضایل اخلاقی در دانشجویان پرستاری شود و نگرش آنان را به فضیلت تبدیل نماید. زیرا این نظریه اخلاقی چگونگی تزکیه اخلاقی را نشان می‌دهد. بنابراین چنین فضایی برای درک و توجیه تصمیمات و هدایت اعمال، ضروری است، اقداماتی مانند گوش دادن به بیمار و درک نگرانی‌ها و توجه به نیازهای بیمار و پاسخ دادن به این نیازها در اولویت هستند (۲۶).

فضایل اخلاقی یک نسخه قوی، راهنمای عملیاتی و جایگزینی قابل قبول و قابل دوام برای عمل بالینی در پرستاری است. رویکرد فضیلت محور با سه ویژگی: ۱- اعمال فضایل اخلاقی مانند شفقت ۲- استفاده از قضاوت و ۳- استفاده از خرد اخلاقی شامل ادراک اخلاقی، حساسیت اخلاقی و ابتکار اخلاقی همراه است (۲۷). تئوری اخلاق فضیلت محور بر این اعتقاد است که جهت ترویج رفتار اخلاقی و به تبع آن اخلاق حرفه‌ای، کنکاش در رفتارهای افراد با فضیلت جهت الگوپذیری، که از جانب سازمان و کارکنان به عنوان اسوه و الگو معرفی می‌شوند، می‌تواند راهگشا باشد (۱۵).

فضایل می‌تواند با توجه به نقش افراد مانند شفقت، صداقت و صبر یا در بستر اجتماع شامل عدالت، قاطعیت، اعتدال و بردباری شکل گیرد. فضایل از نظر اخلاقی صفات شخصیتی عالی هستند، که به مردم کمک می‌کند تا زندگی اخلاقی خوبی داشته باشند و سزاوار تحسین دیگران قرار گیرند. استفاده از فضایل اخلاقی، به ویژه در مورد فضایی مانند مهربانی در کار با افرادی که درمانده و آسیب پذیر هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد (۲۷). بنابراین استفاده از نظریه فضیلت محور به دلیل آن که پرستاران نسبت به سایر اعضای تیم درمان، استقلال بیشتر و ارتباط فراوانی با بیماران دارند کاربرد

1. Brain storming

تعارض منافع

بدین وسیله نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچ گونه تضاد منافی در خصوص مقاله حاضر وجود ندارد.

حین آموزش پرستاری را شناسایی و حل نمایند و رفتارهای حرفه‌ای را در این حوزه ارتقا دهند. پیشنهاد می‌گردد در مطالعات مداخله‌ای به بررسی تاثیر اجرای راهبردهای تئوری فضیلت محور در آموزش پرستاری پرداخته شود.



منابع

1. Naseri-Salahshour V, Sajadi M. Ethical challenges of novice nurses in clinical practice: Iranian perspective. *International nursing review*. 2019;67(1):76-83 .doi: 10.1111/inr.12562.
2. Araghian Mojarad F, Hosseini Karnami SH, Malekzadeh R, Assadi T, Khazae-Pool M, Abedi G, et al. Nurses' Experiences of Moral Conflicts in the Educational and Medical Centers of Mazandaran University of Medical Sciences in 2019. *Journal of Religion and Health*. 2021;9(1):24-36. [persian]
3. Boozaripour M, Abbaszadeh A, Shahriari M, Borhani F. Ethical values in nursing education: literature review. *Electronic Journal of General Medicine*. 2018;15(3). <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.
4. Jahanshahi R, Rajabpur MA, Chorli F, sanagoo a, Jouybari L, Rezapour Esfahani M. Ethical challenges in the clinical and educational environment of the university based on the experiences of nursing and midwifery students. *Education and ethics in nursing*. 2018;7(1):383-90. doi:10.52547/ethicnurs.7.1.2.383.[persian]
5. Russell MJ. Teaching civility to undergraduate nursing students using a virtue ethics-based curriculum. *Journal of Nursing Education*. 2014;53(6):313-319. doi: 10.3928/01484834-20140512-03.
6. Hassanzadeh Naeini M, Nasiriani K, Fazljoo SE. Moral Courage of the Nursing Students of Yazd University of Medical Sciences, Iran. *Iran Journal of Nursing*. 2020;33(127):35-44.[persian]
7. Mehdipour Rabori R, Dehghan M, Nematollahi M. Nursing students' ethical challenges in the clinical settings: A mixed-methods study. *Nursing ethics*. 2019;26(7-8):1983-91. doi: 10.1177/0969733018810766.
8. Escolar-Chua RL. Moral sensitivity, moral distress, and moral courage among baccalaureate Filipino nursing students. *Nursing ethics*. 2018;25(4):458-69. doi: 10.1177/0969733016654317.
9. Annas J. Virtue ethics. *The Oxford handbook of ethical theory*. 2006:515-36.doi: 10.1093/0195147790.003.0019.
10. Nikkhah Farkhani Z, Rahimniya F, Kazemi M, Shrazi A. An Analysis of Nurses Ethical Behavior toward Persons Accompanying a Patient Based on the Theory of Virtue Ethics. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*. 2015;4(4):363-76.[persian]
11. Eslami S H. Virtue - Based moral and its relation to Islamic moral. *Ethical research journal*. 2008;1:1-22.[persian]
12. Zahabioun Sh, Kalbasi A, Khorrooshi P. Clarify and recognition the consequentialism ethics approach. 4th international confrance on research in engineering science and technology. 2016:1-10.[persian]
13. Arries E. Virtue ethics: an approach to moral dilemmas in nursing. *Curationis*. 2005;28(3):64-72. doi: 10.4102/curationis.

- v28i3.990.
14. Newham RA. Virtue ethics and nursing: on what grounds? *Nursing Philosophy*. 2015;16(1):40-50. doi: 10.1111/nup.12063.
 15. Nikkhah Farkhani Z, Rahimnia F, Kazemi M, Shirazi A. Modeling the ethical behavior of nurses using the theory of virtue ethics. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2015;7(6):29-48.[persian]
 16. Sabet Sarvestani R, Khani Jeihooni A, Fereidouni Z, Moradi Z, Amirkhani M, Karimi S. The Effect of Teaching Ethical Principles through Role Playing on Nursing Students Internship Skills. *Journal of Teb vs Tazkiyeh*. 2017;26(3):159-70.[persian]
 17. Rashidi k, Sanagoo a, Akrami F, Leila j. The Use of the Newly Deceased Patient in Clinical Skills Education: Its Ethical Challenges. *J Educ Ethics Nurs*. 2020;9(1):63-9.doi: 10.52547/ethicnurs.9.1.2.63.[persian]
 18. Sellman D. What makes a good nurse: Why the virtues are important for nurses: Jessica Kingsley Publishers; 2011.
 19. Begley AM. Facilitating the development of moral insight in practice: teaching ethics and teaching virtue. *Nursing Philosophy*. 2006;7(4):257-65. doi: 10.1111/j.1466-769X.2006.00284.x.
 20. Mokhtari Noori J, Ebadi A, Alhani F, Rejeh N. Spirituality-based education by role model nursing instructors: a qualitative study. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2013;6(3):84-93.
 21. Salarvand S, Yamani N, Kashani F, Salarvand M, Ataei M, Hashemi Fesharaki M. Nursing Students' Perception of Ethical and Professional Characteristics of an Ideal Faculty Member: A Qualitative Study. *Iranian Journal of Medical Education*. 2015;15:481-94.[persian]
 22. Dehghani A, Eslamiakbar R, Rahimi E, Abbasi Jahromi A, Khaki S. Evaluation of the facilitating factors of professional ethics compliance in nursing practice. *Journal of Clinical Nursing and Midwifery*. 2017;6(1):19-29.[persian]
 23. Armstrong A. *Nursing ethics: a virtue-based approach*: Springer; 2007.
 24. Begley AM. Practising virtue: a challenge to the view that a virtue centred approach to ethics lacks practical content. *Nursing Ethics*. 2005;12(6):622-37. doi: 10.1191/0969733005ne832oa.
 25. Abbasszadeh A, Torabi M, Borhani F, Shamsaei F. The position of ethics education in the Iranian nursing education system. *Bioethics*. 2015;17(5):117-46.[persian]
 26. Falcó-Pegueroles A, Rodríguez-Martín D, Ramos-Pozón S, Zuriguel-Pérez E. Critical thinking in nursing clinical practice, education and research: From attitudes to virtue. *Nursing Philosophy*. 2021;22(1):e12332. <https://doi.org/10.1111/nup.12332>.
 27. Armstrong AE. Towards a strong virtue ethics for nursing practice. *Nursing Philosophy*. 2006;7(3):110-24 doi: 10.1111/j.1466-769X.2006.00268.x.

Presenting the View of Virtue-Based Ethical Theory in Resolving Ethical Conflicts in Nursing Education: Review Study

H. Mahmoudi¹, M. Nezamzadeh^{2*}

Abstract

Background and objective: The educational and clinical environments of nurses are full of moral conflicts and the instructors and professors of nursing education in this environment are trying to make the students professional based on ethics. In this regard, virtue-based ethical theory can be a suitable ethical framework for teaching nursing students. With this aim, the virtue-based ethical theory in solving ethical conflicts in nursing students' education was investigated in a review study.

Methods and Materials: This article is a review type and to identify related studies, search in reliable databases PubMed, Medline Scops, ERIC, Science Direct, Ovid, ProQuest, IranMedex with Farsi and English keywords moral conflict, education, students Nursing, Virtue Theory, and Ethical Theory Ethical Conflict, Nurses, Nursing Students, Virtue Theory and Ethical Theory was done without time limit. Studies were selected that were in Farsi or English and their full text was available. Finally, 27 articles were selected from 127,660 articles.

Results: The virtue-oriented ethics approach in nursing education is learner-oriented, and its goal is to provide nursing students with ethics-based education that develops personal values and aligns with professional values. Virtue-oriented ethics in the education of nursing students are carried out with four educational strategies: modeling, critical thinking, case study, and opportunities for practice.

Conclusion: Virtue requires a dynamic and long process of moral growth and maturity. It is difficult to evaluate individual progress in this field, but in the education of nursing students, it can be considered as an approach to cultivate the moral qualities and character of future nurses, to provide a platform for the growth of virtuous and professional human beings.

Keywords: Ethical Conflict, Education, Nursing Students, Virtue Theory

1. PhD, Professor in Nursing Education, Trauma Research center. Nursing faculty Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2* Corresponding Author, PhD Student in Nursing, Baqiyatallah University of Medical Sciences. Instructor, Faculty Member, Department of Critical Care Nursing, AJA University of Medical Sciences, Tehran, Iran. nezamzadeh_maryam@yahoo.com

سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن

محمود شکوهی تبار^۱، علی سلیمی^۲، نورا کمالیون^۳، اکرم حیدری^۴، مرتضی حیدری^{۵*}

چکیده

زمینه و هدف: خویشتن‌داری نقش مهمی در سلامت معنوی و اجتماعی ایفا می‌کند و آموزه‌های دینی ظرفیت بالایی در ارتقای خویشتن‌داری دارند. از آنجاکه خویشتن‌داری دربردارنده مفاهیم و اجزای گوناگونی است و تقویت و ارتقای آن منوط به بهره‌گیری از سازوکارهای برخاسته از فرهنگ و ارزش‌های خاص هر جامعه‌ای است، پژوهش حاضر با هدف تبیین سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد ترکیبی (قیاسی و استقرایی) انجام شد. در مرحله قیاسی با مراجعه به نظریات و تعاریف خویشتن‌داری در منابع مختلف، مفاهیم محوری این موضوع شناسایی شد و در مرحله استقرایی، کلیدواژه‌های مرتبط با مفاهیم شناسایی شده در مرحله پیشین، در قرآن کریم مورد جستجو قرار گرفت و پس از مرور بر آیات و مراجعه به تفاسیر قرآن کریم، مفاهیم مرتبط بازیابی، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند.

یافته‌ها: سازوکارهای ارائه شده در قرآن کریم برای ارتقای خویشتن‌داری در هشت مقوله کلی، ۲۱ مقوله فرعی و ۸۲ مفهوم است که بخشی از آنها همسو با نظریات موجود و مؤید مفاهیم مرتبط با آن بوده و برخی دیگر، سازوکارهای اختصاصی مورد اشاره در قرآن کریم می‌باشند. این سازوکارها شامل خودآگاهی، ارتقای اهداف، ارتقای انگیزه‌های درونی، ارتقای انگیزه‌های بیرونی، هشدار، خداگرایی و نفی خودگرایی، ایجاد و یادآوری عهد ایمانی و نمادسازی است.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت خویشتن‌داری در زندگی فردی و اجتماعی، توجه به آن از نظرگاه دینی به‌ویژه قرآن کریم، ضروری است. سازوکارهای ارائه شده می‌تواند برای افراد، مؤسسات تربیتی و نهادهای مرتبط با سلامت معنوی و اجتماعی مفید باشد.

کلمات کلیدی: خویشتن‌داری، قرآن کریم، سازوکار، تقوا، سلامت معنوی.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران mahmood0110@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران ali_salimi@rihu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد آران و بیدگل، آران و بیدگل، ایران noorakamaliuon@gmail.com

۴. استاد پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران heidariama@gmail.com

۵*. نویسنده مسئول. استادیار مدیریت آموزش عالی، دانشکده سلامت و دین، مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران mortezaheidari.mh@gmail.com

مقدمه

خویش‌داری^۱ به معنی توانمندی فرد در تنظیم و مهار آگاهانه تمایلات، کنش‌ها، افکار و هیجانات است، به‌گونه‌ای که باعث متوقف کردن یک هدف به منظور دست‌یافتن به هدفی با ارزشمندی طولانی‌تر است که معمولاً مبتنی بر آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی تعریف می‌گردند (۱،۲). خویش‌داری در دوره‌های مختلف مورد توجه روان‌شناسان بوده و شاخه‌های مختلف این علم همچون روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی دین به آن پرداخته‌اند. این موضوع در دهه‌های اخیر در گستره‌های اقتصاد، سیاست و فلسفه نیز مطرح شده است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که بین میزان نگرش مذهبی و خویش‌داری، همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد، به این معنا که هر چه میزان نگرش مذهبی افراد بالا باشد، میزان خویش‌داری افزایش می‌یابد (۳). در آموزه‌های دین اسلام به‌طور ویژه بر مهار خویش‌داری در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی تأکید شده است و این مهم از عناصر بنیادی دینداری محسوب می‌شود. یکی از مفاهیم قرآنی که ارتباط نزدیکی با خویش‌داری دارد، تقوا است که به معنی حفظ و صیانت خود از زشتی، خطا و گناهانی است که دین در ابعاد گوناگون زندگی معین کرده است. به عبارت دیگر، تقوا ملکه‌ای نفسانی است که باعث حفظ انسان از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) می‌شود (۴،۵). یکی از اهداف مهم قرآن کریم، ایجاد و تقویت تقوا در انسان است تا قادر باشد در عرصه‌های انتخاب و تصمیم، از هوای نفس و اهداف کوتاه‌مدت چشم‌پوشی کند و به اهداف و آرمان‌های والای الهی بیندیشد و این جز با تسلط بر نیروهای درونی امکان‌پذیر نیست. تقوا که از واژه‌های پرکاربرد قرآن کریم است، به صورت مصدر، ۱۷ بار و مشتقات آن ۲۵۸ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است (۶). تقوا از منظر آیات الهی به قدری با اهمیت است که حتی معیار ارزش‌گذاری انسان

(حجرات، ۱۳) و مایه قبولی اعمال (مائده، ۲۷) دانسته شده است. از دیدگاه قرآن، تنها افراد برخوردار از تقوا مشمول هدایت قرآن واقع می‌شوند و رستگاری نیز از آن ایشان است (بقره، ۲-۵) (۷). خویش‌داری در بُعد فردی به عزت نفس بیشتر، رضایت بیشتر از خود، تعالی خود و امکان دستیابی به اهداف بلندمدت می‌انجامد. در بُعد اجتماعی نیز، افراد با خویش‌داری بالاتر، پیوستگی بهتر و تعارض کمتری در روابط بین فردی خواهند داشت. این افراد سبک دل‌بستگی ایمنی دارند و کمتر به سبک‌های دل‌بستگی مشکل‌ساز روی می‌آورند. افراد دارای قدرت بالای خویش‌داری، از توان بیشتری در مدیریت خشم برخوردار بوده و در نتیجه کمتر دچار خشم می‌شوند (۸)، ضمن آنکه پیشگیری از بسیاری از کج‌روی‌ها نیز، با تقویت خویش‌داری در ارتباط است و برخی از شواهد از رابطه منفی بین خودمهارگری و جنایتکاری حکایت دارند (۱،۹). توجه به برخی دیدگاه‌ها در زمینه علل شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، ارتباط خویش‌داری با سلامت اجتماعی را روشن‌تر می‌سازد. برای نمونه ویلسون و هرنشتاین در نظریه «یادگیری سرشتی»، تحریک‌پذیری یا زودانگیختگی^۲ را از پیش زمینه‌های بنیادین ارتکاب آسیب‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند که به معنای عدم توان به تأخیر انداختن کام‌جویی از منافع بالفعل آنی و دل‌خوش کردن به منافع بالقوه و درازمدت بوده و بیانگر فقدان یا ضعف خویش‌داری است (۱۰). گاتفریدسون و هیرشی نیز در الگوی متأخر کنترل اجتماعی موسوم به «نظریه عمومی جرم»، فقدان یا ضعف خویش‌داری را علت بنیادین آسیب‌های اجتماعی دانسته‌اند (۱۱). بر این اساس، تقویت خویش‌داری یکی از راهکارهای مهم و تعیین‌کننده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به شمار آمده است. ارتباط خویش‌داری با سلامت معنوی به‌عنوان یکی از ابعاد سلامت نیز از منظر ارتباط شخص با خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تسلط بر خود و خویش‌داری، عزت نفس افزون‌تر، رضایت بیشتر از خود، تعالی خود و امکان دستیابی به اهداف متعالی را در

2. impulsivity

1. Self-Control

پی دارد. رابطه مثبت معنی‌دار بین خویشنداری و سلامت معنوی در مطالعات دیگر نشان داده شده است (۳). اجتناب از بسیاری از کج‌روی‌ها از قبیل مصرف الکل، اعتیاد به سیگار و مواد مخدر، روابط جنسی پرخطر، پرخاشگری، جنایت و مانند آنها به‌عنوان مصادیق خویشنداری با سلامت معنوی ارتباط وثیقی دارند (۲، ۹). با وجود اینکه در نظریات مختلف راهکارهای متفاوتی برای تقویت خویشنداری ارائه شده است، به‌نظر می‌رسد به دلیل جایگاه والای آموزه‌های دینی در شکل‌دهی به فرهنگ حاکم بر کشور، مراجعه به منابع دینی می‌تواند در تدوین سازوکارهای تقویت و ارتقای خویشنداری مفید واقع شده و امکان تأثیرگذاری بیشتر در این زمینه را فراهم نماید. همچنین، مراجعه به آموزه‌های قرآنی در این زمینه، ظرفیت بی‌بدیل این آموزه‌ها را در ایجاد و درونی‌کردن خویشنداری نمایان می‌کند که حاکی از ضرورت پرداختن به این بحث از منظر قرآن کریم است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف استخراج سازوکارهای قرآنی در راستای ارتقای خویشنداری انجام شده و کاوش صورت گرفته برای پاسخ به این سؤال بوده است که سازوکارهای قابل اسناد به قرآن کریم در این زمینه کدامند؟

روش بررسی

پژوهش حاضر در قالب روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است و هدف از آن، برجسته‌سازی خطوط کلی مرتبط با موضوع است که به شکلی پراکنده در مجموعه‌ای از منابع، وجود دارد (۱۲). این مطالعه با روش ترکیبی انجام شده است. در روش ترکیبی، ابتدا به تدوین ماتریس اولیه تحقیق با مراجعه به بافت علمی موجود در این زمینه با رویکرد قیاسی پرداخته شده و در ادامه، داده‌های جدید با رویکرد استقرایی، تحلیل و منجر به تدوین مقوله‌های جدید می‌گردد (۱۳، ۱۴). بدین ترتیب، این پژوهش از دو مرحله متمایز تشکیل می‌شد که در مرحله قیاسی، منابع موجود در زمینه خویشنداری و مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با آن، مورد مطالعه قرار گرفت و منجر به شناسایی مفاهیم محوری مرتبط با

سازوکارهای ارتقای خویشنداری بر اساس نظریه‌های موجود گردید. سپس، در مرحله استقرایی، با جستجو در آیات قرآن کریم و بررسی ارجاعات متقابل آیات بر اساس تفاسیر، کدهای مرتبط با سازوکارهای ارتقای خویشنداری شناسایی و استخراج شدند که در ادامه، در ذیل مقوله‌های موجود قرار گرفتند و یا منجر به تشکیل مقوله‌های جدید منبعت از مفاهیم قرآنی گردیدند. گام‌های طی شده در انجام این مطالعه شامل مراحل زیر است:

۱. نظریات مختلف درباره خویشنداری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.
۲. مؤلفه‌های مشترک که در نظریه‌های مختلف تکرار شده بود، انتخاب شد و به عنوان مقوله‌های پیشینی تحقیق در نظر گرفته شد که عبارتند از: خودآگاهی، نظارت بر خود، اهداف، انگیزه و عزت نفس.
۳. کلیدواژه‌های مناسب با مقوله‌های پیشینی انتخاب شد. کلیدواژه‌های مرتبط با خودآگاهی و نظارت بر خود عبارتند از: انسان، ناس، نفس و مشتقات ماده خلق، علم، ظن و قلب. کلیدواژه‌های مرتبط با اهداف شامل مشتقات ماده خلق، حق، فوز، شقی و سعد است. کلیدواژه‌های مرتبط با انگیزه‌های درونی مثل عبرت و عزت نفس عبارت از: نظر، عاقبت، عبر و کرم، سجد، خلف، عزّ، ناس، خلق و مشتقات آن‌ها است. کلیدواژه‌های کلی نیز از قبیل مشتقات مختلف ماده «وقی» مانند «تقوا، مُتَّقُونَ، اتَّقُوا و ...» و مشتقات مختلف ماده «عبد» مانند «يعبدون، تعبدون، عابد و ...» جستجو شدند، چرا که تقوا و عبادت در معنای اعم آن یعنی انجام واجبات و ترک محرمات، ملازم با نادیده گرفتن اهداف کوتاه مدت و در نظر گرفتن اهداف بلندمدت و متعالی است.
۴. جستجو بر اساس کلیدواژه‌های مشخص شده، در متن قرآن کریم بر اساس نرم افزار جامع التفاسیر نور صورت پذیرفت.
۵. با مراجعه به تفاسیر و از طریق دنبال کردن ارجاعات متقابل به سایر آیات در تفسیر آیات کدگذاری شده، آیات مرتبط دیگر، شناسایی، مطالعه و کدگذاری شدند.
۶. افزون بر روش‌های فوق، بخش‌هایی از آیات و سوره‌های

کدگذاری و تحلیل رعایت شده و به تناسب تشکیل کدهای جدید در حین کدگذاری - در مواردی که به صورت استقرایی انجام می‌شد - کدگذاری متناسب با کدهای جدید، مجدداً انجام و تکمیل شد. ۸. در نهایت، کدهای حاصله در طبقات کلی‌تر دسته‌بندی شده و طبقات اولیه تحلیل را شکل دادند که در ذیل طبقات اصلی یا مقوله‌ها قرار گرفتند.

یافته‌ها

این پژوهش به شناسایی هشت مقوله اصلی در زمینه سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن کریم منجر شد که مشتمل بر ۲۱ مقوله فرعی و ۸۲ مفهوم است و در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

قرآن کریم به صورت کامل مورد مطالعه و کدگذاری قرار گرفت که برای این منظور، حدود چهار جزء ابتدایی قرآن کریم شامل سوره‌های بقره و آل عمران و پنج جزء انتهایی و برخی سوره‌های دیگر نیز از اواسط قرآن به صورت کامل مطالعه و کدگذاری شد. ۷. بر اساس مراحل فوق در مجموع، بیش از هفتصد آیه مرتبط با خویشتن‌داری شناسایی و کدگذاری شدند. برای اطمینان از صحت کدگذاری، افزون بر توافق کدگذاران، به فهم محققان اکتفا نشد و به تفاسیر ذیل آیات نیز مراجعه شد تا از اعتبار تحلیل اطمینان حاصل شود. تفاسیر مورد مراجعه شامل تفاسیر مشهور شیعه و اهل سنت مثل المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه، مجمع البیان، من وحی القرآن، من هدی القرآن، التحریر و التنویر، روح المعانی و الکشاف است. همچنین، در فرایند تحلیل، ویژگی بازگشتی^۱ در

جدول ۱. مقوله‌های اصلی، مقوله‌های فرعی و مفاهیم شناسایی شده در زمینه سازوکارهای خویشتن‌داری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم
خودآگاهی	آگاهی به نقاط قوت خود	- آفرینش انسان در نیکوترین قوام و بهترین شکل - داشتن روح خدایی - مسجود ملائک بودن - داشتن نفس معتدل و موزون - داشتن اختیار در انتخاب مسیر - داشتن قدرت علم آموزی - برخورداری از قدرت تعقل و اندیشه ورزی - برخورداری از وجدان اخلاقی
	آگاهی به نقاط ضعف خود	- ضعیف بودن و برخورداری از توانایی‌های محدود - فقر و نیازمندی انسان - حرص - ناامیدی - وجود نفس اماره - عجول بودن - اهل جزع و فزع بودن - بخل - داشتن آرزوهای طولانی - نادانی
	آگاهی از سازوکارهای جهت‌دهنده کنش	- گرایشات فطری - تأثیر نظارت عاطفی - تأثیر نظارت ارزشی
	عقلانیت محدود انسان	- تأثیر فهم انسان از عملکرد سوء - مهر نهاده شدن بر قلب و گوش و قرارداده شدن حجاب بر چشم - تبعیت از گمان و پندار

1. recursive

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- نظارت الهی - نظارت پیامبر (ص) و اولیای الهی (ع) - نظارت ملائک - نظارت و شهادت اعضای بدن - نظارت و شهادت زمین	تحت نظارت بودن	
- عبث و بی‌هدف نبودن آفرینش - ورود در دریای بیکران رحمت الهی - ورود به بهشت الهی و نجات از جهنم - بصیرت و آگاهی در حرکت - دستیابی به حیات طیبه - عبودیت - ارائه بهترین عملکرد از سوی انسان	اصل هدف‌مندی آفرینش هدف خلقت	ارتقای اهداف
- نیل به فلاح و رستگاری - قدرت تشخیص حق و باطل - گشایش و آسانی در امور - نعمت و برکت فراوان - دست یافتن به روزی از جایی که گمان نمی‌رود - آمرزش گناهان - یاری و حمایت خداوند - رهایی از ترس و اندوه	نتایج و دستاوردهای خویشنداری	
- تأکید بر قطعیت تحقق وعده‌های الهی - قدرت مطلق خداوند - مالکیت مطلق خداوند بر همه چیز - تسلط و حاکمیت مطلق خداوند	قطعیت رسیدن به اهداف	
- توجه دادن به زندگی اخروی - معرفی زندگی دنیوی به عنوان دار ابتلا - اصالت دادن به زندگی اخروی - ناچیز شمردن دنیا در مقایسه با آخرت	تعدیل دل‌بستگی به دنیا و تعالی اهداف	
- تأکید بر ابدی بودن آخرت - تأکید بر ترجیح آخرت بر دنیا	لزوم آخرت‌گرایی	
- کرامت و فضیلت ذاتی انسان - خلیفه قرار دادن انسان - مسجود ملائک بودن انسان - حامل امانت الهی بودن انسان - بهترین امت بودن مسلمانان - مقام و درجه‌ای که به خاطر اتصاف به صفت ایمان در مؤمنان پدید می‌آید. - اختصاص عزت به خداوند، رسول خدا و مؤمنان	عزت نفس	ارتقای انگیزه‌های درونی
- عبرت از سرنوشت افراد و اقوام مختلف - الگوگیری از افراد و اقوام مختلف	درس‌آموزی از پیشینیان	
یادآوری مکرر نتایج خویشنداری	یادآوری مکرر نتایج خویشنداری	
- نظارت خداوند - نظارت مؤمنان نسبت به یکدیگر - تأسیس نهاد نظارت اجتماعی در جامعه	تأکید بر نظارت	ارتقای انگیزه‌های بیرونی
- در معرض سقوط بودن انسان - در معرض خسران بودن انسان	اهمیت و ضرورت خویشنداری	هشدار
- نهی از نفس پرستی و تبعیت از هوای نفس - دعوت به عبادت خداوند - نهی از شرک	نهی خودگرایی (نفس پرستی) توصیه به خداگرایی	خداگرایی و نفی خودگرایی

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
توجه دادن به عهد ایمانی	توجه دادن به عهد ایمانی و دعوت به	ایجاد و یادآوری عهد ایمانی
دعوت به عمل بر مبنای عهد ایمانی	عمل بر مبنای آن	
توصیه به مراقبت از نیات و اعمال	خودنظارت‌گری	
برحذر داشتن از خودفراموشی		
معامله با خداوند	ایجاد معنا برای موقعیت‌های مختلف	نمادسازی
قرض به خداوند		
فتنه و آزمایش بودن اموال و اولاد		
خوردن آتش		
کف روی آب		
سقوط از مرتبه انسانیت		

بحث

۸۲ مفهوم در ذیل آنها قرار دارد و بر طبق یافته‌های این مطالعه، قرآن کریم به وسیله آنها، ارتقای خویشتن‌داری مخاطبان خود را دنبال می‌نماید. مقوله‌های اصلی مشتمل بر خودآگاهی، ارتقای اهداف، ارتقای انگیزه‌های درونی، ارتقای انگیزه‌های بیرونی، هشدار، خداگرایی و نفی خودگرایی، ایجاد و یادآوری عهد ایمانی و نمادسازی است. از این بین، مقوله‌های خداگرایی و نفی خودگرایی، ایجاد و یادآوری عهد ایمانی و نمادسازی مقوله‌هایی هستند که از قرآن کریم استخراج شده‌اند، ضمن آنکه مقوله‌های فرعی و مفاهیم ذیل هر یک، بر مبنای آیات قرآنی تدوین شده‌اند. خودآگاهی از عوامل مهم مؤثر در خویشتن‌داری محسوب می‌شود. در این مطالعه، آگاهی به نقاط قوت و ضعف، سازوکارهای جهت‌دهنده کنش، عقلانیت محدود انسان و تحت نظارت بودن انسان به عنوان طبقات اولیه خودآگاهی از آیات قرآن استخراج شد که کاربست مفاهیم یاد شده می‌تواند در ارتقای خویشتن‌داری مؤثر باشد. همسو با این یافته، مطالعه باومایستر و همکاران نیز نقش خودآگاهی در خویشتن‌داری را مورد تأیید قرار داده است (۱۶). همچنین راجرز بر اهمیت خودپنداشت و خودآرامی که از مؤلفه‌های آگاهی هستند و در خویشتن‌داری نقش اساسی ایفا می‌کنند، تأکید کرده است. از نظر راجرز، بدون خودآگاهی، خودپنداشت و خودآرامی که از ارکان اساسی خویشتن‌داری هستند، وجود نخواهد داشت. بر طبق این نظریه، خودپنداشت به معنای همه جنبه‌های وجود شخص و تجارب

خویشتن‌داری طیف وسیعی از اثرات مثبت بر تمامی ابعاد سلامت انسان اعم از سلامت جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی دارد. این اثرات هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تأثیرگذاری بعد معنوی سلامت بر سایر ابعاد قابل تبیین است. چرا که تأثیر سلامت معنوی بر سایر ابعاد سلامت در مطالعات پیشین نشان داده شده است (۱۵). تأثیر خویشتن‌داری بر سلامت جسمانی در سطوح مختلف پیشگیری غیر قابل انکار است. افراد خویشتن‌دار از موفقیت بیشتری در اتخاذ سبک زندگی سالم برخوردار بوده و در صورت ابتلا به بیماری نیز، تمکین بیشتری نسبت به دستورات پزشک معالج داشته و با خودمراقبتی، روند درمانی موفق‌تری را طی می‌نمایند. به‌علاوه، افراد برخوردار از سطح قابل قبول خویشتن‌داری، در موقعیت‌های مختلف، توانایی بیشتری در اجتناب از رفتارهای آسیب‌زننده به خود و دیگران دارند که حاصل آن، ارتقای سلامت اجتماعی و روانی ایشان خواهد بود. در این راستا، اگرچه مقوله خویشتن‌داری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لیکن به‌طور شایسته به سازوکارهای تقویت آن پرداخته نشده است. هدف از پژوهش حاضر، تدوین سازوکارهای خویشتن‌داری از منظر قرآن کریم بود که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد ترکیبی انجام شد. با استفاده از این شیوه، هشت مقوله اصلی مشتمل بر ۲۱ مقوله فرعی استخراج شد که

او است که به واسطه آگاهی از نگاه دیگران دریافت کرده است و خودآرمانی به معنای نگاه فرد به خود است، آن‌گونه که می‌خواهد باشد و آرزوی آن را دارد (۳). همچنین افراد برای خویشتن‌داری مناسب، باید درباره ویژگی‌های قابل تغییر و غیر قابل تغییر خود، شناخت کافی کسب کنند تا بتوانند برنامه‌ریزی مناسب داشته باشند (۱۷). براساس یافته‌های این مطالعه، اهداف، عامل دیگری در خویشتن‌داری است که با ارتقای آن می‌توان، خویشتن‌داری را ارتقا داد. سازوکارهای مؤثر در ارتقای اهداف مشتمل بر اصل هدف‌مندی آفرینش، هدف خلقت، نتایج و دستاوردهای خویشتن‌داری، قطعیت رسیدن به اهداف، تعدیل دلبستگی به دنیا و تعالی اهداف و لزوم آخرت‌گرایی است. مطالعات انجام شده، نقش اهداف به‌عنوان مؤلفه‌های اثرگذار بر خویشتن‌داری و معیارهای متعارض از عوامل از کار افتادن خویشتن‌داری را مورد تأیید قرار می‌دهند. اهداف به‌عنوان یکی از ارکان خویشتن‌داری می‌تواند دربرگیرنده ایده‌ها، هنجارها، آرمان‌ها، ارزش‌ها و سایر رهنمودهایی باشد که فرد با اقدام به خویشتن‌داری در پی رسیدن به آنها است. زمانی که فرد از هدفی آگاهی می‌یابد، شرایط موجود خود را با آن می‌سنجد و درک فاصله فرد با آن هدف و ضرورت خویشتن‌داری برای نیل به آن، می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری فرد از سازوکار اهداف باشد (۱۷). ارتقای انگیزه‌های درونی به‌عنوان عامل دیگر مؤثر بر خویشتن‌داری در این پژوهش شناسایی شد که سازوکارهای آن بر اساس آیات قرآن کریم، شامل عزت نفس، درس‌آموزی از پیشینیان و یادآوری مکرر نتایج خویشتن‌داری است. همچنین، انگیزه‌های بیرونی مؤثر در خویشتن‌داری عامل مؤثر دیگری است که تأکید بر نظارت، مهم‌ترین سازوکار این عامل تأثیرگذار را شکل می‌دهد. نقش انگیزه از آن جهت برجسته است که ممکن است صرف شناخت خود و هدف نهایی، در بازدارندگی و تنظیم حوزه‌های خویشتن‌داری ناکافی باشد و در این میان، عوامل انگیزشی درونی و بیرونی می‌توانند فرد را برای اقدام مناسب با در نظر گرفتن فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، برانگیخته و ترغیب

نمایند. بر اساس مطالعه موراون و همکاران، افرادی که بر مفید بودن تلاش‌هایشان در خویشتن‌داری باور دارند، در مقایسه با افرادی که انگیزه پایین‌تری دارند، عملکرد بهتری نشان می‌دهند (۱۸). در مقابل، تلاش‌های فرد در راستای خویشتن‌داری، بدون انگیزه کافی متزلزل خواهد بود و انگیزه به آنان کمک می‌کند تا در خویشتن‌داری با لغزش مواجه نشوند (۱۹). همچنین مطالعه فراری و همکاران (۲۰)، هافر و همکاران (۲۱) و رفیعی‌هنر و همکاران (۲۲) نشان داد که بین عزت نفس (به عنوان یکی از انگیزه‌های درونی) و خویشتن‌داری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هشدار به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر خویشتن‌داری، ناظر بر اهمیت و ضرورت خویشتن‌داری است و سبب می‌شود که فرد در برابر عوامل شکست خویشتن‌داری مقاوم گردد و به سادگی تسلیم هوای نفس و اهداف کوتاه‌مدت نشود. هشدار این فرصت را فراهم می‌کند تا فرد با حساسیت بیشتری به نظارت بر خود اقدام کند و به تنظیم گرایش‌ها، هیجانات و عملکرد خود بر اساس اهداف بلندمدت خود بپردازد. از مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه، نقش خداگرایی و نفی خودگرایی در خویشتن‌داری بود که از مطالعه و تحلیل آیات قرآن کریم حاصل شد. نقش خداگرایی و نفی خودگرایی در خویشتن‌داری را می‌توان چنین تبیین کرد که خودگرایی باعث توسعه و تشدید امیال نفسانی می‌شود و با توجه بیش از حد انسان به خود و امیال و نفسانیات خود، به صورت طبیعی هدف اصلی او برآوردن هرچه بیشتر و بهتر امیال نفسانی خواهد بود و این باعث فربه‌تر شدن خواسته‌های نفس و توسعه آن می‌شود. در مقابل، کسی که مهم‌ترین هدفش به جای برآوردن خواسته‌های خود، اطاعت از اوامر و نواهی خداوند است، دایره خواسته‌های نفسانی‌اش کوچک است و این امیال مجالی برای رشد و توسعه نمی‌یابد. در نتیجه، چنین انسانی در پرتو معارف الهی، متوجه اهداف متعالی و بلندمدت است و این مسیر در نهایت، به تقویت خویشتن‌داری می‌انجامد. مطالعه عرفانی و همکاران نیز نشان داد که بین کیفیت دلبستگی به خدا با خویشتن‌داری رابطه معنادار وجود دارد، به این معنا که افزایش

به‌طور کلی می‌توان گفت سازوکارهای قرآنی ارائه شده برای خویشتن‌داری، با تأثیرگذاری بر نگرش و عملکرد افراد، سبک زندگی متفاوتی را برای آنان رقم می‌زنند که رکن مهم آن، خداگرایی و خدامحوری است. برای عبور از خودمحوری و نفی اصالت منافع و خواسته‌های نفسانی و در نتیجه دستیابی به سطوح متعالی زندگی، سلوک و خودسازی و اصلاح نفس مبتنی بر معرفت و شناخت حقیقی، ضرورتی انکارناپذیر است و این مهم بدون شناخت و نهادینه کردن خویشتن‌داری میسر نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

خویشتن‌داری نقش کلیدی در موفقیت و ارتقای کیفی در کلیه حُرَف به‌ویژه در حوزه سلامت دارد. جهت دستیابی به خویشتن‌داری و ارتقای آن، سازوکارهای مختلفی ارائه شده است. با توجه به گنجینه غنی منابع دینی به‌ویژه قرآن کریم از یک‌سو و بنیان‌های فکری و فرهنگی حاکم بر کشور از سوی دیگر، شناسایی و کاربست سازوکارهای مرتبط با ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن کریم می‌تواند گامی مهم در این زمینه به شمار آید. نتایج حاصل از این پژوهش، علاوه بر تأمین شواهد قرآنی سازوکارهای ارائه شده در نظریه‌های مدرن، سازوکارهای دیگری نیز به این مجموعه اضافه کرده است که امید است بستر لازم جهت به‌کارگیری و اشاعه این سازوکارها فراهم گردد و دستیابی به تکامل معنوی را تسهیل نماید.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی را ذکر نکردند.

دلبستگی ایمن به خداوند، باعث افزایش خودمهارگری می‌شود (۲۳). عامل دیگر در تقویت خویشتن‌داری بر طبق آیات قرآن کریم، ایجاد و یادآوری عهد ایمانی است که با توجه دادن به عهد ایمانی و دعوت به عمل بر مبنای آن و نیز خودنظارت‌گری و توصیه به مراقبت از نیات و اعمال و همچنین برحذر داشتن از خودفراموشی می‌تواند نقش بسزایی در این زمینه ایفا نماید. در خودنظارت‌گری، فرد بر عملکرد، فکر یا هیجان خود - به ویژه آن مواردی که دارای فراوانی و شدت است - نظارت می‌کند. سپس آن را با معیارها و اهداف مقایسه می‌کند و با مشخص شدن اختلاف بین آنها، فرد به خویشتن‌داری اقدام می‌کند. همچنین، یکی از شیوه‌های کارآمد برای دستیابی به اهداف، به‌کارگرفتن مکرر و دقیق نظارت‌گری است (۲۴). بندورا (۱۹۸۶) نیز نظارت بر خود را یک عامل درونی مؤثر بر خویشتن‌داری معرفی می‌کند (۳). عامل دیگر در ارتقای خویشتن‌داری، نمادسازی و ایجاد معنا برای موقعیت‌های مختلف در آیات قرآن کریم است. به‌نظر می‌رسد معانی ذهنی که کنش‌گر به کنش‌هایش نسبت می‌دهد، نقش مهمی در جهت‌دهی به عملکرد انسان دارد (۲۵). اساساً این نمادها و معانی ذهنی هستند که می‌توانند سرچشمه ایجاد انگیزه‌ها، احساسات و در نهایت عمل واقع شوند. استفاده از نمادها در جهت ایجاد معنا و ارتقای خویشتن‌داری به عنوان یک کنش انسانی نیز، استفاده از این نمادها در قالب تشبیهات و استعاره‌های قرآنی به‌نحو بارزی به‌چشم می‌خورد که در هر دو بعد ترغیب به کارهای شایسته و برحذر داشتن از اعمال ناشایست، از این‌گونه نمادها بهره گرفته شده است و می‌تواند در تقویت خویشتن‌داری کمک شایانی بکند.

منابع

1. Mohases M. The view of the Holy Quran on "self-control" in family behavior. Research Journal on Qur'anic Knowledge. 2003;6(23): 35-57. <http://ensani.ir/fa/article/361424> [Persian]
2. Rafiei-Honar H. Psychology of self-restraint with Islamic attitude. Qom. Imam Khomeini Education and Research Institute; 2016. <https://bookroom.ir/book/64360> [Persian]
3. Mousavi-Moghadam SR, Esmail-Chegeni M. Study the relationship between religious attitudes, self-control and spiritual health between Basij sisters, in the city of Shoush. Journal of Reaserch on Religion & Health. 2015; 1(1): 40-47. <https://journals.sbm.ac.ir/en-jrrh/article/view/11993> [Persian]
4. Javadi-Amoli A. Tasnim interpretation of the Holy Quran. Qom. Isra; 2013. [Persian]
5. Motahari M. Ten chapters. Qom. Sadra; 2007. [Persian]
6. Shirafkan MH, Sahebian F, Ghaemi-nia AR. Analysis of the concept of Taqwa with emphasis on Izutsu's semantic method. Zehn. 2007; 18(71)171-198. <http://ensani.ir/file/download/article/1560585929-9772-96-14.pdf> [Persian]
7. Makarem Shirazi N, translator. The Holy Qur'an. Qom: Imam Ali; 2020. 620 p.
8. Tangney JP, Baumeister RF, Boone AL. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. Journal of personality. 2004; 72(2):271-324.
9. Refiei-Honar H, Janbozorgi M, Pasandideh A, Rasoolzadeh-Tabatabaei SK. Explaining the construct of self-restraint according to Islamic thought. Psychology and Religion. 2014; 7(3):5-26. <http://ensani.ir/fa/article/342317> [Persian]
10. Salimi A, Davari M. Sociology of crime. Qom. Research Institute of Hawzah and University. 2013. [Persian]
11. Vold GB, Bernard TJ, Snipes JB. Theoretical criminology. Tehran. SAMT. 2009. [Persian]
12. Drisko JW, Maschi T. Content analysis: Pocket Guides to Social Work. Oxford University Press; 2016.
13. B. Wildemuth. Applications of social research methods to questions in information and library science. Libraries Unlimited; 2017.
14. Forman J, Damschroder L. Qualitative content analysis. Empirical methods for bioethics: A primer: Emerald Group Publishing Limited; 2007.
15. Heidari A, Yoosefee S. The relationship between spiritual health and other dimensions of health: Presentation of a model. Health, Spirituality and Medical Ethics. 2016;3(2):38-41.
16. Baumeister RF, Schmeichel BJ, Vohs KD. Self-regulation and the executive function: The self as controlling agent. Social psychology: Handbook of basic principles. 2007;1(2):516-39.
17. Vohs KD, Schmeichel BJ. Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. The self. 2007:139-62.
18. Muraven M, Slessareva E. Mechanisms of self-control failure: Motivation and limited resources. Personality and social psychology bulletin. 2003;29(7):894-906.
19. Geyer AL, Baumeister RF. Religion, Morality,

- and Self-Control: Values, Virtues, and Vices. 2005.
20. Ferrari JR, Stevens EB, Legler R, Jason LA. Hope, self-esteem, and self-regulation: Positive characteristics among men and women in recovery. *Journal of Community Psychology*. 2012;40(3):292-300.
 21. Hofer J, Busch H, Kärtner J. Self-Regulation and Well-Being: The Influence of Identity and Motives. *European Journal of Personality*. 2011;25(3):211-24.
 22. Refiei-Honar H, Aynechi A, Rajabi M. The Relationship between self-esteem and Islamic self-control, based on gender and marital status. *Islam and psychological studies*. 1(1):115-128. [Persian]
 23. Rezaeian Bilondi H, Mirqaderi FS. Attachment Styles and Marital Intimacy: The Mediatory Role of Islamic Self-Control. *Gender and Family Studies*. 2020;7(2):125-47.
 24. Mezo PG, Heiby EM. A comparison of four measures of self-control skills. *Assessment*. 2004;11(3):238-50.
 25. Coser LA. *Masters of sociological thought*. Rawat Publications. 2012.

Self-Control Promotion Mechanisms in the Holy Quran

Mahmood Shokouhitabar¹, Ali Salimi², Nora Kamahiyon³, Akram Heidari⁴, Morteza Heidari^{5*}

Abstract

Background and Objective: Self-control has a significant role in spiritual and social health. Religious instructions can be regarded as a great capacity for improving self-control. Self-control is composed of different concepts and components and is depends on the values and cultural background of the community. This study was performed to explain the mechanisms of the improvement of self-control that are derived from the Holy Qur'an.

Methods and Materials: A qualitative content analysis study was conducted in a deductive- inductive design. In the deductive phase, the theories and definitions of self-control were investigated in a variety of resources and the core concepts and its components were identified. At the inductive phase, the keywords identified were reviewed in Qur'anic verses and their interpretations and the concepts were retrieved, coded, and classified.

Results: Mechanisms for the improvement of self-control are classified in eight main categories, included 21 subcategories and 82 concepts. Some mechanisms are in line with the existing theories, while some of them are specifically presented by the Holy Quran. The mechanisms include self-awareness, promotion of goals, inner motivation improvement, outer motivation improvement, warning, God-centeredness, creation and remembrance of the covenant of faith and symbol development.

Conclusion: As a result of the importance of self-control in individual and social life and the role of religious instructions in its improvement, it is necessary to explain it from religious perspective according to the Holy Qur'an. The mechanisms could be helpful for individuals and educational institutions and other organizations involved in spiritual and social health.

Keywords: Self-Control, Holy Qur'an, Mechanism, Taqwa (Piety), Spiritual Health.

1. Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, School of health and Religion, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran. mahmood0110@gmail.com

2. Assistant Professor of Sociology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. ali_salimi@rihu.ac.ir

3. Msc. of Quran and Hadith Studies, Payam Noor University, Aran va Bidgol branch, Aran va Bidgol, Iran. noorakamaliuon@gmail.com

4. Professor of Community Medicine, Spiritual Health Research Center, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran. heidariama@gmail.com

5*. Corresponding author. Assistant Professor of Higher Education Administration, School of health and Religion, Spiritual Health Research Center, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran. mortezaheidari.mh@gmail.com

شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

زهرایوسفی^۱، محمدنقی ایمانی^{۲*}، حسینعلی جاهد^۳

چکیده

زمینه و هدف: ناکارآمدی دوره‌های آموزش ضمن خدمت وزارت بهداشت را می‌توان عدم همسویی و همراهی محتوای دوره‌های آموزشی با نیازهای آموزشی کارکنان دانست. زمانی که محتوای آموزشی با نیازهای عملیاتی کارکنان همسو نباشد شاهد آن خواهیم بود که نه کارمندان محتوای آموزشی را جدی می‌گیرند و نه آنچه در این دوره‌ها تدریس می‌شود به کار کارمندان می‌آید. هدف پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

روش بررسی: روش تحقیق پژوهش حاضر، توصیفی پیمایشی می‌باشد. از نظر هدف، در حیطه تحقیقات کاربردی طبقه‌بندی می‌شود. داده‌های کیفی موردنیاز از طریق کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شدند. جامعه آماری شامل ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان دانشگاهی که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که روایی و پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفت. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به حالت اشباع انجام شد. روش تحلیل داده‌ها، کدگذاری متن بود.

یافته‌ها: در جهت تحقق هدف پژوهش، اقدامات انجام شده شامل مصاحبه با صاحب‌نظران، نگارش مطالب توسط محقق، بازخوانی و مرور دقیق متن تمام مصاحبه‌ها بعد از اتمام مصاحبه‌ها، تحلیل محتوای مطالب از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی که در نهایت ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های موردنظر شناسایی گردید.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن است که ارتقای اثربخشی این دوره‌ها نیازمند کاربست مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و تلاش‌ها است که می‌توان به پرهیز از بیگانگی شغلی، مسئولیت‌پذیری به جای احساس وظیفه، احساس معنی‌داری، عشق به کار و مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی سازمانی اشاره کرد.

کلمات کلیدی: شاخص‌های ارتقاء، تحلیل محتوا، آموزش ضمن خدمت، اثربخشی آموزش

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. yousefi_58@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول. استادیار مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران. imani1348mn@gmail.com

۳. استادیار مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. jahediau@gmail.com

مقدمه

یکی از مشخصه‌های اساسی و نوین در مدیریت سازمان‌های امروزی وجود زیرساخت‌های لازم برای سنجش و مدیریت منابع انسانی و تحلیل نتایج و دستاوردهای آن است. به واسطه بروز و ظهور فناوری‌های جدید، کشورهای توسعه‌یافته با سرعت فراوانی در حال پیشرفت و فاصله گرفتن از کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای در حال توسعه در پی راهکارهایی برای کاهش این فاصله هستند (۱). در سیستم‌های سازمانی، انسان اغلب مهم‌ترین عامل در رسیدن به اهداف سازمانی می‌باشد، زیرا سایر منابع وارده به سازمان، به تنهایی نمی‌توانند هدف‌های سازمانی را تحقق بخشند. بنابراین در یک سیستم، مدیران منابع انسانی در جهت ارائه برنامه‌هایی که باعث هماهنگی میان اهداف و نیازهای نیروی انسانی می‌شوند در تلاش هستند (۲). افزایش کارایی سازمان‌ها در گرو افزایش کارایی منابع انسانی است و افزایش کارایی منابع انسانی در گرو آموزش و توسعه دانش و مهارت و ایجاد رفتارهای مطلوب برای انجام موفقیت‌آمیز مشاغل است. البته آموزش‌هایی می‌توانند باعث ایجاد و افزایش کارایی شوند که هدف‌دار، مداوم و پرمحتوا و به وسیله کارشناسان، اساتید و مربیان مجرب در امور آموزشی، برنامه‌ریزی و اجرا شوند؛ لذا این آموزش‌ها می‌توانند نیروهای انسانی یک سازمان را همگام با پیشرفت‌های علم و تکنولوژی به حرکت درآورده و در ارتقای کیفیت و کمیت کارهای آنان مؤثر باشند. هرچه دانش و مهارت‌های کارکنان با نیازهای جامعه و پیشرفت‌های علمی، تغییرات فناوری هماهنگی و انطباق بیشتری داشته باشد درجه اطمینان از موفقیت فرد و سازمان بالاتر می‌رود. گاهی اوقات، رشد فردی، داشتن انگیزه، تخصص و پرهیز از ایستایی و رکود فرد عامل اساسی نوجویی و کسب دانش می‌شود (۳). اساس بهسازی سازمانی که به نام‌های دیگری چون توسعه و بالندگی سازمانی نیز خوانده شده بهسازی نیروی انسانی است که به صورت‌های مختلف (آموزش قبل از خدمت و ضمن خدمت) در سازمان‌ها انجام می‌شود (۴). در حال حاضر نگاه ابزاری به نیروی کار، دوران خود را سپری کرده است و انسان‌های کارآ ارزش خود را بازیافته‌اند و مدیران

دریافته‌اند که برای جذب و نگهداری آن‌ها باید تلاش‌های فراوانی به عمل آورند و روش‌ها و فرآیندهای مدیریت، دیگر پاسخگو نیستند. سازمان‌های پیشرفته امروز همپای رشد و ارتقاء تکنولوژی، سیستم‌ها و ابزارهای نوین مدیریتی را نیز بکار گرفته‌اند (۵). بدون این ابزارها نمی‌توان پایداری سازمان را حفظ کرد؛ اما بکارگیری این ابزارها خود نیازمند شناخت دقیق و انتخاب مناسب‌ترین آن‌ها با شرایط سازمان و از همه مهم‌تر یکپارچه‌سازی آن‌ها با یکدیگر است (۶). یکی از اقدامات متداول و اصولی مدیریتی، آموزش و توسعه سرمایه انسانی است. آموزش نوعی سرمایه‌گذاری مفید و یک عامل کلیدی در توسعه محسوب می‌شود که چنانکه به درستی و شایستگی برنامه‌ریزی و اجرا شود، می‌تواند بازده اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد (۷). آموزش از وظایف کلیدی مدیران منابع انسانی است که با توجه به تغییرات سریع در محیط و تکنولوژی‌های مورد استفاده ضروری می‌نماید (۸). توفیق هر برنامه آموزشی در درجه اول به نیازسنجی درست آموزشی مرتبط است. باید در نظر داشت، هرگونه تغییری در شرکت بدون تغییر در رفتار و نگرش کارکنان امری غیرممکن است؛ چون سازمان متشکل از افراد شاغل در آن بوده و آموزش شیوه‌ای برای تغییر در نگرش و کردار کارکنان است (۹). گسترش و تغییرات سریع و روزافزون علم و فناوری باعث شکل‌گیری ساختارهای سازمانی متفاوت نسبت به گذشته شد و هر سازمانی برای هماهنگ‌شدن با این تغییرات سریع و رو به رشد، کانال‌های ارتباطی درون سازمانی خود را مناسب با این تحولات تغییر داد. در چنین شرایطی، سازمانی موفق است که دانش روزافزون پیشرفته خود را به سوی ترقی و پیشرفت هدایت کند. این امر مستلزم انجام فعالیت‌های آموزشی منظم و مستمر در تمامی سطوح سازمانی می‌باشد (۱۰). اونالان و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود به "بررسی دیدگاه‌ها و نیازهای معلمان زبان انگلیسی در مورد آموزش ضمن خدمت به عنوان بخشی از توسعه حرفه‌ای در ترکیه" می‌پردازند. آموزش ضمن خدمت^۱، به عنوان یکی از فعالیت‌های توسعه

1. in-service training (INSET)

آموزش و اجرای دوره‌های آموزشی نمی‌تواند به سازمان در راه رسیدن به اهداف خویش کمک کند، چرا که آموزش‌ها باید با توجه به اصول و روش‌های علمی بنا گذاشته شوند تا نتیجه به دست آمده نیازهای موجود را برطرف سازد. در خصوص وضع موجود آموزش ضمن خدمت در میان کارمندان ستاد مرکزی وزارت بهداشت باید گفت که آموزش‌های موجود در این وزارتخانه مبتنی بر الگوهای سنتی می‌باشد و با توجه به تعدد موضوعات جدید و همچنین شیوه‌های جدید و کارآمدتر آموزش ضمن خدمت ضروری است که بازنگری‌هایی چند در این ساختار رخ دهد (۶). در حال حاضر از جمله اساسی‌ترین مشکلات و نارسایی‌ها در حوزه آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت را می‌توان در مواردی نظیر بهره‌وری آموزش، ارتقای عملکرد کارکنان به واسطه آموزش ضمن خدمت، برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی و همچنین مشکلات ناشی از همسویی و همراهی محتوای دوره‌های آموزشی با نیازهای آموزشی کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت دانست. در واقع زمانی که محتوای آموزشی با نیازهای عملیاتی کارکنان همسو نباشد شاهد آن خواهیم بود که نه کارمندان محتوای آموزشی را جدی می‌گیرند و نه آنچه در این دوره‌ها تدریس می‌شود به کار کارمندان می‌آید. با توجه به آنچه گفته شد هدف از این پژوهش شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

روش

از آنجا که این پژوهش به دنبال شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود در حیطه تحقیقات کاربردی طبقه‌بندی می‌شود. روش تحقیق، توصیفی پیمایشی بوده، داده‌های کیفی موردنیاز از طریق کتابخانه‌ای شامل مطالعه متون چاپی و غیرچاپی برخط مرتبط با موضوع پژوهش (منابعی که بیشترین اطلاعات را در زمینه موضوع پژوهش دارا باشند) و میدانی جمع‌آوری شدند. جامعه آماری

حرفه‌ای مستمر^۱، بخشی ضروری از هر تلاش سازمان‌یافته برای ارتقای دانش حوزه معلمان زبان و همچنین مهارت‌های عملی آنهاست. یافته‌ها ویژگی‌های یک آموزش ضمن خدمت خوب را با تأکید بر نیازهای معلمان در یک برنامه آموزشی با پیامدهایی برای مربیان معلم و سیاست‌گذاران نشان می‌دهند (۱۱). چاقاری و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود به "بررسی نقش آموزش توانمندسازی: مدلی جدید برای آموزش ضمن خدمت کارکنان پرستاری" می‌پردازد. پنج موضوع عمده شامل آموزش اجباری ناموفق، آموزش توانمندسازی، چالش‌های سازمانی آموزش، مدیریت ضعیف آموزشی و تاب‌آوری تحصیلی-شغلی وجود داشت. نتایج نشان می‌دهد آموزش توانمندسازی الگوی جدیدی برای آموزش ضمن خدمت پرستاران است که باعث می‌شود انجام وظایف و دستیابی به تسلط بیشتر بر مهارت‌های حرفه‌ای را در میان پرستاران تسهیل کند (۱۲). کریمی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود به "بررسی تأثیر آموزش ضمن خدمت بر بهسازی نیروهای انسانی پرستاری در بیمارستان امام خمینی کرمانشاه" می‌پردازند. پیشرفت و توسعه بیمارستان‌ها به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سازمان علوم پزشکی سبب ارتقای وضعیت درمانی جامعه می‌شود، به همین دلیل اکثر سازمان‌ها جهت ارتقاء خود دوره‌های آموزشی را برای کارکنان خود برگزار می‌کنند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که نیازسنجی صحیح از بخش‌ها باعث موثر شدن آموزش ضمن خدمت می‌گردد و میزان اطلاعات بیشتر پرستاران ارتقاء یافت (۱۳). عطاران و رضایی‌زاده (۱۳۹۹) در تحقیق خود به "مطالعه اثرگذاری آموزش ضمن خدمت بر عملکرد کارکنان شرکت طراحی و مهندسی و تامین قطعات ایران خودرو ساپکو" می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش ضمن خدمت با محتوای غنی، به کارگیری مدرسان متخصص و برگزاری منظم دوره‌های آموزشی تأثیر مثبتی بر ابعاد عملکرد کارکنان سازمان مورد بحث داشته است (۸).

با توجه به نکات بیان شده این نکته قابل تأمل است که صرفاً

1. (continuing professional development (CPD

تحقیق حاضر، کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (حدود ۴۵۰۰ نفر) و نمونه آماری این بخش، صاحب‌نظران و خبرگان دانشگاهی که دارای شناخت کافی از موضوع می‌باشند، بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته برای بدست آوردن داده‌ها استفاده شد.

صاحب‌نظران و خبرگانی که همکاری داشتند دارای مدرک دکترای تخصصی و کارشناسی ارشد در زمینه‌های تخصصی مختلف (علوم پزشکی، علوم کامپیوتر، طب ایرانی، علوم انسانی) با سابقه کاری بالای ۱۵ سال که در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی مشغول به فعالیت می‌باشند.

حجم نمونه در این مرحله با توجه به سطح اشباع بود یعنی، محقق تا جایی به مصاحبه‌ها ادامه داد که مصاحبه‌های بیشتر به داده‌های جدیدتری منجر نگردید و شناخت بیشتری نسبت پژوهش و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن حاصل نشد. در این پژوهش بعد از انجام ۱۰ مصاحبه، اشباع نظری بدست آمد و محقق مصاحبه‌ها را متوقف کرد. دلیل استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته این است که علاوه بر آنکه امکان تبادل نظر و فکر وجود دارد، می‌توان بحث و موضوع مصاحبه را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود. همچنین در طول فرآیند مصاحبه، امکان مشاهده احساسات و رسیدن به باورها و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان درباره موضوع پژوهش نیز وجود دارد.

جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری متن بهره گرفته شد. از طریق کدگذاری باز (خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه)، کدگذاری محوری (طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیرمقوله‌ها، تشکیل طبقات نهایی)، کدگذاری انتخابی (پیوند زیرمقوله‌ها به یکدیگر) مقوله‌ها استخراج شد. که در نهایت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شناسایی و استخراج گردید.

برای بررسی روایی و پایایی پژوهش: گردآوری داده در طول مصاحبه‌ها و تحلیل مداوم داده‌ها انجام شد، علاوه بر این برای اطمینان از درستی کدگذاری مصاحبه‌ها و سلیقه‌ای نبودن درک محقق از مضمون

مصاحبه‌ها، توسط فرد دیگری نحوه کدگذاری مصاحبه‌ها بررسی شد. همچنین محقق پس از پایان توضیحات مصاحبه‌شوندگان در طول مصاحبه، برداشت خود از صحبت‌ها و گفته‌های مصاحبه‌شونده را بیان می‌کرد تا با تأیید مصاحبه‌شونده از صحت مطالب بیان‌شده اطمینان یابد.

برای انجام تحقیق، ابتدا هماهنگی جهت مصاحبه با صاحب‌نظرانی که مدرس دوره‌های آموزش ضمن خدمت می‌باشند، انجام شد و مطالب مربوط به تحقیق شامل فایل پروپوزال و اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق ایمیل جهت بررسی و مطالعه ارسال گردید. مصاحبه حضوری در حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه با صاحب‌نظران انجام شد

سؤالات مصاحبه از سؤالات کلی آغاز و سپس تلاش شد تا با طرح سؤالات پیشرفته‌تر پیشروی شود. برای مثال در شروع مصاحبه ضمن توضیح درخصوص موضوع و هدف پژوهش، از صاحب‌نظران سؤال شد که چه موضوعاتی را آموزش می‌دهند و از چه روش‌های آموزشی استفاده می‌کنند. همچنین از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد که اطلاعات خودشان را درخصوص دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیان نمایند. از ایشان درخصوص عوامل تاثیرگذار بر واکنش کارکنان نسبت به این دوره‌ها سؤال شد. در نهایت، از صاحب‌نظران درخواست شد با توجه به تجربه و سابقه‌ای که در امر آموزش به ویژه آموزش ضمن خدمت دارند، عوامل مدنظر خودشان را درخصوص موضوع تحقیق ذکر نمایند.

داده‌های جمع‌آوری شده طی مراحل زیر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت - بازخوانی و بررسی متن مصاحبه‌های انجام‌شده قبل از انجام مصاحبه بعدی - رسیدن به حالت اشباع نظری بعد از انجام ۱۰ مصاحبه و توقف مصاحبه‌ها - ملاک عمل قرار گرفتن مطالب گفته‌شده در این مصاحبه‌ها برای ادامه تحقیق - بازخوانی دقیق و مجدد متن مصاحبه‌های انجام‌شده - انجام تحلیل متن مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در نهایت ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های موردنظر شناسایی گردید.

یافته‌ها

بر اساس رویکرد کدگذاری متن، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج گردید.

است که (جدول ۱) نمونه‌ای از مصاحبه‌ها و کدهای اختصاص داده‌شده را نشان می‌دهد.

و پس از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها، دسته‌بندی کدهای مختلف انجام شد که در پایان این مرحله در مجموع ۵ بُعد، ۱۶ مولفه و شاخص‌های مربوطه استخراج گردید که در (جدول ۲) و (شکل ۱) نشان داده شده است.

پس از مرور و مطالعه دوباره ادبیات پژوهش و مشخص شدن هدف از تحلیل مصاحبه‌ها برای محقق، مطالب بیان شده در مصاحبه‌ها، مجدداً توسط محقق با دقت بیشتری مرور و بازخوانی شد. نکاتی که از نظر محقق قابل بررسی بود توسط علامت ستاره (*) مشخص و تلاش شد که موضوعات مرتبط بیشتری با هدف تحقیق یافت شود.

پس از علامت‌گذاری بر روی جمله‌های با اهمیت، به هر یک از آن‌ها یک کد اختصاص داده و یک دسته مفهومی برای آن در نظر گرفته شده

جدول ۱. نکات کلیدی در هر مصاحبه و دسته‌های مفهومی

کد	نکات کلیدی مصاحبه اول	دسته مفهومی
1 E 1	به نظر من برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در میان کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیازمند ملاحظات است که مهم‌ترین آن‌ها توجه به ساعات کاری است.	توجه به ساعات کاری
2 E 1	برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باید بر مبنای توجه به نیازهای آموزش کاری این افراد باشد.	توجه به نیازهای آموزش کاری
کد	نکات کلیدی مصاحبه دوم	دسته مفهومی
1 E 2	آموزش ضمن خدمت فرصت مغتنمی برای تبدیل کار به عرصه‌ای برای فعالیت‌های پژوهشی است. این دوره می‌تواند باعث شکل‌گیری پژوهش‌های علمی کاری شود.	شرکت در پژوهش‌های علمی کاری
2 E 2	کیفیت‌ها و ارزش‌هایی که باید در دوره‌های آموزش ضمن خدمت تبلیغ شود به عنوان مثال برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت باید منتهی به دوست‌داشتن محیط کار و شغل شود.	دوست‌داشتن محیط کار
کد	نکات کلیدی مصاحبه سوم	دسته مفهومی
1 E 3	در دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مساله بسیار مهم خلق فرصت‌های کاربردی برای کارمندان است.	خلق فرصت‌های کاری
2 E 3	این دوره‌ها می‌تواند فرصت مغتنمی برای تبدیل یک دوره آموزشی به فرصتی برای تبدیل گفت و گوهای روزمره به عرصه‌ای برای یادگیری باشد چون ذهن کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را درگیر می‌کند و دغدغه‌آفرین است.	تبدیل گفت و گوای روزانه به فرصتی برای آموزش
کد	نکات کلیدی مصاحبه چهارم	دسته مفهومی
1 E 4	دوره‌های آموزش ضمن خدمت خوب است ولی نباید تفریحی باشد. مثلاً باید در انتهای دوره از کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سنجش عملکرد فردی صورت گیرد و بر مبنای نمره تشویقی و سایر مزایا تعلق گیرد.	سنجش عملکرد فردی در دوره‌های زمانی مشخص
2 E 4	نگاه به بهبود عملکرد فردی از جمله مزایایی است که من فکر می‌کنم باید به آن توجه بیشتری بشود. من بر این باورم که دوره‌های آموزش ضمن خدمت از جمله فرصت‌های مغتنمی است برای بهبود عملکرد فردی.	نگاه به بهبود عملکرد فردی
کد	نکات کلیدی مصاحبه پنجم	دسته مفهومی
1 E 5	یکی از مشکلاتی که در کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درخصوص کلاس‌های ضمن خدمت وجود دارد به لحاظ زمانی و مکانی هماهنگی است که بتواند همه رو راضی کند. من فکر می‌کنم بهتر است کلاس‌های به صورت آنلاین برگزار شود.	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت به صورت آنلاین
2 E 5	یا مثلاً می‌توان از رویه‌های منطقی دیگری نظیر برگزاری کلاس‌ها در زمان ساعات اداری استفاده کرد. به نظر من خیلی مهم است این مساله.	استفاده از رویه‌های منطقی نظیر کلاس‌های ضمن خدمت در ساعات اداری

کد	نکات کلیدی مصاحبه ششم	دسته مفهومی
1 E 6	من فکر می‌کنم دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرصت فوق‌العاده مناسبی برای تقویت ارتباطات کاری با سایرین در دوره‌های ستاد مرکزی در همین دوره‌ها می‌توانند سنگ بنای بسیاری از همکاری‌های آتی را بچینند.	تقویت ارتباطات کاری با سایرین در دوره‌های آموزش ضمن خدمت
2 E 6	همچنین این دوره‌ها می‌تواند فرصت ایده‌آلی به عنوان فرصتی برای ارتقای آگاهی نسبت به فعالیت سایر بخش‌ها باشد.	دوره‌های آموزش ضمن خدمت به عنوان فرصتی برای ارتقای آگاهی نسبت به فعالیت سایر بخش‌ها
کد	نکات کلیدی مصاحبه هفتم	دسته مفهومی
1 E 7	برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت زمانی مفید است که توجه کارمندان نسبت به اهمیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت صورت گیرد. در واقع کارمندان این دوره‌ها را به سان فرصتی برای استراحت و فرار از سختی‌های محیط کاری نبینند.	توجه کارمندان نسبت به اهمیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت
2 E 7	در نتیجه قبل از حضور از طریق مدیران باید ایجاد علاقه انجام شود. با هر ترفندی که مدیران می‌دانند در میان کارکنان ستاد مرکزی باید ایجاد تمایل نسبت به حضور در دوره‌های آموزش ضمن خدمت صورت گیرد و گرنه این دوره‌ها تلاشی مذبوحانه خواهد بود.	ایجاد تمایل به کار از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت
کد	نکات کلیدی مصاحبه هشتم	دسته مفهومی
1 E 8	این دوره‌ها بهترین فرصت برای تشویق کارمندان به داشتن احساس مسئولیت فراسازمانی است. در واقع بسیاری از ارزش‌ها که به صورت مروری در سازمان‌ها شکل می‌گیرند در همین دوره‌ها ایجاد می‌شوند و من فکر می‌کنم این دوره‌ها زمان و مکان مناسبی برای انتقال این مفاهیم است.	تشویق کارمندان به داشتن احساس مسئولیت فراسازمانی
2 E 8	من فکر می‌کنم بیش از هر چیزی کارکنان ستاد مرکزی در این دوره‌ها نیازمند آموزش مسائلی هستند که به اخلاق حرفه‌ای مربوط می‌شود، مسائلی نظیر پرداختن به وظایف محوله به طریق حرفه‌ای و تأکید بر پایان‌دادن به پروژه‌های واگذارشده	پرداختن به وظایف محوله به طریق حرفه‌ای، تأکید بر پایان‌دادن به پروژه‌های واگذارشده
کد	نکات کلیدی مصاحبه نهم	دسته مفهومی
1 E 9	پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی سازمان در کلاس‌های ضمن خدمت یکی از قطعه‌های گم شده ماست. این قطعه گم‌شده نیازمند ترمیم است و متأسفانه سازمان آنقدر درگیر مسائل و دغدغه‌های روزمره است که فرصتی برای فکرکردن ندارد. من فکر می‌کنم دوره‌های آموزش ضمن خدمت عرصه مناسبی برای دستیابی به این مهم هستند.	پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی سازمان در کلاس‌های ضمن خدمت
2 E 9	در نتیجه از نظر من مهم‌ترین مساله این است که در دوره‌های آموزش ضمن خدمت ما باید به پرورش احساس خویشتاوندی در میان کارمندان با وزارت بهداشت و این شکاف عاطفی را پر کنیم.	پرورش احساس خویشتاوندی در دوره‌های آموزش ضمن خدمت
کد	نکات کلیدی مصاحبه دهم	دسته مفهومی
1 E 10	ببینید مساله‌ای که امروز بسیاری از سازمان‌ها از جمله ستاد مرکزی با آن مواجه هستند این است که این سازمان‌ها ممکن است دچار فروپاشی شوند. به بیانی دیگر اگر در دوره‌های آموزش ضمن خدمت به کارکنان تعلیمات کافی داده نشود این خطر وجود دارد که این سازمان‌ها به مرور دچار فروپاشی شوند و دیگر حضور در محیط کار صرفاً عرصه‌ای برای پول درآوردن شود.	جلوگیری از فروپاشی سازمانی از طریق از خودگذشتگی
2 E 10	من فکر می‌کنم با این اوصاف حضور در دوره‌های آموزش ضمن خدمت کمک شایانی به حفظ یکپارچگی سازمانی کند و نقش بسزایی در کمک به سازمان در راستای حفظ رقابت‌پذیری کند.	کمک به حفظ یکپارچگی سازمانی، کمک به سازمان در راستای حفظ رقابت‌پذیری

جدول ۲. ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های هر مولفه

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
پرهیز از بیگانگی شغلی	- رعایت هنجارها و استانداردهای شغلی - بروزسازی دانش	توجه به ساعات و الزامات کاری، پرهیز از غیبت‌کردن، توجه به نیازهای آموزش کاری، همکاری با سایر همکاران، همکاری با سایر بخش‌های کاری، یادگیری الزامات و مقالات علمی، شرکت در بحث‌های درون سازمانی، تلاش برای یادگیری، شرکت در پژوهش‌ها و همایش‌ها و برنامه‌های علمی، ارائه تولیدات علمی، شرکت در برنامه پیشنهادات و ارائه نقطه‌نظرات علمی، پرهیز از خواب‌گهواره‌ای در سازمان
مسئولیت‌پذیری به جای احساس وظیفه	- احساس خویشتن‌داری با کار - ایجاد پیوندهای عاطفی با محیط - حساسیت نشان‌دادن نسبت به امورات محوله	دوست‌داشتن و عشق ورزیدن محیط کار، استفاده از مرخصی در صورت نیاز، انجام کارهای سازمان در خارج از ساعت کاری، صحبت‌کردن از شرایط کاری در بیرون از محیط کار، پیوند کاری با سایر نهادها و ارگان‌ها و استفاده از این روابط کاری در جهت منافع سازمان، تزئین فضای داخلی کاری، تلاش برای آگاهی‌رسانی به سایرین، تبدیل محیط کار به عرصه‌ای برای یادگیری، تلاش برای نوآوری و خلاقیت در محیط کار، تبدیل گفت و گوهای روزانه به فرصتی برای آموزش
احساس معنی‌داری	- جلوگیری از انزوای شغلی - دخیل‌سازی و مشارکت‌جویی - احساس پیشرفت و خودتوسعه‌ای - معقول‌بودن محتوای کار - احساس توانمندی در اجرای خط‌مشی‌ها - پذیرش کار و تلاش برای ارتقای توانایی‌ها - احساس مهم بودن	برقراری ارتباط شایسته با سایر همکاران و ارباب رجوع، تلاش برای بهبود رابطه کاری با سایرین، داوطلب‌شدن برای پذیرش مسئولیت‌ها، دخیل‌ساختن و مشارکت نظرات کارشناسی در تصمیم‌گیری‌ها، تمایل برای حضور در پروژه‌ها، شایسته‌سالاری در امور، انگیزه برای حضور در مجامع علمی، توجه به توسعه فردی در پیشرفت، احساس همزادپنداری با محیط کار، سنجش عملکرد فردی در دوره‌های زمانی مشخص، محسوس‌بودن نتیجه کارها، مقایسه با سایر فعالیت‌ها در سازمان‌های مشابه، امکان پیشرفت در محیط کار، تناسب میان مسئولیت‌های واگذارشده با توانایی‌های فردی، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در تایم‌های اداری با توجه به مشغله‌های فردی کارکنان، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت به صورت آنلاین، ایجاد جذابیت در دوره‌های ضمن خدمت از طریق گروه و پاداش، ایجاد ارتباط و همسان‌سازی محتوای آموزشی دوره‌های ضمن خدمت با محتوای کاری کارمندان، گسترش و تقویت ارتباط میان همکاران در آموزش‌های ضمن خدمت، پذیرش نواقص فردی و رفع آنها در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، گسترش مهارت‌های پژوهشی در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، رفع نواقص و بی‌انگیزگی با حضور در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، توجیه کارمندان نسبت به اهمیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت
عشق به کار	- عدم تمایل به ترک کار - ارائه خدمات مازاد بر وظیفه	ایجاد تمایل به کار از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت، استفاده بهینه از مرخصی‌های ساعتی، تمرین جان‌فشانی‌پروری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، افزایش اعتماد به نفس کاری از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت، پرداختن به وظایف محوله به طریق حرفه‌ای، تاکید بر پایان‌دادن به پروژه‌های واگذارشده، از خودگذشتگی سازمانی، انجام وظایف سازمانی به عنوانی بخشی از وظیفه انسانی
مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی	- حساسیت‌های زیست محیطی - پایداری و تاب‌آوری	پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی سازمان در کلاس‌های ضمن خدمت، گسترش فرهنگ پایداری و مسئولیت‌پذیری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، تبدیل آموزش ضمن خدمت به عرصه‌ای برای بروزرسانی دغدغه‌ها و دلوایسی‌های فردی اجتماعی، تبدیل آموزش ضمن خدمت به عرصه‌ای برای تقویت مهارت‌های انسانی و نقش‌پذیری در خانواده، کمک به حفظ یکپارچگی سازمانی، کمک به سازمان در راستای حفظ رقابت‌پذیری، جلوگیری از فروپاشی سازمانی از طریق از خودگذشتگی، وفاداری به سازمان

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
عشق به کار	• عدم تمایل به ترک کار	ایجاد تمایل به کار از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت، استفاده بهینه از
	• ارائه خدمات مازاد بر وظیفه	مرخصی‌های ساعتی، تمرین جانشین‌پروری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، افزایش اعتماد به نفس کاری از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت، پرداختن به وظایف محوله به طریق حرفه‌ای، تاکید بر پایان‌دادن به پروژه‌های واگذار شده، از خودگذشتگی سازمانی، انجام وظایف سازمانی به عنوانی بخشی از وظیفه انسانی
مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی	• حساسیت‌های زیست محیطی	پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی سازمان در کلاس‌های ضمن خدمت، گسترش فرهنگ پایداری و مسئولیت‌پذیری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، تبدیل آموزش ضمن خدمت به عرصه‌ای برای بروزرسانی دغدغه‌ها و دلوایی‌های فردی اجتماعی، تبدیل آموزش ضمن خدمت به عرصه‌ای برای تقویت مهارت‌های انسانی و نقش‌پذیری در خانواده، کمک به حفظ یکپارچگی سازمانی، کمک به سازمان در راستای حفظ رقابت‌پذیری، جلوگیری از فروپاشی سازمانی از طریق از خودگذشتگی، وفاداری به سازمان
	• پایداری و تاب‌آوری	

بحث

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده است، بنابراین در ادامه به بررسی ابعاد شناسایی شده می‌پردازیم:

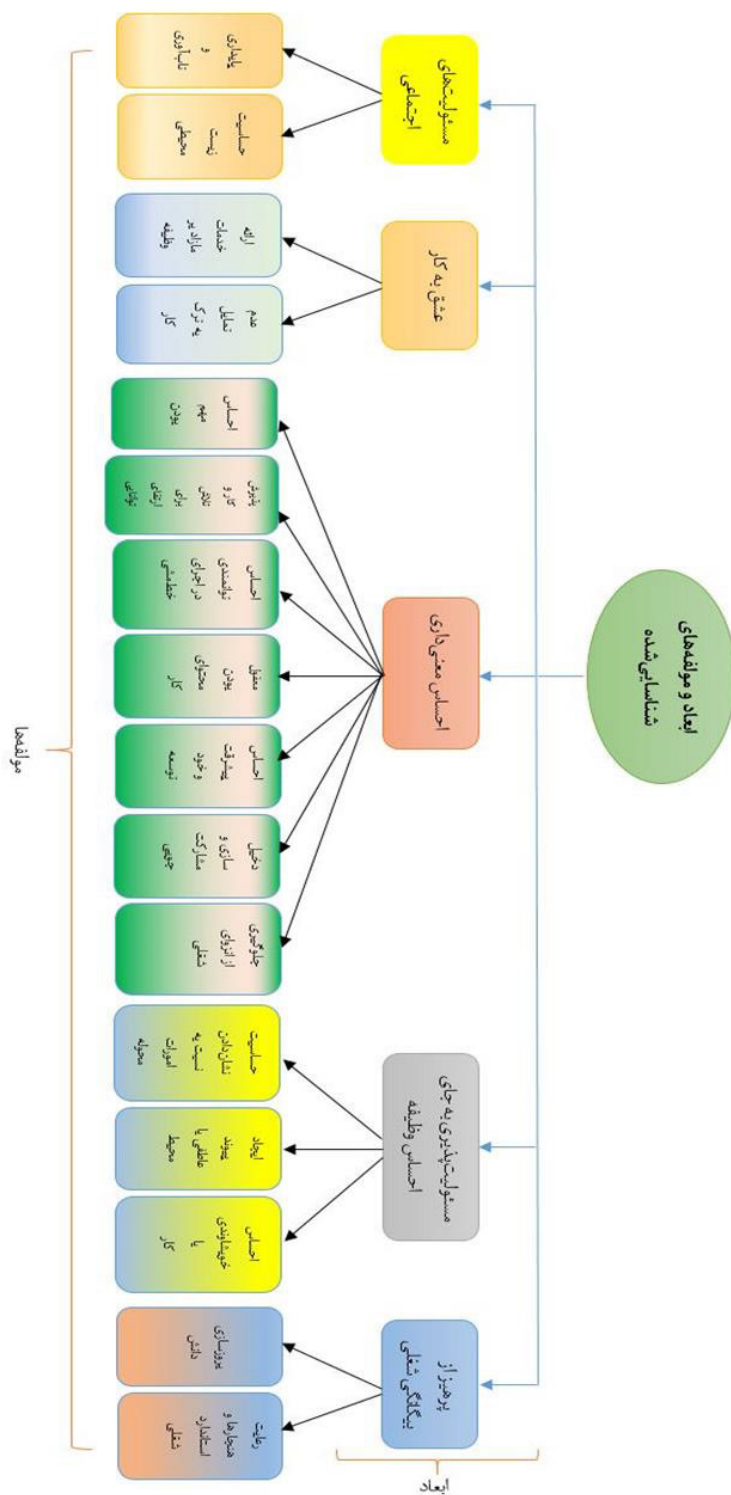
- پرهیز از بیگانگی شغلی: بحث مهم و بسیار ضروری در سازمان‌های امروزی این است که کارمندان پس از طی یک دوره کوتاه دچار احساس بیگانگی از کار می‌شوند (۱۴). در نتیجه آموزش‌های ضمن خدمت محل مناسبی است که در آن افراد بتوانند با همکاری، محیط کار را به عرصه‌ای برای یادگیری و آموزش تبدیل کنند و همه تلاش‌ها در این دوره‌ها باید در جهت کاهش بیگانگی شغلی باشد (۱۵).
- مسئولیت‌پذیری به جای احساس وظیفه: در واقع مساله این است که آموزش ضمن خدمت باید بتواند احساس مسئولیت‌پذیری را در وجود کارمندان ستاد مرکزی نهادینه‌سازی کند و این مساله زمانی محقق می‌شود که سازمان از طریق دوره‌های آموزش ضمن خدمت احساس مسئولیت که امری درونی است را در افراد ایجاد کند. درونی‌سازی مسئولیت‌ها در واقع تلاشی است برای ارتقای سطح مهارتی و همچنین درگیر ساختن ذهنی و کاری کارمندان با محتوای کار (۱۶).
- احساس معنی‌داری: در دوره‌های آموزش ضمن خدمت باید

احساس معنی‌داری وجود داشته باشد. برای بسیاری از کارمندان حضور در دوره‌های آموزش ضمن خدمت بی‌معنی است چرا که بی‌فایده است. در واقع احساس بسیاری از کارمندان این است که حضور در این دوره‌ها فایده‌ای ندارد و صرفاً برای رفع تکلیف است (۱۷). پس اگر قرار است در ستاد مرکزی اثربخشی این دوره‌ها افزایش یابد می‌بایست احساس معنی‌داری به این دوره‌ها اضافه شود و کارمندان نیز تأثیر آن را به طور واضح و آشکار در شغلشان احساس نمایند (۱۸).

- عشق به کار: بحران‌های اقتصادی و اجتماعی باعث شده است تا در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری وضعیتی باشیم که در آن افراد توان تأمین نیازهای خود از طریق شغل اول را ندارند. در این وضعیت بسیاری از افراد به شغل دوم روی می‌آورند. در این حالت افراد در سازمان به جای پرداختن به مسائل و دغدغه‌های کاری خود در حال رایزنی برای درآمد بیشتر در شغل دوم هستند (۱۹). به همین دلیل دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرصت خوبی برای برقراری ارتباط حسی با سازمان و جلوگیری از پدیده بی‌حسی سازمانی است (۲۰).
- مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی: سازمان باید نگاهی به بیرون نیز داشته باشد. نگاه به بیرون در واقع تلاش سازمان در راستای

دستیابی به مولفه‌هایی است که در درون سازمان وجود ندارد اما می‌تواند وجه خارجی سازمان و کارمندان را ارتقا ببخشد. در واقع سازمان‌ها امروزه باید بتوانند از طریق ارتقای سطح آگاهی

و کلاس رفتاری کارمندان خود به این مهم دست یابند و ضمن رعایت ملاحظات زیست محیطی و اخلاق زیست محیطی در جهت توسعه پایدار گام بردارند.



شکل ۱. ابعاد و مولفه‌های استخراج شده

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در جهت تحقق هدف پژوهش، اقدامات انجام شده شامل مصاحبه با صاحب‌نظران، نوشتن مطالب توسط محقق، بازخوانی و مرور دقیق متن تمام مصاحبه‌ها بعد از اتمام مصاحبه‌ها، تحلیل محتوای مطالب از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی که در نهایت ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های موردنظر شناسایی گردید.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که ارتقای اثربخشی این دوره‌ها نیازمند کاربست مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و تلاش‌ها است که شامل پرهیز از بیگانگی شغلی، رعایت هنجارها و استانداردهای شغلی، بروزرسانی دانش، مسئولیت‌پذیری به جای احساس وظیفه، احساس خویشاوندی با کار، ایجاد پیوندهای عاطفی با محیط، حساسیت نشان دادن نسبت به امورات محوله، احساس معنی‌داری، جلوگیری از انزوای شغلی، دخیل‌سازی و مشارکت‌جویی، احساس پیشرفت و خودتوسعه‌ای، معقول بودن محتوای کار، احساس توانمندی در اجرای خط‌مشی‌ها، پذیرش کار و تلاش برای ارتقای تواناییها، احساس مهم‌بودن، عشق به کار، عدم تمایل به ترک کار، ارائه خدمات مازاد بر وظیفه، مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی، حساسیت‌های زیست محیطی، تاب‌آوری و پایداری می‌باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که میان مفاد آموزشی و وظایف و اهداف هر بخش از سازمان ارتباط منطقی و منسجمی برقرار شود. همچنین عملکرد کاری کارمندان در دوره‌های ضمن خدمت مبنایی برای ارتقای شغلی و حقوقی باشد. دوره‌های آموزش ضمن خدمت به جای برگزاری در ساعات خارج از وقت اداری، در ساعات اداری برگزار شده تا میزان حضورپذیری بیشتر شود. اساتیدی که به دوره‌های آموزش ضمن خدمت ستاد مرکزی ارسال می‌شوند ترجیحاً افرادی باشند که دارای سوابق پژوهشی و عملیاتی در این حوزه هستند. نقاط قوت این تحقیق را می‌توان در محتوای تحقیق جستجو کرد که به دنبال شناسایی ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت است که تاکنون چنین پژوهشی انجام نشده است. دیگر اینکه این

تحقیق مربوط به جامعه آماری شامل کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که این جامعه نیز تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین این تحقیق یک تحقیق کاربردی است به عبارت دیگر مدیران ستاد مرکزی وزارت بهداشت، سایر سازمانهای مشابه، دانشگاه‌ها و حتی دانشجویان می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در پژوهش‌های خود استفاده نمایند.

در این تحقیق با محدودیتهایی متعددی مواجه بودیم، به واسطه شرایط خاص ناشی از کرونا تعامل بیشتر با مشارکت‌کنندگان تحقیق امکان‌پذیر نبود و همین مساله می‌توانست زمینه‌ساز پاره‌ای نارسایی‌ها باشد که تلاش شد از طریق طراحی ساده و قابل فهم پرسشنامه این معضل مرتفع شود. محدودیت دیگر مربوط به عدم انطباق پژوهش‌های انجام شده با بستر پژوهش یعنی ایران و در نتیجه ضعف مبانی نظری می‌باشد. عموم تلاش‌های صورت گرفته در حوزه آموزش ضمن خدمت مربوط به کشورهایی است که به لحاظ فرهنگی با کشور ما دارای تفاوت هستند در نتیجه امکان استفاده مستقیم از یافته‌های این پژوهشگران ممکن نبود با این حال تلاش شد تا با استفاده از رویکرد کیفی به بومی‌سازی شاخص‌ها بپردازیم. همچنین نبود منابع مشابه با این تحقیق برای مقایسه نتایج از جمله دیگر محدودیت‌های این تحقیق است که البته این محدودیت به نوعی تاییدکننده نوآوری تحقیق حاضر نیز می‌باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله خانم زهرا یوسفی دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب با عنوان: ارائه مدل ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کد پایان‌نامه: ۲۲۸۳۴۸۰۲۵۹۳۷۳۱۵۶۷۰۰۱۸۱۶۲۵۹۸۰۲۴ از سامانه جامع مدیریت امور پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشیار) می‌باشد. در پایان از تمام اساتید و عزیزانی که در این تحقیق همکاری داشتند، سپاس و تشکر خود را اعلام می‌داریم.

منابع

1. Esfjani A, Zamani BE. Factors influencing teachers' utilisation of ICT: The role of in-service training courses and access. *Research in Learning Technology*. 2020 Jun 26; 28.
2. Rahimi F. Relationship between satisfaction with in-service teacher training and job performance Mediated by the professional development of teachers in Baharestan region. *New Approach in Educational Sciences*. 2022 Mar 21; 4(1):51-62. [Persian]
3. Naveh Ibrahim AR, Majidi D. Evaluating the effectiveness of in-service training courses in improving the job performance of police officers. *Quarterly journal of resource management in the police force*. 2014 Oct 23;1393(7):95-118. [Persian]
4. Stylianou P, Zembylas M. Engaging with issues of death, loss, and grief in elementary school: Teachers' perceptions and affective experiences of an in-service training program on death education in Cyprus. *Theory & Research in Social Education*. 2021 Jan 2;49(1):54-77.
5. Tarazi M, Parsa Moein K, Afkaneh S. Identifying the Affecting Criteria and Components on the Effectiveness of in-service Training Courses for Employees of the Refah Bank. *Career and Organizational Counseling*. 2020 Mar 20; 12(42):95-120. [Persian]
6. Dehghanzadeh A, Doshmen Ziari E, Esfandiar, Moazzami M, Kaousi E. Providing a qualitative model to evaluate the effectiveness of virtual courses of in-service training on the behavior of employees in Tejarat Bank. *Behavioral studies in management*. 2021 Feb 19; 11(24):19-30. [Persian]
7. Vogt K, Tsagari D, Spanoudis G. What do teachers think they want? A comparative study of in-service language teachers' beliefs on LAL training needs. *Language Assessment Quarterly*. 2020 Aug 7;17(4):386-409.
8. Attaran E, Rezaizadeh M. A study of the effect of in-service training on the performance of the employees of Iran Khodro Sapco Design and Engineering and Parts Supply Company. *New research approaches in management and accounting*. 2020 Dec 21; 48(4):114-29. [Persian]
9. Legesse S, Alemu T, Tassew M, Shiferaw B, Amare S, Tadesse Z, Maru M. Evaluation of in-service training program of laboratory professionals in Amhara Public Health Institute Dessie Branch, northeast Ethiopia: A concurrent mixed-method study. *PloS one*. 2020 Dec 4;15(12): e0243141.
10. Hadi Pour A. The Role of In-Service Training Quality in Organizational Citizenship Behavior of Secondary school teachers. *Management and Educational Perspective*. 2019 Nov 22; 1(1):1-3. [Persian]
11. Önalın O, Gürsoy E. EFL Teachers' Demands and Preferences on In-Service Training in Turkey. *International Online Journal of Education and Teaching*. 2020;7(3):945-58.
12. Chaghari M, Saffari M, Ebadi A, Ameryoun A. Empowering education: A new model for in-service training of nursing staff. *Journal of advances in medical education &*



- professionalism. 2017 Jan;5(1):26.
13. Karimi S, Kehtari M, Khodayari H. Investigating the effect of in-service training on the improvement of nursing human resources in Imam Khomeini Hospital, Kermanshah. The third international conference on modern researches in the field of educational sciences, psychology and social studies of Iran, Tehran. (2017). [Persian]
 14. Soffia M, Wood AJ, Burchell B. Alienation is not 'Bullshit': An empirical critique of Graeber's theory of BS jobs. *Work, Employment and Society*. 2022 Oct;36(5):816-40.
 15. Ayvaz-Tuncel Z, Çobanoğlu F. In-service teacher training: Problems of the teachers as learners. *International Journal of Instruction*. 2018.
 16. Dash SS, Vohra N. The leadership of the school principal: Impact on teachers' job crafting, alienation and commitment. *Management Research Review*. 2018 Nov 19.
 17. Mulki J, Lassk FG. Joint impact of ethical climate and external work locus of control on job meaningfulness. *Journal of Business Research*. 2019 Jun 1; 99:46-56.
 18. Han SH, Oh EG. The link between transformational leadership and work-related performance: moderated-mediating roles of meaningfulness and job characteristics. *Leadership & Organization Development Journal*. 2020 Apr 28; 41(4):519-33.
 19. Atmaca Ç, Rızaoğlu F, Türkdoğan T, Yaylı D. An emotion focused approach in predicting teacher burnout and job satisfaction. *Teaching and Teacher Education*. 2020 Apr 1; 90:103025.
 20. Wolf S. Impacts of pre-service training and coaching on kindergarten quality and student learning outcomes in Ghana. *Studies in Educational Evaluation*. 2018 Dec 1; 59:112-23.

Identifying the Dimensions, Components and Indicators of Improving the Effectiveness of In-Service Training Courses for Staff of the Central Headquarters of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education

Zahra Yousefi¹, Mohammad Naghi Imani^{2*}, Hossein Ali Jahed³

Abstract

Background and objective: The inefficiency of the in-service training courses of the Ministry of Health can be seen as the lack of alignment and compatibility of the content of the training courses with the training needs of the staff. When the training content is not aligned with the operational needs of the staff, we will see that neither the staff take the training content seriously nor what is taught in these courses is useful to the staff. The aim of the current research is to identify the dimensions, components and indicators of improving the effectiveness of in-service training courses for staff of the central headquarters of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education.

Methods and Materials: The research method of this study is a descriptive survey. In terms of purpose, it is classified in the field of applied research. The necessary qualitative data were collected through library and field. The statistical population includes 10 experts and university experts who were selected through available sampling. The research tool included semi-structured interviews whose validity and reliability were confirmed. Interviews were conducted until saturation was reached. The method of data analysis was text coding.

Results: In order to achieve the purpose of the research, the actions taken include interviews with experts, writing materials by the researcher, re-reading and reviewing the text of all the interviews after the completion of the interviews, analyzing the content of the materials through open, central and selective coding, which finally, dimensions, components and desired indicators were identified.

Conclusion: The findings of this research show that improving the effectiveness of these courses requires the application of a set of characteristics and efforts, which can be mentioned as avoiding job alienation, taking responsibility instead of a sense of duty, feeling meaningful, love for work, and organizational social responsibilities.

Keywords: Promotion Indicators, Content Analysis, In-Service Training, Training Effectiveness

1. Ph.D. Student of educational management, Islamic Azad University Tehran West Branch, Tehran, Iran.

2* Corresponding Author, Assistant Prof. of educational management, Islamic Azad University Roudhan Branch, Tehran, Iran.
imani1348mn@gmail.com

3. Assistant Prof. of educational management, Islamic Azad University Tehran West Branch, Tehran, Iran

طراحی مدل مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای (یک مطالعه داده بنیاد)

عبدالرضا محمودی^{۱*}، میترا امینی^۲، فریده انصافداران^۳، مریم شمسایی^۴

چکیده

زمینه و هدف: در سال‌های اخیر، رویکرد میان رشته‌ای در راستای حل مشکلات پیچیده و چندبعدی در علوم مختلف، آموزش و سیاست مورد توجه قرار گرفته است. ارتباط و همبستگی‌های میان موضوع مطالعه یک رشته با موضوعات سایر رشته‌ها و جهان پیرامونی، می‌تواند چشم اندازی جدید و رویکردی نو به حل معضلات ارائه نماید. در واقع میان‌رشته‌گی، داعیه جامع‌نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه‌های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آن‌ها نیستند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه میان‌رشته‌ای، با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه به صورت کیفی و تحلیل‌ها و مدل‌نمایی در قالب نظریه داده بنیاد ارائه گردید. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه-ساختاریافته با ۲۰ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در زمینه پژوهش‌های میان رشته‌ای صاحب نظر و تجربه بودند با روش نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری و با نرم‌افزار Maxqda تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش، منجر به شناسایی ۱۱ مقوله اصلی (تعامل بین‌رشته‌ای، نگاه همه‌جانبه، مشوق‌ها، فرهنگ‌سازی و آموزش، عوامل ساختاری، عوامل زیرساختی، جدا افتادگی، ناشناختگی، فردمحوری، منفعت‌طلبی و ضعف کار تیمی) گردید. نگاه همه‌جانبه به عنوان پدیده محوری، تعامل بین رشته‌ای به عنوان پیامد، فرهنگ‌سازی و آموزش عوامل ساختاری و زیرساختی‌ها به عنوان شرایط علی، عوامل فردی (فردمحوری، منفعت‌طلبی و ضعف کار تیمی) به عنوان شرایط مداخله‌گر، مشوق‌ها، جدا افتادگی و ناشناختگی به عنوان عوامل زمینه‌ای شناخته شدند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر، به استخراج راهکارهایی جهت توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای انجامید. این راهکارها شامل آگاهی جامع نسبت به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، برقراری ارتباط هر چه بیشتر بین دانشگاه‌ها، تحول در آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، افزایش اعتبارات پژوهشی در حوزه‌های میان رشته‌ای، تدوین آیین‌نامه‌های حمایتی و تشویقی، ایجاد فضاهایی جهت تسهیل تعاملات متخصصان حوزه‌های مختلف، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین‌رشته‌ای با هدف آشنایی حوزه‌های مختلف علوم با یکدیگر، ایجاد مراکز و هسته‌های تحقیقاتی با هدف تسهیل و معرفی موضوعات پژوهش در حیطه‌های میان‌رشته‌ای، تربیت نیروی انسانی پژوهشگر کارآمد و همچنین اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای از طریق مراکز میان‌رشته‌ای که موجبات توسعه در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای فراهم می‌نماید.

کلمات کلیدی: پژوهش کیفی، نظریه داده بنیاد، پژوهش میان رشته‌ای، مصاحبه

۱. نویسنده مسئول. دکتری فلسفه و کلام اسلامی، مرکز تحقیقات قرآن، حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران ar.mahmoudi313@yahoo.com

۲. دکتری پزشکی اجتماعی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳. دکتری روانشناسی، مرکز تحقیقات قرآن، حدیث و طب، شیراز، ایران

۴. دکتری علوم سیاسی، مرکز تحقیقات قرآن، حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

امروزه ارتباطات و همکاری‌های میان رشته‌ای نه تنها برای گسترش دانش بنیادی بلکه برای پرداختن به موضوعات پیچیده اقتصادی، به طور فزاینده‌ای در پژوهش‌های دانشگاهی و سیاست‌های دولتی مورد توجه قرار گرفته است (۳، ۲، ۱). در سال‌های اخیر رویکرد میان رشته‌ای در علوم، آموزش و سیاست نسبت به گذشته محبوبیت زیادی پیدا کرده است و اغلب برای حل مشکلات پیچیده امروز از جمله مسائل پیچیده اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (۴). به تازگی برنامه‌های مختلف ملی و بین‌المللی با تمرکز بر ترویج پژوهش‌های میان رشته‌ای آغاز شده است و در بسیاری از کشورها از طریق بودجه تحقیقاتی ویژه و کمک‌های مالی یا از طریق تخصیص کارکنان، توسعه یافته است (۵، ۶، ۱). در ایران نیز تحرک نظری و عملی در باب اهمیت مطالعات میان رشته‌ای و لزوم سرمایه‌گذاری در این زمینه طی سال‌های گذشته گسترش یافته است. مطرح شدن چنین بحث‌هایی می‌تواند نشان‌هایی از پیچیده شدن مسائل آموزشی و پژوهشی در حوزه آموزش عالی ایران باشد و همچنین رشته‌های تثبیت شده و مرزبندی‌های مرسوم و متعارف چندان پاسخگوی نیازهای امروز جامعه ایران نیست. در واقع، پیدایی پرسش‌ها و نیازهای جدید و متنوع، توجه به نظریه پردازی‌های جدید در حوزه آموزش و پژوهش را ضروری می‌سازد (۷).

رویکرد میان رشته‌ای، رویکرد پساتوسعه به دانش است؛ برای کشوری مانند ایران، میان رشته کاری به مثابه کنش برآمده از همکاری رشته‌ها، در راستای تحقق مسئولیتی که با خود امنیت و ایمنی را نیز محقق می‌کند، امری خطیر و کاری بسیار دشوار است؛ تنها با پرمایگی دانشی و اخلاقی است که می‌توان در نظر و عمل، میان رشته‌شناس و میان رشته کار شد (۸). تحقیقات میان رشته‌ای درک بهتری از جهان ایجاد می‌کند زیرا محققان حوزه‌های مختلف تخصصی را که قادر به مقابله با مشکلات

پیچیده هستند، گرد هم می‌آورد. همچنین با از بین رفتن مرزهای بین علوم، تکه تکه شدن را در بین گروه‌های محقق کاهش می‌دهد (۹). تحقیقات میان رشته‌ای جوهره توسعه اجتماعی، نوآوری و دستیابی به دیدگاه گسترده تری در حل مسئله است. ماموریت پژوهش‌های میان رشته‌ای، از بین بردن موانع، جهت‌گیری مجدد بینش و دستیابی به موفقیت چشمگیر در تحقیقات دانشگاهی است (۱۰). این قابلیت مطالعات میان رشته‌ای روند طبیعی تکامل علم را منعکس می‌کند، زیرا افراط در تخصصی شدن پژوهشگر و از دست دادن ارتباط و همبستگی‌های میان موضوع مطالعه یک رشته با موضوعات سایر رشته‌ها و جهان پیرامونی، رشته‌های دانشگاهی را از کارکرد اصلیشان خارج می‌کند (۱۱). به این ترتیب، میان رشته‌ای داعیه جامع‌نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه‌های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آن‌ها نیستند.

مطالعات میان رشته‌ای مستلزم عمق، وسعت و تلفیق است. تلفیق، محور درک ماهیت مطالعات میان رشته‌ای و ویژگی برجسته آن است. تلفیق میان رشته‌ای فرایند ترکیب خلاقانه ایده‌ها و دانش مربوط به منابع رشته‌ای به منظور ایجاد یک درک جامع‌تر یا پیشرفت شناختی است. عمق به معنی استفاده از رشته‌ها و بینش‌های آن‌ها؛ وسعت اشاره دارد به کار میان رشته‌ای که از رشته‌هایی که از منظر معرفت‌شناختی متفاوت هستند و مطالعات میان رشته‌ای، تلفیق میان رشته‌ای است و ایجاد تبادل بین عمق رشته‌ای و وسعت رشته‌ای. تلفیق مستلزم استفاده از دانش رشته‌ای (عمق و وسعت) و مهارت‌های تلفیقی، دانش تلفیقی و یک ذهنیت تلفیقی است (۱۲). پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که توسعه و گسترش فعالیت‌های دانشگاهی میان رشته‌ای به مؤلفه‌های بسیاری بستگی دارد که بسیاری اوقات در ساختار رشته‌محور دانشگاه‌ها وجود ندارد. عوامل و الزامات شناسایی شده می‌توانند نقش محرک‌ها و پیشران‌های شکل‌گیری و توسعه میان رشته‌ای‌ها

در بخش آموزش و پژوهش باشند (۱۳). پژوهش‌های پیشین مؤلفه‌های متعددی را در رشد میان‌رشته‌ای، مؤثر معرفی کرده‌اند، از جمله مطالعه‌ای که با استناد به ادبیات پژوهش و یافته‌های اکتشافی، اصلاح ساختار رویکرد میان‌رشته‌ای علوم به عنوان پدیده محوری، تحول در نقش دانشگاه‌ها، اهداف بنیادین، تدوین برنامه‌ها به ترتیب به عنوان شرط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و سیاستگذاری در فرایندها و ساختار و الزامات مدیریتی را به عنوان راهبرد معرفی کردند (۱۳)، و در موردی دیگر، تسهیلات و منابع مالی مورد نیاز برای طراحی و راه‌اندازی فعالیت‌ها، رشته‌ها و برنامه‌های مشترک بین‌گروه‌ها، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، دولت و صنعت در راستای گسترش فعالیت‌ها و رشته‌های میان‌رشته‌ای (۱۰)، تشویق گروه‌های آموزشی به درگیر شدن در طراحی، تدوین و توسعه میان‌رشته‌ای‌ها (۱۵)، ساختار نرم و انعطاف‌پذیر (۱۶)؛ بررسی مجدد در روش، چگونگی سازوکارهای آموزش در فضا و شرایط جدید دانشی، فرهنگی، اجتماعی، منابع، تجهیزات و تکنولوژیکی (۱۷)، توجه به لایه‌های فرهنگی (۱۸)، میان‌رشته‌ای شدن امور، مدیریت تعاملی، تمرکز حداقلی (۱۹)؛ برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در ارتباط با توسعه اعضای هیأت علمی را در راستای مؤلفه‌های اصلاح ساختار میان‌رشته‌ای مؤثر می‌دانند (۲۰). همچنین مطالعه‌ای نتایج حاصل از مصاحبه با ۱۸ کارمند که در دوره‌های میان‌رشته‌ای درگیر بودند را این‌چنین بیان کرد که مهارت‌های مورد نیاز در بحث میان‌رشته‌ای عبارتند از ذهن باز، خارج شدن از مرکز توجه و کار در صنعت (۲۱). علاوه بر این پژوهشگران تغییر ساختار واحدهای تحقیقاتی و ایجاد تعهد برای ورود به حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را از جمله موارد مؤثر در حرکت به سوی پژوهش میان‌رشته‌ای می‌دانند (۲۲). محققان جذب اعضای هیأت علمی میان‌رشته‌ای و روش‌های صحیح ارزیابی علمی (۲۳)، ایجاد فرهنگ میان‌رشته‌ای و ساختارهای سازمانی مناسب (۲۴) و آمادگی و حمایت نهادی، ساختار و کارکرد گروه

مجری، جهت‌گیری حرفه‌ای، مسأله‌گشایی و پاسخ‌دهی به نیازها، معرفت‌شناسی و اشراف عمیق به قواعد و نگرش‌ها را در این زمینه مؤثر می‌دانند (۲۵). شکل‌گیری فعالیت‌های میان‌رشته‌ای، باعث ایجاد تحرک در حوزه‌های مختلف دانش شده و همچنین ایجاد میان‌رشته‌ها، استقبال از این حوزه‌ی علم را بیشتر نموده چراکه میان‌رشته‌ای‌ها به دلیل ماهیت خود که ارتباط زیادی با بازار کار دارند، آینده نویدبخش‌تری برای دانش‌آموختگان به همراه دارد. در مجموع می‌توان گفت داشتن جهت‌گیری میان‌رشته‌ای در جامعه علمی در آینده، یکی از انواع انتخاب‌هایی است که اتخاذ آن الزامی است. پرکردن شکاف‌های معرفتی و داشتن نیروی انسانی کارآمدتر راه چاره دیگری را برای سیاست‌گذاران آموزش عالی جهت ورود به این مباحث نمی‌گذارد. برای ورود به این آموزش مؤلفه‌های ساختاری ویژه‌ای لازم است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر رشد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بود تا با استفاده از این مؤلفه‌ها به تبیین و تدوین الگویی چند وجهی، جامع، راهبردی توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای بپردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش، کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات، تحقیق کیفی به حساب می‌آید و با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه میان رشته‌ای، با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام گردید. این پژوهش با استفاده از رویکردی تفسیرگرایانه سعی دارد تا مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه میان رشته‌ای را در دانشگاه علوم پزشکی شیراز شناسایی کند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از اساتید هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در زمینه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای صاحب‌نظر بودند و با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شده بودند، جمع‌آوری شد. معیارهای انتخاب اعضای نمونه عبارت بودند از داشتن حداقل ۵ سال سابقه هیأت

است. در جدول شماره ۱ به نمونه‌هایی از کدگذاری باز و محوری و تناظر مقوله‌های فرعی بر مبنای مصاحبه‌ها اشاره شده است. استخراج مفاهیم به شکل‌گیری مدل مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای (شکل ۱) انجامید.

پدیده محوری

پیشرفت در هر رشته، علاوه بر تحقیقات دانشمندان خود، به میزان بسیاری به دیدگاه دیگر دانشمندان، به خصوص رشته‌های نزدیک به هم، نیازمند است. اندیشمندان میان رشته‌ای واقعیت‌ها و نیازهای دنیای جدید را در فراسوی رشته‌هایی نکوهش می‌کنند که ساختاری یکسویه، جزئی‌نگر، محدود و تخصصی دارند (۲۷). همکاری‌ها و پژوهش‌های بین رشته‌ای در علوم مختلف از جمله پزشکی حائز اهمیت و ضروری (۳۰ و ۳۱) و همچنین مسیری برای برون رفت از محدودیت‌های هر یک از رشته‌های تخصصی پزشکی (۳۲ و ۳۳) و راهبردی برای درمان و نجات افراد مبتلا به بیماری‌های پیچیده و چند عاملی است (۳۴، ۳۵ و ۳۶). از جمله ضرورت‌های دنیای پیچیده امروز، نیاز به دیدگاه‌های جامع و همه جانبه برای حل مسائل جامعه است. براساس یافته‌های پژوهشگران خروج از مرزهای رایج علم و نگاه همه جانبه، از عوامل افزایش خلاقیت در ابعاد فردی، گروهی و محیطی پژوهش‌های میان رشته‌ای است (۲۸). بر اساس تحلیل یافته‌های منتج از مصاحبه‌های انجام شده مهم‌ترین موضوع در رشد و توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای، دید همه جانبه نسبت به موضوعات و مسائل مختلف می‌باشد. از این رو نگاه همه جانبه به عنوان پدیده محوری مدنظر قرار گرفت. تجمع افکار و ایده‌های مختلف، اجازه ورود منتقدین و افراد با دیدگاه‌های مختلف زمینه را برای بررسی هر چه تمام‌تر موضوعات فراهم می‌کند. از سوی دیگر، آشنایی پژوهشگران با دیدگاه‌ها و روش‌های پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم، منجر به نزدیکی افراد در حوزه‌های مختلف شده و ایجاد نگاه همه‌جانبه می‌گردد.

علمی، تنوع مصاحبه‌شوندگان از نظر برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی، مقبولیت و خبرگی مصاحبه‌شوندگان در میان اصحاب آن رشته، داشتن دست کم یک اثر علمی معتبر در حوزه‌های میان‌رشته‌ای، تنوع جنسیتی و تنوع سنی. مصاحبه‌ها به صورت فردی انجام شد و زمان هر کدام به طور تقریبی ۳۰-۴۵ دقیقه بود. نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. مقصود از اشباع نظری مرحله‌ای است که داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله به دست نیامده و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده است (۲۶). سؤالات مصاحبه از نوع نیمه ساختاریافته بوده و بر اساس مبانی نظری و نتایج تحقیقات پیشین در حوزه میان رشته‌ای، طراحی گردید.

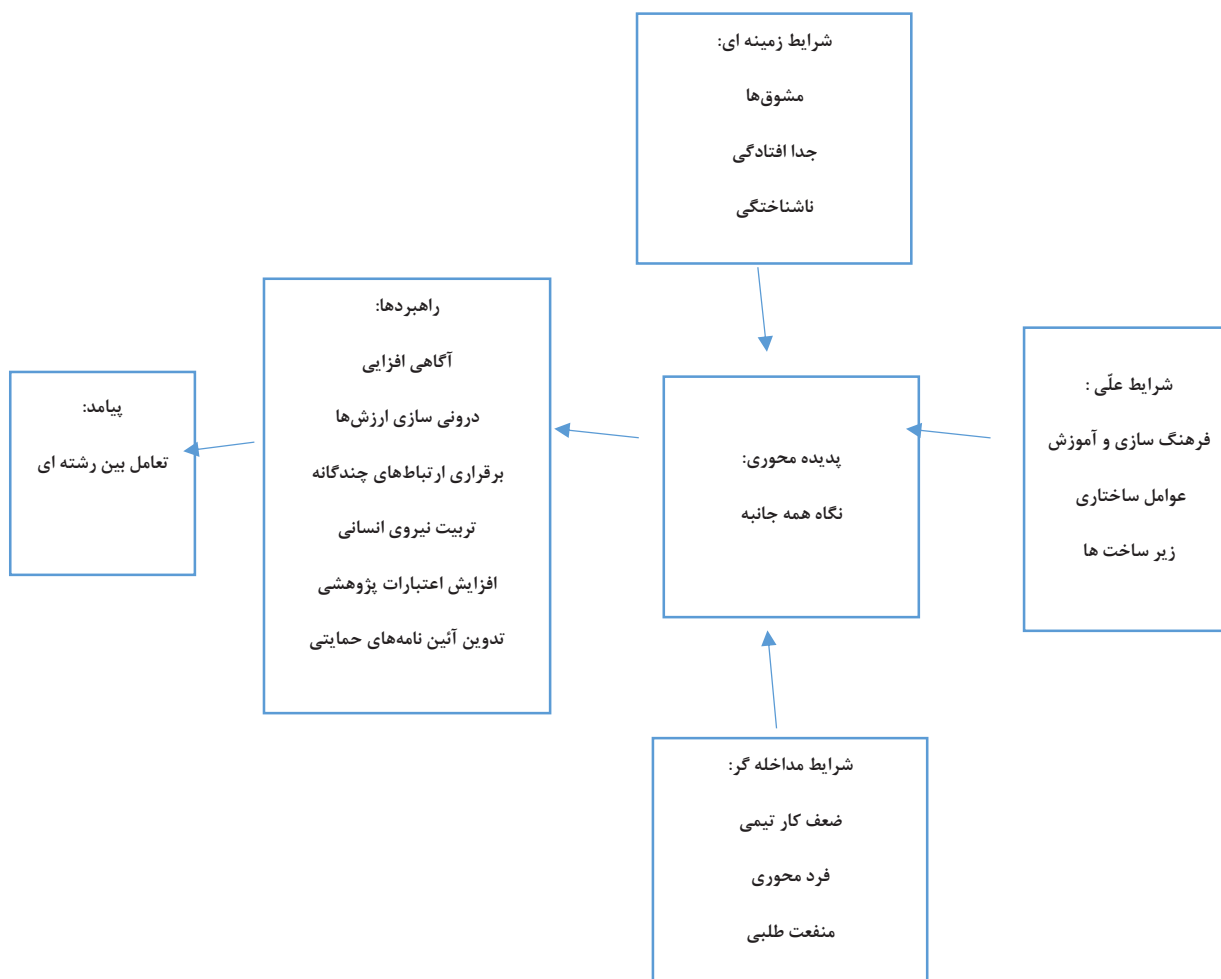
تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از طرح نظام‌دار نظریه داده بنیاد و از طریق فرایند کدگذاری، تحلیل شدند. طی کدگذاری باز، متن مصاحبه‌های ثبت شده با استفاده از کدهای زنده علامت‌گذاری و آرا تکراری شناخته شد. مفاهیم شامل عبارت‌ها و کلمه‌هایی بود که مصاحبه‌شوندگان در خصوص مؤلفه‌های مؤثر بر رشد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بیان کرده بودند. کدگذاری و بررسی مفاهیم تکرار شده تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. بررسی و تعمق در مفاهیم و مؤلفه‌های مصاحبه‌ها پژوهشگر را در دستیابی به مدل اکتشافی یاری رساند. در مرحله کدگذاری محوری با توجه به نقش مفاهیم به دست آمده در توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای، این مفاهیم در قالب شرایط علی (علل پدیده اصلی)، راهبردها (راهبردهایی که برای به مرحله اجرا درآوردن پدیده اصلی انجام می‌شوند)، زمینه‌ای (شرایط بسترساز خاص مؤثر بر راهبردها)، شرایط مداخله‌گر (شرایط عام مؤثر بر راهبردها) و پیامدها (نتایج به کار بستن راهبردها) به صورت نظری از طریق مدل فرایندی به هم مرتبط شدند. در کدگذاری انتخابی، نظریه پژوهش درباره مؤلفه‌های مؤثر بر رشد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای روایت شده

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز و محوری و تناظر مقوله‌های کلی و مقوله‌های فرعی

طبقات اصلی	کدها
تعامل میان رشته‌ای	فراهم نمودن زمینه همکاری‌های مشترک بین علوم مختلف استفاده از توانمندی‌های حوزه‌های مختلف علوم برقراری ارتباط بین علوم مختلف جلسات بارش فکری بین اساتید رشته‌های مختلف برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و کنفرانس‌های میان رشته‌ای جهت آشنایی و ارتباط ایجاد بستر مناسب جهت تعاملات میان رشته‌ای فضای مناسب بحث‌های آزاد اندیشانه انعقاد تفاهم‌نامه بین مراکز و دانشگاه‌ها
نگاه همه جانبه	اجازه ورود منتقدین پرهیز از تعصب و دگم نگری نسبت به رشته‌ای خاص تجمیع افکار و ایده‌ها آشنایی با دیدگاه‌ها و روش‌های پژوهش در حوزه‌های مختلف پرهیز از نگاه گزینشی جمع شدن افراد از علوم مختلف
مشوق‌ها	آیین نامه‌های حمایتی حمایت مالی بودجه آیین نامه‌های تشویقی اختصاص بودجه به بخش پژوهش و توسعه معرفی و تشویق اساتید سرآمد در حوزه میان رشته‌ای معرفی و تشویق دانشگاه‌های که در حوزه میان رشته‌ای متفق عمل کرده‌اند
فرهنگ‌سازی و آموزش	آموزش رویکرد پژوهش محوری توانمندسازی افراد در حوزه‌های میان رشته‌ای آموزش روحیه کار تیمی نگاه کاربردی و مسئله محور به موضوعات و مسائل جامعه تاسیس مراکزی جهت برقراری ارتباط بین علوم مختلف (مراکز میان رشته‌ای)
زیر ساخت‌ها	ایجاد هسته‌های تحقیقاتی انتشار مجلات میان رشته‌ای شناسایی اساتید علاقه‌مند به حوزه‌های میان رشته‌ای ارایه اولویت‌های پژوهشی در حوزه میان رشته‌ای
فرد محوری	روحیه تیمی ضعیف فقدان مهارت کار گروهی نگاه فردی به پژوهش عدم علاقه و دغدغه‌مندی تمایل به محرمانگی مقاومت تعدد وظایف هیئت علمی انگیزه قهرمان اصلی بودن
ضعف کار تیمی	نداشتن روحیه تیمی ضعف در کار گروهی عدم آموزش مهارت‌های کار گروهی
موانع ساختاری	قوانین محدود کننده عدم شایسته سالاری تسهیم نامتناسب بودجه کارایی نامناسب نظام ارتقا
منفعت طلبی	زیاده خواهی از امکانات و امتیازات سهم خواهی بیشتر نگاه هزینه فایده زمان کمتر، نتیجه بیشتر
جدا افتادگی	جدایی دانشگاه و صنعت جدایی حوزه و دانشگاه جدایی دانشگاه علوم پزشکی و غیرپزشکی جدایی دانشکده و دپارتمان‌ها جدایی رشته‌های مختلف

طبقات اصلی	کدها
ناشناختگی	تعریف نامشخص و مبهم از میان رشته‌ای ابعاد ناشناخته میان رشته‌ای عدم درک ضرورت و لزوم انجام پژوهش‌های میان رشته‌ای پیدا نکردن جایگاه مناسب عدم شناخت دقیق مصادیق بین رشته‌ای



شکل ۱. مدل مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای

شرایط علی

شرایط علی اشاره به موجباتی دارد که مستقیماً بر مقوله نگاه همه جانبه اثر می‌گذارد و منشاء ایجاد این نوع نگاه می‌باشد. براساس تحلیل مضامین موجود و متون مصاحبه‌های انجام شده، فرهنگ‌سازی و آموزش، عوامل ساختاری و زیرساخت‌ها

از جمله شرایط مورد نیاز برای ایجاد نگاه همه جانبه می‌باشند. شروع آموزش‌های مورد نیاز از مدارس جهت توانمندی افراد برای انجام فعالیت‌های گروهی، ایجاد روحیه پژوهش محوری و آموزش در زمینه استفاده بهینه از امکانات موجود زمینه را برای ایجاد نگاه همه جانبه فراهم می‌کند. از سوی دیگر

سازوکارها، زمینه‌ها و ساختارهای لازم برای توسعه فعالیت‌ها و پژوهش‌های میان رشته‌ای، ایجاد هسته‌های تحقیقاتی و تأسیس مراکز بین رشته‌ای در دانشگاه‌های معتبر موجب می‌شود که به صورت رسمی و علمی نیازسنجی برای توسعه فعالیت‌ها پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به طور متمرکز انجام شود. همچنین کمک به انتشار مجلات با حوزه فعالیت میان رشته‌ای، شناسایی اساتید علاقه‌مند به حوزه پژوهش‌های میان رشته‌ای از دیگر زیر ساخت‌های مؤثر و لازم برای توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌باشد. تسهیم نامتناسب بودجه، عدم شایسته‌سالاری و نظام ناکارآمد ارتقا از جمله عوامل ساختاری محدودکننده بوده که رسیدن به دیدگاه همه جانبه و توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای را با مشکلاتی روبه رو می‌سازد.

شرایط زمینه‌ای

مشوق‌ها از جمله شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر ایجاد نگاه همه جانبه می‌باشند. ارائه تسهیلات و منابع مالی مورد نیاز، اختصاص بودجه به بخش پژوهش و توسعه، تدوین آیین نامه‌های تشویقی و حمایتی برای ورود اساتید به حوزه‌های میان رشته‌ای، معرفی اساتید و دانشگاه‌های موفق و برتر در حوزه پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌تواند انگیزه‌ای برای ورود و ادامه فعالیت اساتید در حوزه‌های میان رشته‌ای باشد. ازجمله اثرات بسیار مهم پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌توان به نقش آن در حل مسائل جامعه و به توسعه رفاه اجتماعی اشاره کرد که در آن ارتباط دوسویه بین رشته‌های مختلف، دانشگاه‌ها و صنایع مختلف موجب تسهیل این امر می‌گردد.

پژوهش‌های میان رشته‌ای یکی از ابعاد نوآوری پژوهشی است. ضرورت دارد بر اساس این نوآوری، ساختارهای علمی و اداری موجود در گروه‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها به منظور توسعه، تقویت و تشویق همکاری، مشارکت و تعامل دو وجهی و چند

وجهی در راستای توسعه و گسترش فعالیت‌ها و رشته‌های بین رشته‌ای، بازنگری و بهبود یابد. با ساختارهای موجود، گسترش فعالیت‌ها و رشته‌های میان رشته‌ای به سختی امکان‌پذیر است (۲۸). جدافتادگی دانشگاه‌های علوم پزشکی و غیر پزشکی، دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف، مرزبندی و فاصله بین صنعت و دانشگاه‌ها از جمله موانعی است نه تنها باعث فاصله بین اساتید حوزه‌های مختلف شده، بلکه زمینه همکاری و فعالیت‌های مشترک را کاهش می‌دهد. در جوامع پیشرفته نگاه توسعه‌ای به پژوهش‌ها مسئله‌محور و محصول‌محور بوده و مبتنی بر نیازهای جامعه شکل می‌گیرد. از اهداف پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نیز مسئله‌محور بودن این حوزه می‌باشد که از طریق تعاملات و کنار هم قرار گرفتن دانشگاه‌ها، رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علوم امکان‌پذیر می‌باشد. از سوی دیگر، عدم تعریف مشخص از حوزه‌های میان رشته‌ای و ابعاد آن، عدم درک ضرورت و لزوم انجام پژوهش‌های میان رشته‌ای و پیدا نکردن جایگاه مناسب این‌گونه پژوهش‌ها، ما را در رسیدن به نگاه همه جانبه با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد.

شرایط مداخله‌گر

موجبات ایجاد نگاه همه جانبه در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نه در خلأ بلکه در شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد. توسعه علمی به این معنا است که ما از دانش و روش عقلانی برای حل مسائل مختلف در جامعه کمک بگیریم. میان رشته‌ای از جمله بخش‌های نوظهور در حیطه پژوهش‌های دانشگاهی است و نیل به آینده مطلوب در این حوزه مستلزم غلبه بر موانع فردی از جمله روحیه فرد محوری، مقاومت در برابر تغییر و پذیرش دیدگاهی نو به پژوهش است. تعدد وظایف اساتید هیئت علمی، ورود اساتید را به حوزه پژوهش‌های میان رشته‌ای با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد. از سوی دیگر تمایل به محرمانگی و انگیزه قهرمان اصلی بودن به عنوان موانعی

براینکه موجب انسجام محیط دانشگاهی، پویایی نظام آموزشی دانشگاه‌ها و در نتیجه، رشد و اصلاح فرهنگ می‌شود، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم و رفع نیازهای جامعه را نیز به دنبال دارد. بدیهی است با سازماندهی و توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای، گامی مؤثر در جهت توسعه علمی و کاربردی علوم در ایران برداشته خواهد شد، چراکه با تدوین برنامه‌های میان رشته‌ای، افراد قادر خواهند بود شکاف‌های روش‌شناختی و نظری بین رشته‌ها را پر کنند و با تحقیقات مشترک و همکاری بین متخصصان علوم مختلف، بستری فراهم خواهد شد که روحیه همکاری تقویت می‌شود و نتایج قابل اعتمادتری در عرصه علم به دست می‌آید. در واقع پژوهش‌های میان رشته‌ای، آشکارا، توسعه‌ای تازه به حساب می‌آید که با ایجاد آن می‌توان اجتماعات پیوندی میان دانشمندان و محققان به وجود آورد. توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای به معنای نفی محاسن و فواید نظام‌های رشته‌ای نیست. چراکه رویکرد رشته‌ای به علت برخورداری از آگاهی، سازماندهی و داشتن چارچوبی از حقیقت از طریق مفاهیم و الگوهای مربوط و رشد تدریجی و منطبق بر مسیر تعریف شده، اثر اطمینان‌بخشی بر یادگیرنده دارد. در واقع، ساختار منطقی علم بی‌فایده نیست، بلکه بحث در شیوه استفاده از آن و مهارت‌های تلفیق رشته‌های مختلف در یافتن پاسخ به مسائل موجود می‌باشد. توسعه انجمن‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های مرتبط با فعالیت‌ها و موضوعات میان رشته‌ای، کارگاه‌های آموزشی، انجمن‌های علمی و برگزاری همایش‌ها یکی از راهکارهای زیربنایی و ترویجی برای گسترش فعالیت‌های علمی میان رشته‌ای است. باید با برقراری ارتباط بین حوزه‌های مختلف علوم و ایجاد فضاهایی برای تسهیل تعاملات بین رشته‌ای، فعالیت‌ها و پژوهش‌های بین رشته‌ای را ترویج و اطلاع‌رسانی کرد، دستاوردهای آن را ارائه نمود و تبادل دانش در زمینه حوزه‌های بین رشته‌ای را افزایش داد. فراهم نمودن زمینه همکاری‌های مشترک بین

در زمینه ورود به حوزه‌های میان رشته‌ای عمل می‌کند. منفعت‌طلبی افراد و داشتن نگاه هزینه- فایده مبنی بر تلاش کمتر و دریافت بازده بیشتر، موجب تضعیف همکاری بین اساتید حوزه‌های مختلف می‌شود.

راهبردها

نتایج پژوهش حاضر، به استخراج راهکارهایی جهت توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای انجامید. این راهکارها شامل آگاهی از اهداف، ضرورت و توجیه فلسفه وجودی پژوهش‌های میان رشته‌ای در میان مسئولان و مجریان، درونی کردن ارزش‌های این مقوله برای افراد و مشخص کردن حوزه و ابعاد پژوهش‌های میان رشته‌ای با هدف درک ضرورت و لزوم انجام این گونه پژوهش‌ها، برقراری ارتباط هرچه بیشتر بین دانشگاه‌ها (اعم از علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی)، دانشگاه و صنعت، رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف به منظور استفاده بیشتر از نیازها و توان‌های یکدیگر؛ تحول درآموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، افزایش اعتبارات پژوهشی در حوزه‌های میان رشته‌ای و اختصاص بودجه به بخش‌های توسعه و پژوهش، تدوین آیین‌نامه‌های حمایتی و تشویقی، ایجاد فضاهایی جهت تسهیل تعاملات متخصصان حوزه‌های مختلف، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین رشته‌ای با هدف آشنایی حوزه‌های مختلف علوم با یکدیگر، ایجاد مراکز و هسته‌های تحقیقاتی با هدف تسهیل و معرفی موضوعات پژوهش در حیطه‌های میان رشته‌ای، تربیت نیروی انسانی پژوهشگرکارآمد؛ اتخاذ رویکرد میان رشته‌ای از طریق مراکز میان رشته‌ای موجبات توسعه را در حوزه پژوهش‌های میان رشته‌ای فراهم می‌نماید.

پيامد

در نهایت توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌تواند دستاورد تعامل بین رشته‌ای باشد. توسعه مطالعات بین رشته‌ای علاوه

علوم از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی بین مراکز مختلف و دانشگاه‌ها، برگزاری جلسات بارش فکری بین اساتید حوزه‌های مختلف از طریق افزایش زمینه تعاملات بین رشته‌ای منجر به توسعه هر چه بیشتر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

یکی از ضرورت‌های دنیای پیچیده امروز، نیاز به دیدگاه‌های جامع برای حل مسائل جامعه است. بسط مطالعات بین‌رشته‌ای علاوه بر اینکه موجب انسجام محیط دانشگاهی، پویایی نظام آموزشی دانشگاه‌ها و در نتیجه، رشد و اصلاح فرهنگ می‌شود، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم و رفع نیازهای جامعه را نیز به دنبال دارد. قطعاً شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، می‌تواند در پیشبرد اهداف جامعه اثرگذار باشد. از آنجا که ارتقای تکنولوژی برونوعی زمینه‌سازی علمی در جامعه متکی است، دانشگاه و اساتید به عنوان بستر واقعی تربیت نیروی انسانی در این رابطه نقشی غیرقابل انکار ایفا می‌نماید. امروزه رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم گامی در جهت توسعه ملی است. توسعه، جریانی چندبعدی است که علاوه بر تغییرات اقتصادی، تغییرات متعددی در کلیه ابعاد جامعه، همراه با شاخص‌های ویژه خود دارد. همچنین یکی از پایه‌های اساسی رشد و توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، توجه به رابطه سیستماتیک و نظامند علوم مختلف با یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت رشد متوازن علوم مختلف است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مهم‌ترین موضوع در رشد و توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای، دید همه جانبه نسبت به موضوعات و مسائل مختلف می باشد. تجمع افکار و ایده‌های مختلف، اجازه ورود منتقدین و افراد با دیدگاه‌های متنوع زمینه را برای بررسی هر چه تمام‌تر موضوعات فراهم می‌کند. از سوی دیگر، آشنایی پژوهشگران با دیدگاه‌ها و روش‌های پژوهش در

حوزه‌های مختلف علوم، منجر به نزدیکی افراد در حوزه‌های مختلف شده و ایجاد نگاه همه جانبه می‌گردد. فرهنگ‌سازی و آموزش، عوامل ساختاری و زیرساخت‌ها از جمله شرایط مورد نیاز و علی ایجاد نگاه همه جانبه می‌باشند. شروع آموزش‌های مورد نیاز از مدارس جهت توانمندی افراد برای انجام فعالیت‌های گروهی، ایجاد روحیه پژوهش محوری و آموزش در زمینه استفاده بهینه از امکانات موجود زمینه را برای ایجاد نگاه همه جانبه فراهم می‌کند. از سوی دیگر سازوکارها، زمینه‌ها و ساختارهای لازم برای توسعه فعالیت‌ها و پژوهش‌های میان رشته‌ای، ایجاد هسته‌های تحقیقاتی و تأسیس مراکز بین رشته‌ای در دانشگاه‌های معتبر موجب می‌شود که به صورت رسمی و علمی نیازسنجی برای توسعه فعالیت‌ها پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به طور متمرکز انجام شود.

مشوق‌ها از جمله شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر ایجاد نگاه همه جانبه می‌باشند. ارائه تسهیلات و منابع مالی مورد نیاز، اختصاص بودجه به بخش پژوهش و توسعه، تدوین آیین نامه‌های تشویقی و حمایتی برای ورود اساتید به حوزه‌های میان رشته‌ای، معرفی اساتید و دانشگاه‌های موفق و برتر در حوزه پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌تواند انگیزه‌ای برای ورود و ادامه فعالیت اساتید در حوزه‌های میان رشته‌ای باشد. ازجمله اثرات بسیار مهم پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌توان به نقش آن در حل مسائل جامعه و به توسعه رفاه اجتماعی اشاره کرد که در آن ارتباط دوسویه بین رشته‌های مختلف، دانشگاه‌ها و صنایع مختلف موجب تسهیل این امر می‌گردد. موجبات ایجاد نگاه همه جانبه در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نه در خلأ، بلکه در شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد. توسعه علمی به این معنا است که ما از دانش و روش عقلانی برای حل مسائل مختلف در جامعه کمک بگیریم. میان رشته‌ای از جمله بخش‌های نوظهور در حیطه پژوهش‌های دانشگاهی است و نیل به آینده مطلوب در این حوزه مستلزم غلبه بر موانع فردی

از جمله روحیه فرد محوری، مقاومت در برابر تغییر و پذیرش دیدگاهی نو به پژوهش است.

نتایج پژوهش حاضر، به استخراج راهکارهایی جهت توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای انجامید. این راهکارها شامل آگاهی از اهداف، ضرورت و توجیه فلسفه وجودی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در میان مسئولان و مجریان، درونی کردن ارزش‌های این مقوله برای افراد و مشخص کردن حوزه و ابعاد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با هدف درک ضرورت و لزوم انجام این‌گونه پژوهش‌ها، برقراری ارتباط هرچه بیشتر بین دانشگاه‌ها (اعم از علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی)، دانشگاه و صنعت، رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف به منظور استفاده بیشتر از نیازها و توان‌های یکدیگر؛ تحول درآموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، افزایش اعتبارات پژوهشی در حوزه‌های میان رشته‌ای و اختصاص بودجه به بخش‌های توسعه و پژوهش،

تدوین آیین‌نامه‌های حمایتی و تشویقی، ایجاد فضاهایی جهت تسهیل تعاملات متخصصان حوزه‌های مختلف، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین‌رشته‌ای با هدف آشنایی حوزه‌های مختلف علوم با یکدیگر، ایجاد مراکز و هسته‌های تحقیقاتی با هدف تسهیل و معرفی موضوعات پژوهش در حیطه‌های میان‌رشته‌ای، تربیت نیروی انسانی پژوهشگرکارآمد؛ اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای از طریق مراکز میان‌رشته‌ای موجبات توسعه را در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای فراهم می‌نماید. پیامد این نوع نگاه و برنامه ریزی همه جانبه توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای است که دامنه و عمق پژوهش‌ها را بیشتر و آن‌ها را کاربردی‌تر خواهد ساخت.

پژوهش حاضر با رعایت اصول رازداری، حفظ حریم خصوصی، اجتناب از ضرر و زیان رساندن به مشارکت‌کنندگان و جلب رضایت آگاهانه مصاحبه‌شوندگان صورت پذیرفت.

منابع

- Okamura K. Interdisciplinarity revisited: evidence for research impact and dynamism. *Palgrave Commun.* 2019; 5: 141. <https://doi.org/10.1057/s41599-019-0352-4>
- Wernli D, Darbellay F. Interdisciplinarity and the 21st century research intensive university. *League of European Research Universities (LERU) Position Paper.* 2016.
- Van Noorden R. Interdisciplinary research by the numbers. *Nature.* 2015; 525 (7569): 306-307.
- Weber CT, Syed S. Interdisciplinary optimism? Sentiment analysis of Twitter data. *Royal Society open science.* 2019; 6 (7): 190473. <http://dx.doi.org/10.1098/rsos.190473>
- Kuroki T, Ukawa A (eds). 10 Year Commemoration of the World Premier International Research Center Initiative (WPI) Program. 2017.
- National Science Foundation (NSF). Convergence Research at NSF. 2019. <https://www.nsf.gov/od/oia/convergence/index.jsp>.
- Nabavi AA. Interdisciplinary and methodological studies of some considerations and suggestions. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities.* 2016; 8(2): 57-74.
- Bahrani M. A theory of interdisciplinary, introduction and report of a research. *Interdisciplinary studies in humanities.* 2020; 12(1): 1-28.
- Albert M, Friesen F, Rowland P, et al. Problematizing assumptions about interdisciplinary research: implications for health professions education research. *Advances in Health Sciences Education.* 2020; 25: 755-67. <https://doi.org/10.1007/s10459-019-09911-7>
- Er Saw P, Jiang S. The significance of interdisciplinary integration in academic research and application. *Bio Integration.* 2020; 1(1): 2-5.
- Moran, E. Around the interdisciplinary (Translator: Tawhid Malabashi). In the theoretical foundations and methodology of interdisciplinary studies. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. 2008.
- Repco, A. *Interdisciplinary Research: Theory and Process*, translated by Mohsen Alavipour, Majid Karami, Hedayatullah Etemadizadeh Drikundi and Ali Akbar Noor Alivand, Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology. 2015.
- Motamedi A, Yamani Dozi Sarkhabi M, Khorsandi Taskoh A, AREFI M. A pattern for structuring the Interdisciplinary Approach in Basic Sciences at universities with an Emphasis on Sustainable National Development: A Fundamental Data Study. *Journal of higher education curriculum.* 2019; 10(19): 41-64.
- Mahdi R. Formation and Development of Interdisciplinary Studies in Higher Education: the Key Factors and Requirements. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities.* 2013; 5(2): 91-117.
- Hatami D. Investigating the current situation of interdisciplinary students in the Iranian higher education system. *Institute of Higher Education*

- Research and Planning, Ministry of Science, Alleviation and Technology. 2013.
16. Farashtkhah M. University and higher education, global perspectives and Iranian issues. Tehran: Ney Publishing. 2011.
 17. Ebrahimabadi H. Interdisciplinary education in academic settings with emphasis on the Iranian experience. *Interdisciplinary Studies Quarterly*. 2011; 4(1): 41-68.
 18. Mahjoub Ishratabadi H, Malekinia, E, Ghorone D. Faculty members and organizational structure: Interdisciplinary conflicts. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies*. 2012; 4(1):1-34.
 19. Khorsandi-Tashkooh A. Typological diversity in interdisciplinary education and research. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 2009; 1(4): 57-83.
 20. Safari S. The Role of Faculty Development in Promoting Interdisciplinary Studies. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 2012;16: 35-52.
 21. de Fouw N, Klaassen R, van der Tang Y. PREREQUISITES FOR INTERDISCIPLINARY LEARNING: ORGANISATION AND STAFF. In *The 16 th International CDIO Conference*. 2020;2: 307.
 22. Leahey E, Barringer SN. Universities' commitment to interdisciplinary research: To what end?. *Research Policy*. 2020;49(2): 103910. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2019.103910>.
 23. Chait R. The questions of tenure. Cambridge, MA: Harvard University Press. 2005.
 24. Harris MS, Holley K. Constructing the Interdisciplinary Ivory Tower: The Planning of Interdisciplinary Spaces on University Campuses, *Planning for Higher Education*. 2008; 36(3): 34-43.
 25. Porter AL, Roessner JD, Cohen AS, Perreault M. Interdisciplinary research: meaning, metrics and nurture, *Research evaluation*. 2006;15(3):187-195.
 26. Glaser, B. *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Routledge. 2017.
 27. Khanjar khani Z, Nasr Abadi HB, Ebrahimi Denani A. An Introduction to the Necessity, Position, and Types of Studies In higher education. *Quarterly Journal of Humanities Studies*, 2009;2(1): 186-167.
 28. Moirano R, Sánchez MA, Štěpánek L. Creative interdisciplinary collaboration: A systematic literature review. *Thinking Skills and Creativity*. 2020; 35: 100626.
 29. Ebrahim Abadi H. Interdisciplinary education in academic settings with emphasis on the Iranian experience, *Journal of Interdisciplinary Studies*. 2011; 4(1) : 68-41
 30. Herman D, Javůrková A, Raudenská J, Budera P, Rizov V, Kačer P, ... & Osmančík P. Changes in cognitive function after thoracoscopic and catheter ablation for atrial fibrillation. *Pacing and Clinical Electrophysiology*. 2023; 46(1): 84-90.
 31. Peisker T, Vaško P, Mikulenka P, Lauer D, Kožnar B, Sulženko J, ... & Štětkářová I. Clinical and radiological factors predicting stroke outcome after successful mechanical intervention in anterior circulation. *European Heart Journal Supplements*. 2022; 24(Supplement_B): B48-B52.

32. Widimsky P, Stetkarova I, Tousek P. The importance of interdisciplinary research. *European Heart Journal Supplements*. 2023; 25(Supplement_E): E1-E2.
33. Sussenbek O, Rademakers L, Waldauf P, Jurak P, Smisek R, Stros P, ... Curila K. Left bundle branch area pacing results in more physiological ventricular activation than biventricular pacing in patients with left bundle branch block heart failure. *European Heart Journal Supplements*. 2023; 25(Supplement_E): E17-E24.
34. Mihalovic M, Mikulenska P, Línková H, Neuberg M, Štětkařová I, Peisker T, ... Tousek P. Prevalence of myocardial injury in patients after acute ischaemic stroke according to standard criteria. *European Heart Journal Supplements*. 2023; 25(Supplement_E): E3-E9.
35. Hozman M, Hassouna S, Grochol L, Waldauf P, Hracek T, Pazdiorova BZ, ... Osmancik P. Previous antithrombotic therapy does not have an impact on the in-hospital mortality of patients with upper gastrointestinal bleeding. *European Heart Journal Supplements*. 2023; 25(Supplement_E): E25-E32.
36. Bauer, D., Neuberg, M., Nováčková, M., Kočka, V., & Toušek, P. Pre-hospital delay, clinical characteristics, angiographic findings, and in-hospital mortality in young and middle-aged adults with acute coronary syndrome: a single-centre registry analysis. *European Heart Journal Supplements*. 2023; 25(Supplement_E): E33-E39.

Designing a Component of Studies on the Development of Interdisciplinary Research (a Grounded theory study)

Abdolreza Mahmoudi^{1*}, Mitra Amini², Farideh Ensafdaran³, Maryam Shamsai⁴

Abstract

Background and Objective: In recent years, the interdisciplinary approach in order to solve complex and multidimensional problems in different sciences, education and politics has been noticed. The connection and correlation between the subject of study of a discipline with the subjects of other disciplines and the surrounding world can provide a new perspective and a new approach to solving problems. In fact, interdisciplinarity has the claim of comprehensiveness and solving problems that different scientific branches are not able to solve alone. The current research was conducted with the aim of identifying the effective components on interdisciplinary development, using the data theory of the foundation.

Methods and Materials: The study was presented qualitatively and analyzes and the final model in the form of Grounded theory. Research data were collected through semi-structured interviews with 20 faculty members of Shiraz University of Medical Sciences, who had expertise and experience in the field of interdisciplinary research, with a purposeful sampling method and with software Maxqda software was analyzed.

Results: The results obtained from the analysis of the research interviews led to the identification of 11 main categories (interdisciplinary interaction, comprehensive view, incentives, culture and education, structural factors, infrastructural factors, Isolation, unfamiliarity, individualism, selfishness and weak teamwork). All-round view as the central phenomenon, interdisciplinary interaction as the result, culture building and education of structural factors and infrastructures as causal conditions, individual factors (individualism, utilitarianism and weakness of teamwork) as intervention conditions. Therefore, incentives, isolation and unfamiliarity were identified as background factors.

Conclusion: The results of the present research led to the extraction of solutions for the development of interdisciplinary research. These solutions include comprehensive awareness of interdisciplinary research, establishing more communication between universities, development in education and training of efficient human resources, increasing research credits in interdisciplinary fields, drafting regulations. support and encouragement, creating spaces to facilitate the interactions of experts in different fields, holding interdisciplinary conferences and meetings with the aim of familiarizing different fields of science with each other, creating research centers and cores with the aim of facilitating and introducing research topics in interdisciplinary areas, training efficient researcher human resources, and also adopting an interdisciplinary approach through interdisciplinary centers that provide opportunities for development in the field of interdisciplinary research.

Keywords: Qualitative research, Grounded theory, Interdisciplinary research, Interview.

1*. Corresponding author. Research center of Quran, Hadith and medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
ar.mahmoudi313@yahoo.com

2. Professor of Community Medicine. School of Medicine. Clinical Education Research Center. Shiraz University of Medical Sciences.

3. Research Center of Quran, Hadith and Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

4. Research Center of Quran, Hadith and Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

طراحی مدل مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه پژوهش‌های میان رشته‌ای

یافته‌های جمعیت‌شناختی نمونه

ردیف	سن	جنس	رشته	سابقه هیأت علمی
۱	۷۰	مرد	بالینی	۴۰ سال
۲	۵۳	مرد	بالینی	۲۳ سال
۳	۵۵	زن	بالینی	۱۲ سال
۴	۵۳	زن	بالینی	۲۰ سال
۵	۶۱	مرد	بالینی	۳۵ سال
۶	۵۶	مرد	بالینی	۲۵ سال
۷	۶۱	مرد	بالینی	۳۲ سال
۸	۵۶	زن	غیربالینی	۳۱ سال
۹	۶۳	مرد	غیربالینی	۳۲ سال
۱۰	۴۷	مرد	غیربالینی	۲۰ سال
۱۱	۴۳	مرد	بالینی	۷ سال
۱۲	۴۲	مرد	بالینی	۱۰ سال
۱۳	۴۲	زن	بالینی	۱۵ سال
۱۴	۴۳	مرد	غیربالینی	۱۶ سال
۱۵	۳۹	مرد	بالینی	۷ سال
۱۶	۳۸	مرد	بالینی	۱۲ سال
۱۷	۶۰	مرد	غیربالینی	۳۰ سال
۱۸	۴۱	مرد	غیربالینی	۱۵ سال
۱۹	۴۰	مرد	بالینی	۱۳ سال
۲۰	۳۸	زن	غیربالینی	۱۴ سال

نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان: نظریه رویه

محدثه فهیمی علی‌آباد^{۱*}، فریبا زرانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: مذهب و معنویت نقش جدایی ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس‌زا ایفا می‌کنند. شناسایی نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان، در جهت فراهم‌سازی اطلاعات لازم جهت طراحی مداخلات آموزشی و روانشناختی مبتنی بر نیازهای این مراقبان، هدف پژوهش حاضر است.

روش بررسی: به شیوه‌ای کیفی و با رویکرد نظریه رویه در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. مشارکت‌کنندگان را مراقبان بیماران مبتلا به سرطان در تهران تشکیل داده‌اند. اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ مراقب و از طریق نمونه‌گیری نظری و هدفمند تا رسیدن به اشباع اطلاعات گردآوری شد. براساس کدگذاری متون مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته، نیازها و طبقه‌بندی آنها استخراج گردید.

یافته‌ها: نیازهای مذهبی و معنوی کشف شده در دو مقوله «نیاز به ارتباط بیشتر با خدا» و «بازنگری اندیشه‌های معنوی و مذهبی» دسته‌بندی گردید. مهم‌ترین مقوله‌های فرعی استخراج شده از این نتایج عبارتند از: «نیاز به اعمال مذهبی»، «نیاز غلبه بر ترس از مرگ»، «نیاز درک معنا برای زندگی» و «نیاز حل چالش‌ها در مورد عدالت خداوند».

نتیجه‌گیری: عواقب مذهبی و معنوی سرطان برای مراقب چشمگیر است. با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی جامعه، بار مسئولیتی بالا و فشارهای ناشی از مشکلات و از دست دادن قریب الوقوع یکی از نزدیکان منجر می‌گردد، مراقبان باورهای معنوی و مذهبی خود را مورد بازنگری قرار دهند و اگر در این بازنگری راهنمایی نداشته باشند، شاید دچار گمراهی شوند. توانمندسازی مراقبان در مورد پیامدهای مذهبی و معنوی که ممکن است تجربه کنند و آموزش افراد جامعه و نزدیکان برای درک بیشتر شرایط مراقب، مفید خواهد بود.

کلمات کلیدی: بیماران مبتلا به سرطان، نیاز مذهبی و معنوی، مراقبان، نظریه رویه

*۱. نویسنده مسئول. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران mohadese.fahimi72@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران fzarani@yahoo.com

مقدمه

علی‌رغم پیشرفت‌های انجام شده در علوم پزشکی و دارویی، همچنان سرطان به عنوان بیماری منجر به مرگ، سهم به‌سزایی از مرگ و میر در جهان را دارا می‌باشد. در ایران نیز سرطان سومین علت مرگ بعد از بیماری‌های قلبی و تصادفات است. از سویی دیگر، سرطان بیماری است که علاوه بر فرد مبتلا، خانواده و افراد مرتبط با بیمار را درگیر می‌کند و مراقبین خانوادگی و غیررسمی در اثر مراقبت از بیمار مبتلا به سرطان ممکن است دچار مسائل اقتصادی، اجتماعی، جسمی، روانی و معنوی شوند. در ایران مسئولیت مراقبت از مبتلایان به بیماری سرطان به طور کلی توسط همسران، فرزندان و خویشاوندان نزدیک پذیرفته می‌شود زیرا در فرهنگ ایرانی ساختار خانواده‌های سنتی هنوز پا برجا بوده و مراقبت نیز تحت تاثیر همین ساختار انجام می‌گردد. معمولاً حضور فرد مبتلا به سرطان باعث تغییر وظایف روزمره می‌شود و طول درمان این بیماری و عوارض جانبی درمان باعث می‌شود بیمار در گذراندن زمانی برای زندگی اجتماعی و شغلی خود دچار مشکل شود که این موضوع اهمیت نقش مراقبان آنها را افزایش می‌دهد (۱).

وجود شرایط دشوار و مسئولیت‌های گوناگونی که به مراقبان تحمیل می‌گردد و انتظارات بالایی که از آنها برای مراقبت از بیماران مبتلا به سرطان وجود دارد منجر می‌شود، مراقبان بیماران علاوه بر اینکه در خطر بروز مشکلات هیجانی، فیزیکی و کارکردی قرار گیرند و اکثر این افراد از نظر علائم روان تنی، مشکلات روانشناختی (مانند افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و نگرانی)، تغییرات در زندگی زناشویی و سلامت جسمانی دچار مشکل شوند، باورهای معنوی و مذهبی خود را نیز به چالش بکشند (۱). به عنوان مثال، مطالعه‌ی ملون، نوردس و وایس در

رابطه با مراقبان بیماران مبتلا به سرطان نشان داد که این افراد از کیفیت زندگی پایین‌تر و حمایت اجتماعی کمتری نسبت به خویشاوندان نزدیک خود برخوردارند و همچنین نگرانی دائمی درباره آینده‌ی عضو بیمار خانواده دارند (۲). این در حالیست که مطالعات نشان داده‌اند بهبودی بیمار با حمایتی که از سوی مراقب دریافت می‌کند، رابطه دارد. یعنی هر چقدر شرایط جسمانی، روانی، معنوی و کارکردی مراقبان بیمار مبتلا به سرطان بهتر و مساعدتر باشد، روند بهبود بیمار سریع‌تر و مطلوب‌تر خواهد بود که این امر تاکید بر اهمیت توجه بیشتر بر مراقبان و شناسایی مشکلات آنها دارد، زیرا علاوه بر بالا بردن مطلوبیت سطح زندگی آنها، بیماران مبتلا به سرطان نیز در شرایط بهتری به درمان خود ادامه خواهند داد (۳).

با در نظر گرفتن مطالب فوق، مساله اصلی پژوهش حاضر این است که ایجاد چنین مسئولیت‌ها و فشارهایی، چه مشکلات مذهبی و معنوی را برای مراقبان بیماران مبتلا به سرطان ایجاد می‌کند و به تبع آن نیازهای این افراد برای اینکه بتوانند با کیفیت بالا نقش مراقبتی خود را ایفا نمایند چیست.

در رابطه با مشکلات و نیازهای مراقبان بیماران مبتلا به سرطان، تحقیقاتی در کشور و خارج از کشور صورت گرفته است. سجادیان، حیدری و مختاری مشکلات مراقبتی در مراقبان خانوادگی بیماران مبتلا به سرطان پستان را مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد مراقبان بیماران دارای مشکلات اطلاعاتی، فیزیکی، روانی، معنوی، مذهبی و فردی و اقتصادی می‌باشند (۴).

در مطالعه‌ای دیگر فشارهای مراقبتی روی مراقبان خانوادگی بیماران مبتلا به سرطان را مورد بررسی قرار دادند. آنها فشار مراقبتی را از جنبه‌های جسمی، روانی، معنوی، مذهبی و مالی تجزیه و تحلیل نمودند. یافته‌های

است با توجه به فرهنگ و شرایط حاکم بر هر جامعه متفاوت باشند(۸)، ضرورت انجام تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد.

(۱) پیشرفت‌های دارویی و پزشکی باعث افزایش طول دوره‌ی زندگی بیماران مبتلا به سرطان شده است که همین امر تاکیدی بر نقش کلیدی مراقبان در زندگی بیماران مبتلا به سرطان است. مراقبان بیمار مبتلا به سرطان در حین گذران دوران مراقبت، ممکن است دچار چالش‌های بسیاری مخصوصاً در زمینه مسائل معنوی و مذهبی گردند.

(۲) پژوهش‌های قبلی در زمینه‌ی شناسایی نیازهای مراقبان بیماران مبتلا به سرطان در کشور، اغلب با روش پژوهش کمی صورت گرفته است که امکان بررسی عمیق تجارب مراقبان، شناسایی نیازهای برآمده از این تجربه‌ی زیسته و همچنین تاثیر نقش فرهنگ در نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان را فراهم نمی‌سازد.

(۳) نهایتاً، فراهم سازی داده‌ها و اطلاعات لازم در خصوص نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان که به نظر می‌رسد در شرایط سخت کمتر به آنها توجه می‌گردد، جهت طراحی مداخلات آموزشی و روانشناختی مبتنی بر نیازهای مراقبان از ضرورت‌های قابل ذکر انجام پژوهش حاضر می‌باشد.

در نتیجه، با توجه به اهمیت بیان شده در مورد نقش مراقبان بیماران مبتلا به سرطان در سیستم مراقبت بهداشتی جوامع و تشریح ضرورت‌های انجام تحقیق حاضر، هدف اصلی از این مطالعه شناسایی جامع و کامل نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان براساس نظریه رویه و براساس مطالعه و واکاوی عمیق ادبیات مرتبط و تجربیات این افراد و همچنین مشاهدات مستقیم محقق می‌باشد.

آنان نشان داد که مراقبان خانواده های این بیماران سطح بالاتری از اضطراب مالی و معنوی-مذهبی را تجربه می‌کنند و درصد قابل توجهی از آنها از اضطراب و افسردگی رنج می‌برند. محققان فوق با توجه به نتایج به دست آمده نتیجه گیری نمودند که مراقبان خانوادگی بیماران مبتلا به سرطان در معرض مشکلات جسمی، روانی، مالی و معنوی-مذهبی قرار دارند و ایجاد برنامه‌های مراقبت‌های ویژه برای کاهش این مشکلات بسیار ضروری است(۵).

وانگ و ملاسیوت در تحقیقی با هدف شناسایی نیازهای برآورده نشده بیماران مبتلا به سرطان پیشرفته و مراقبان آنها انجام دادند. هفت حوزه نیاز برآورده نشده برای مراقبان شناسایی شد که عبارت بودند از: نیاز به اطلاعات، نیاز روانشناخت، نیاز مالی، نیاز معنوی و مذهبی، نیاز در حوزه مراقبت از بیمار، نیاز اجتماعی و نیاز جسمانی. که از این هفت حوزه رایج ترین نیازها در حوزه نیازهای اطلاعاتی و نیازهای معنوی و مذهبی بودند(۶).

همچنین اسکالا به همراه همکاران خود در تحقیقی توصیفی در زمینه نیازهای مختلف شامل نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی-مذهبی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان انجام دادند. نمونه آماری آنها شامل ۱۷۲ مراقب بود. یافته های تحقیق نشان داد که در خصوص نیازهای جسمی و روانی، مراقبان احساس خستگی، اضطراب، ترس، خواب آلودگی، اضافه وزن، افسردگی، فراموشی، مشکلات جنسی و عدم توانایی در انجام سایر مسئولیت‌ها را بیان می‌کردند که ضرورت داشت به نیاز برای رفع آنها توجه گردد. همچنین اهم نیازهای معنوی و مذهبی شامل نیاز به تعریف معنای زندگی، انکار مشکل، تردیدهای مذهبی و صحبت با روانشناس بیان گردید(۷).

با توجه به مطالعات اشاره شده در بالا و ذکر این نکته که مشکلات مراقبان در جوامع مختلف تا حدودی ممکن

روش بررسی

جامعه پژوهشی عبارت بود از مراقبان بیماران مبتلا به سرطان در تهران و نمونه‌ها با روش در دسترس و هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود و خروج پژوهش حاضر، عبارت بودند از: مراقب بیمار مبتلا به سرطان در مرحله پایانی^۱، که ضمن داشتن نقش مراقب اصلی، از توانایی برقراری ارتباط کلامی برخوردار بوده و طبق گزارش خود زمینه ابتلا به اختلالات شدید روانی و جسمانی را نداشته باشد و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش را اعلام کند. معیار خروج نیز شامل تمایل نداشتن افراد شرکت کننده به ادامه همکاری در هر زمان از اجرای پژوهش بود. بنابراین در بکارگیری نمونه‌گیری نظری که در این تحقیق استفاده شده است، پیدا کردن نقطه شروع مهم‌ترین رکن ورود به میدان بود. در این نوع نمونه‌گیری نمی‌توان از قبل مشخص نمود چه تعداد افراد و نمونه بایستی انتخاب شوند، بلکه جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدیداً جمع‌آوری شده، با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری شده‌اند تفاوتی نداشت و به عبارتی محقق به مرحله اشباع رسیده باشد. در این مرحله، (۱) هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نمی‌آمد؛ (۲) مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته و گوناگونی‌های آن را نمایش می‌داد و (۳) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان برای محققین ثابت شده بود.

به منظور دستیابی به هدف و پاسخ به سوالات پژوهش حاضر، از روش پژوهش کیفی و به طور مشخص از روش نظریه رویه (Facet Theory) که توسط گاتمن ارائه گردیده است، استفاده شده است. نظریه رویه، راهبردی

برای پژوهش در روانشناسی و علوم دیگری است که سیستم‌های پیچیده رفتار را بررسی می‌کنند. این نظریه بر قاعده‌مند کردن محتوای تحقیق و بر تحلیل داده‌های اصلی به منظور کشف قوانین ثابت و اجرای تحقیق مبتنی بر نظریه در این علوم تمرکز دارد. در نظریه رویه نهایتاً آنچه مطالعه می‌شود در قالب اصطلاحات اساسی مفهوم‌سازی و تعریف می‌شود که به آن جمله‌نگاشت گویند. (۹)

در این مقاله به منظور دستیابی به اهداف تحقیق، در گام اول به مطالعه ادبیات موضوع پرداخته شد. سپس در گام دوم به منظور شناسایی مشکلات و نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان، مصاحبه‌های نیمه ساختار نیافته و عمیق با آنها انجام گرفت. در این خصوص، مصاحبه‌ها براساس روش هفت مرحله‌ای که کوال بیان کرده، طراحی شد. (۱۰) با توجه به انجام مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته، سوال‌هایی باز و گسترده (نه آنقدر باز که همه چیز را در برگیرد و نه آنقدر محدود که امکان اکتشاف‌های جدید که هدف اصلی تحقیق حاضر است، را از بین ببرد) از مشارکت‌کنندگان طراحی و مطرح گردید مانند: روند این بیماری طولانی مدت است، در این فرآیند طولانی دغدغه‌های معنوی و مذهبی شما چیست؟ اگر می‌خواستید یک لیست از نیازهای معنوی و مذهبی که در این مدت احساس کردید بنویسید چه می‌نوشتید؟ فکر می‌کنید به طور کلی اگر چه شرایطی حاکم بود، شما راحت تر با این موضوع کنار می‌آمدید و نیازهای معنوی و مذهبی کمتری احساس می‌کردید؟

سپس در راستای شناسایی مفاهیم، محتوا و رویه‌های مرتبط با نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان، در هنگام مصاحبه با مصاحبه‌شونده در گفتگو و تعامل متقابل موضوع بحث را در چارچوب تحقیق دنبال

1. End-Stage

(نظریه رویه)، از تحلیل تفسیری برای تجزیه و تحلیل متون پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها استفاده شد. تلاش شد با استفاده از کدگذاری متون مصاحبه، نیازهای مذهبی و معنوی و طبقه‌بندی آنها از بستر مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته، استخراج شود و سپس با کمک ادبیات تحقیق موارد استخراج شده تعدیل و نهایی گردند. برای اطمینان هر چه بیشتر از صحت اطلاعات، مقوله‌های فرعی و نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان استخراج شده، داده‌های مصاحبه توسط سایر همکاران محقق، بررسی مجدد و در نهایت توافق کامل روی نیازهای مراقبان و طبقه‌بندی آنها انجام شد و با توجه به رویه‌های به دست آمده، جمله‌نگاشت تحقیق تدوین گردید. اعتبار و کیفیت نتایج نیز با استفاده از روش‌های مثلث‌بندی داده‌ها، کنترل اعضاء و معیار مقبولیت ارزیابی شد که خود شامل معیارهای دهگانه تناسب، کاربردی بودن یافته‌ها، زمینه مفاهیم، منطق، عمق، انحراف، بداعت، حساسیت و استناد به یاد نوشته‌ها است.

شد و این مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به صورت متن پیاده‌سازی گردید. نهایتاً، در گام سوم، با استفاده از متن مصاحبه‌های انجام شده و مطالعه و بررسی چندباره آنها تلاش گردید، رویه‌ها که نشان دهنده نیازهای مذهبی و معنوی مختلف مراقبان می‌باشند شناسایی و با توجه به ویژگی‌های مشترک‌شان طبقه‌بندی شوند و نتیجه تمام این موارد در قالب جمله نگاشت خلاصه و بیان گردید. البته لازم به توضیح است که پس از هر مصاحبه تلاش شد متن مصاحبه تحلیل و نقاط ضعف آن را برای انجام مصاحبه بعدی برطرف شود.

با توجه به نوع روش پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی که داده‌های جدیداً جمع‌آوری شده، با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری شده‌اند تفاوتی نداشتند، ادامه یافت و محققین به مرحله اشباع رسیدند. برای انجام تحقیق ۴۱۸ دقیقه مصاحبه انجام شد و میانگین زمان مصاحبه‌ها ۳۵ دقیقه بوده است. سایر اطلاعات در جدول شماره یک بیان شده است.

در این تحقیق با توجه به رویکرد کیفی موردنظر

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق (مراقبان بیماران مبتلا به سرطان)

نفر	شرح	طبقه‌بندی	نفر	شرح	طبقه‌بندی
۲	همسر	نسبت با بیمار	۱۳	زن	جنسیت
۵	خواهر		۸	مرد	
۱۲	فرزند		۲۱		مجموع
۲	مادر	مجموع	۱۶	کمتر از یکسال	مدت زمان مراقبت
۲۱			۵	بیشتر از یکسال	
۹	شاغل/کارمند		۲۱		مجموع
۱۰	خانه‌دار	وضعیت شغلی	۹	مجرد	وضعیت تاهل مراقب
۲	بیکار		۱۲	متاهل	
۲۱			۲۱		مجموع
۳	۲۰ تا ۳۰ سال	سن مراقب	۱۱	پایین‌تر از کارشناسی	تحصیلات
۹	۳۰ تا ۴۰ سال		۱۰	کارشناسی و بالاتر	
۹	۴۰ سال به بالا		۲۱		مجموع
۲۱		مجموع			

یافته‌ها

با بکارگیری روش کدگذاری و در نتیجه تحلیل سطر به سطر مصاحبه‌ها، ابتدا ۸۴ مفهوم استخراج گردید و سپس با انجام فرآیند مقایسه مداوم و ترکیب نمودن مفاهیمی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک بودند، به ۴۳ مفهوم رسیدیم و نهایتاً ۲۷ مفهوم که دارای جامعیت و عمومیت بیشتری بودند برای ادامه کار تحقیق شناسایی شدند. سپس این مفاهیم در قالب ۲ مقوله فرعی در قالب نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان طبقه بندی و تبیین گردیدند. در ادامه با توجه مفاهیم و رویه‌های به دست آمده، نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان در قالب دو مقوله فرعی تشریح خواهد شد.

نیازهای مذهبی و معنوی

یکی از مهم‌ترین نیازهایی که از گفتار مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید، نیاز به عامل معنوی و مذهبی در برخورد با پریشانی و توانایی مقابله با شرایط سخت بود. معنویت مفهومی است که از دو بخش ایمان و معنا تشکیل می‌شود و شامل تجربه‌ی متصل بودن و احساس آرامش است. دین یک

مجموعه خاص از باورها و شیوه‌های عملی مرتبط با یک ساز و کار مذهبی خاص است. مذهب در ماهیت شناختی نوعی مقابله معنوی می‌باشد و نقش جدایی ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس‌زا ایفا می‌کند. پرداختن به نیازهای معنوی و مذهبی می‌تواند چارچوبی معنادار برای بیمار، مراقبان بیمار و رنج ناشی از آن فراهم کند و همانطور که در بخش مقدمه این تحقیق بیان گردید، معمولاً تحقیقات نیز حمایت مذهبی و معنوی را برای بیماران مبتلا به سرطان و خانواده‌هایشان از منابع مهم سازگار می‌دانند و آن را سودمند و مورد نیاز این بیماران ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر، پیامد این نیازهای معنوی برای مراقبان در این شرایط بحرانی عبارت از احساس ناامیدی، ترس از تنهایی، صدمه، تردید، ناامیدی، احساس پوچی و از دست دادن کنترل است که همین موضوع نشان می‌دهد مداخله و ارزیابی در این زمینه بسیار مهم است. طبق تجارب و اظهارات مراقبان شرکت‌کننده در این پژوهش می‌توان نیازهای مذهبی و معنوی را به دو زیرشاخه‌ی بازنگری اندیشه‌های معنوی - مذهبی و نیاز به ارتباط و توسل به خدا تقسیم کرد.



شکل ۱. جمله نگاشت نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان

کرد. دیدم مرگ خیلی نزدیکه و خلیم آسونه. خیلی روی روحیه‌ام تاثیر گذاشت که این زندگی چیه؟».

مثل اینکه مراقبان مانند تمام کسانی که با درد و رنج یکی از عزیزان خود مواجه شده‌اند، فرصت پیدا کردند تا به طور روشن جهت‌گیری خود نسبت به مرگ را مرور نمایند. تجربه این شرایط دشوار علاوه بر کمک به بازنگری در مفهوم مرگ، نظام معنایی فرد پیرامون مفاهیم عدالت و قدرت خدا را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مراقبان که مادر یک دختر جوان مبتلا به سرطان بود اینگونه گفت: «خیلی شوکه بودم اصلاً انتظار نداشتم همچین اتفاقی برای دخترم بیوفته. قبل از این مریضی خیلی فعال و باهوش و همیشه پرانرژی بود و همیشه توی اوج بود چه از نظر تحصیلات چه از نظر کد بانوگری. همه میگن به خدا توکل کن ولی من نمیتونم. دیگه توی عدالت خدا شک کردم». یکی دیگر از مراقبان شک و تردید در وجود عدالت خداوند و نیاز به درک معنا از شرایط سخت را این چنین بیان کرد: «نیاز به اینکه برای این اتفاقات و سختی‌هایی که دارم به دوش می‌کشم، یه معنایی پیدا کنم. همش به خودم میگم آخه به کدوم گناه دارم این عقوبت رو می‌کشم. پس آدمایی که توی زندگیشون کار خیر می‌کنن با اونایی که بی‌خیالن و هرکاری دستشون می‌رسه انجام میدن برابرن؟ این سوالا رو کاش می‌تونستم برای خودم جواب بدم».

الف) بازنگری اندیشه‌های معنوی-مذهبی: اظهارات

مراقبان نشان می‌دهد با بروز این بحران جدی در زندگی، آن‌ها نیز مانند بیماران با مشکلات معنوی یا وجودی، بحران‌های ایمان یا ناامیدی و غم و اندوه ناشی از آن، دست و پنجه نرم می‌کنند. بر طبق تجارب مراقبان، وقوع بحران در زندگی باعث شده که مشکلات مذهبی-معنوی و مسائل حل نشده خود را نشان دهند و به صورت بحران معنا بروز کنند، که به این مشکلات در گفتار مراقبان تحت عناوین ذیل اشاره شد: نیاز به رفع احساس تنهایی، نیاز به غلبه بر ترس از مرگ، نیاز به درک معنا برای زندگی، نیاز به حل چالش‌ها در مورد مفاهیمی مانند عدالت خداوند، ارزیابی منفی از خدا به عنوان تنبیه‌کننده و خشم و تردید در مورد قدرت خدا. توجه به نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که در هنگام ابتلای یکی از عزیزان به رنج و بیماری، تعریف فرد از مفهوم زندگی دستخوش تغییر و بازنگری شده است. در همین زمینه یکی از مراقبان که زنی تقریباً میانسال بود این‌گونه بیان کرد: «واقعا زندگی هیچی نیس. دو روز که سرپا هستی کار می‌کنی و می‌گذره آخرش هم که مریض میشی میوفتی یه گوشه و خوار و ذلیل و محتاج میشی بعدم می‌میری». یکی دیگر از مراقبان اینگونه توصیف کرد: «چند وقت پیش که همراه پدرم بیمارستان موندم همون شب یکی از مریض‌های بخش فوت

جدول ۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق (مراقبان بیماران مبتلا به سرطان)

نیازها	مقوله فرعی	مفاهیم
نیاز معنوی-مذهبی	بازنگری اندیشه‌های معنوی-مذهبی	نیاز به انجام اعمال مذهبی (شرکت در مراسم مذهبی و ...)
		نیاز به نزدیکی با خداوند
نیاز		نیاز به غلبه بر ترس از مرگ
		نیاز به درک معنا برای زندگی
		نیاز به رفع احساس تنهایی وجودی
		نیاز به حل چالش‌ها در مورد عدالت خداوند
		ارزیابی منفی از خدا به عنوان تنبیه‌کننده
		خشم و تردید در مورد قدرت خداوند

یکی دیگر از مراقبان همین موضوع را اینگونه توصیف نمود: «مادرم هیئتی بود یک عمر برای مجلس امام حسین چای ریخت و گریه کرد. منم همینطور و پدرم هم همینطور. خود من چقد به سر و سینه زدم از اول محرم تا آخر محرم. به هیچکس هم بدی نکردیم. همیشه راه خودمون رو می‌رفتیم. همین مادرم که الان هیچی ازش نمونده همه به سرش قسم می‌خوردن اینقدر مومن و مذهبی بود. حالا اگه عدالتی بود چرا مادر من باید اینجوری گرفتار می‌شد. چرا اونایی که براشون عزاداری می‌کرد دستشو نمی‌گیرن و کمکش نمی‌کنن؟ اینه که می‌گم وضعیت معنویتم خیلی خرابه». یکی دیگر از مراقبان که مادرش دچار بیماری سرطان بود توضیح داد که بیماری مادرش، باورهای قبلی وی نسبت به احساس کنترل بر شرایط توسط دعا و اتصال به قدرت برتر را تحت تاثیر قرار داده است: «قبلاً فکر می‌کردم که با دعا می‌تونم تقدیر رو عوض کنم و کاری کنم که اوضاع طبق میل من پیش بره ولی الان با خودم میگم مگه همه اونایی که از دست رفتن کسی براشون دعا نکرده؟ هرچی بخواد بشه میشه و با دعا چیزی عوض نمیشه».

یکی دیگر از مسائل مطرح شده در گفتار مراقبان، نیاز به مقابله با احساس تنهایی وجودی بود. موقعیت‌های مربوط به پایان زندگی و بیماری‌های صعب‌العلاج، به واسطه ارتباطی که بین مرگ و تنهایی وجودی است، انسان‌ها را بیشتر با این مساله روبرو می‌کند که انسان هر قدر هم در ارتباط و متصل به دیگران باشد، باز هم در هستی وجود خود تنها است و به عبارت دیگر تنها به دنیا پا گذاشته و تنها هم از دنیا خواهد رفت. این مساله می‌تواند باعث برانگیخته شدن احساسات ناخوشایند نسبت به تنهایی مرگ، فرار از فکر کردن به تجربه مرگ و ترس از مرگ شود. «همیشه آدمی بودم که دوس داشتم دور و برم شلوغ باشه ولی حالا می‌بینم که هزار نفر هم که باشن فرقی به حال تنهایی آدم نمی‌کنه». صحبت‌های بعضی از مراقبان نشان از تجربه‌ی رویارویی با اضطراب مرگ داشت. برای مثال یکی

از مراقبان این‌گونه شرایط را توصیف نمود: «صد درصد همه آدم‌ها ترس پنهانی از مرگ دارن از اعمالشون و از بهشت و جهنمی که برای خودشون ساختن. ولی وقتی که اینجوری یکی از عزیزانت جلوی چشمت در حال از دست رفتن باشه خیلی به فکرش نزدیک تری». یکی دیگر از مراقبان اینگونه بیان کرد: «قبلاً به مرگ فکر نمی‌کردم الان ترس از مرگ پیدا کردم. خیلی از مرگ و نحوه مردن و اتفاقات بعد از مرگ می‌ترسم». باید در این زمینه فرصتی فراهم شود که مراقبان از مداخله‌های حمایتی و روان‌شناختی بهره‌گیرند. روان‌شناسان همچنین می‌توانند نقش مهمی در تشخیص عوامل موثر بر پریشانی و ترس وجودی در رابطه با مرگ و ارائه‌ی اقدامات درمانی با تمرکز بر دیدگاه فرد نسبت به مرگ ایفا کنند.

ب) نیاز به ارتباط و توسل به خدا: یکی از نیازهایی که در گفتار مراقبان مورد تاکید قرار گرفت و در این تحقیق ما آن را از مولفه‌های نیازهای معنوی- مذهبی قرار دادیم، نیاز به نزدیکی و ارتباط با خدا برای کسب آرامش و کنار آمدن با شرایط سخت ناشی از بیماری عزیزان بود. استمداد از خداوند و یاری جستن از ائمه اطهار و حضور در اماکن مقدس و نذر و دعا از روش‌های مقابله‌ای معنوی- مذهبی رایج در بین مراقبان است. اکثر مراقبان تاثیر این اعمال در رسیدن به آرامش را ذکر کردند و نیاز به رفتن به مجالس سوگواری مذهبی و ذکر دعا و زیارت و انجمن‌های دینی را به عنوان راهکارهای موثر برای سازگاری با شرایط تنش‌زای مراقبت از بیمار مبتلا به سرطان دانسته‌اند. نیاز به شرکت در مراسم مذهبی، سفر به اماکن مذهبی و نیاز به نزدیکی خداوند به عنوان نیروی برتر جزو این نیازها بودند. مراقبان با جملات متفاوتی نیاز به حس نزدیکی با خدا را ابراز کردند که نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌کنیم. «خیلی سعی می‌کنم به خدا توکل کنم ولی قبلاً بیشتر فکر می‌کردم خدا هست. یعنی بیشتر حضورش رو حس می‌کردم کاش می‌تونستم یه زیارت برم یکم سبک شم». «آدم توی شرایط سخت بیشتر از همه چی نیاز

پرداخته شود و با کنکاش بیشتری مولفه‌های تشکیل دهنده‌ی این نیاز مراقبان بیماران مبتلا به سرطان بررسی و تعریف گردند تا از یک سو، با شناسایی این نیازها و بازتاب آنها به نهادهای ذیربط تلاش گردد راهکارهایی برای برطرف نمودن این نیازها بکار گرفته شود و از سویی دیگر، ادبیات مرتبط با نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان غنی‌تر گردد. به عبارت دیگر، نوآوری تحقیق حاضر علاوه بر بکارگیری روش تحقیق نظریه رویه، بررسی جامع و کامل نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر، ضمن تایید این نکته که در رابطه مراقب-بیمار، بیمار مرکز توجه و مراقبت قرار دارد و نیازهای مراقبان مغفول می‌ماند، نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان را در دو گروه «نیاز به ارتباط بیشتر با خدا» و «بازنگری در اندیشه‌های معنوی و مذهبی» طبقه بندی نمود. با توجه به خلاصه نتایج تحقیق که در بخش مقدمه به آن اشاره گردید و این موضوع که محقق در ادبیات داخل کشور و خارج از کشور مدل جامع و کاملی که تمام نیازهای معنوی و مذهبی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان را با استفاده از نظریه رویه بررسی کرده باشد، پیدا نکرد، نیازها و رویه‌های استخراج شده از داده‌های تحقیق را می‌توان با یافته‌های سایر تحقیقات که به بخشی از آنها به نیازهای مذهبی و معنوی پرداخته‌اند مقایسه نمود. در مجموع نتایج تحقیق در ارتباط با نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان با نتایج بدست آمده از تحقیقات صورت گرفته در این حوزه، که در قسمت مقدمه به آنها اشاره گردید همخوانی داشت. علاوه براین، مقایسه نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات مرتبط، نشان می‌دهد نیازهای مراقبان در جوامع مختلف هر چند به هم

داره حس کنه یکی هست که حواسش بهش هست و نمی‌ذاره وضع از اون چیزی که هست خرابتر بشه». «تخیلی احتیاج دارم که مئه قبل خدا منو ببینه و بشنوه. اینکه حس کنم دعاهام داره برآورده میشه. قبلاً بیشتر حس می‌کردم به خدا نزدیکم. به اون حس معنویتی که آرومم کنه نیاز دارم». «برای شفا گرفتن خواهرم فقط باید ائمه یه نظری به ما بکنن. امام حسین یه نظری بکنه و خواهرم شفا بگیره».

یکی دیگر از نیازهایی که مراقبان ابراز کردند نیاز به انجام اعمال مذهبی برای کسب آرامش بود. یکی از مراقبان در این زمینه گفت: «اکثراً بخاطر کار و عجله‌هایی که مدام دارم نمی‌تونم نمازمو سر وقت بخونم. حتی نمی‌رسم یه سجاده برای خودم پهن کنم. اون روز توی نمازخونه‌ی اینجا خیلی خلوت بود و وقت هم داشتم ولی نه می‌تونستم استغاثه کنم نه می‌تونستم راحت گریه کنم. با این شرایطی که من دارم باید حس و حالش بیاد ولی نمیداد. اونم وقتی که بهش نیاز دارم». یکی دیگر از مراقبان نیاز به انجام عبادت و اعمال مذهبی را این‌گونه اظهار کرد: «افسوس گذشته رو خیلی می‌خورم. قبل از این موقعیت همه نمازم رو می‌رفتم مسجد می‌خوندم. هفته‌ای چند بار به زیارت امامزاده‌ها می‌رفتم و در مجالس روضه خیلی شرکت می‌کردم. الان با این وضعیت خیلی عذاب وجدان دارم که نمی‌تونم نمازم را درست بخونم و نمی‌تونم به زیارت برم و سایر اعمال قبلی رو انجام بدم. فکر می‌کنم اگر مثل قبل توکل داشتم این شرایط برام آسون‌تر می‌شد».

بحث

هدف از انجام تحقیق حاضر، شناسایی نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان که در مرحله پایانی به سر می‌برند، بود. با توجه به کمبود ادبیات موجود در این زمینه، در تحقیق حاضر تلاش گردید، با انتخاب روش تحقیق نظریه رویه به بررسی جامع و کامل این نیازها در داخل کشور

نزدیک می‌باشد، اما با توجه به فرهنگ و شرایط حاکم بر هر جامعه ممکن است تفاوت‌هایی در بروز آنها وجود داشته باشد. به عنوان مثال، توجه ویژه به نیازهای مذهبی و معنوی در جامعه ما با توجه به بافت سنتی و مذهبی و شرایط محیطی و فرهنگی حاکم بر آن، از مهم‌ترین نیازهایی بود که ضرورت دارد به آن توجه گردد. در این خصوص توانمندسازی مراقبان در مورد پیامدهای مذهبی و معنوی که ممکن است تجربه کنند و همچنین آموزش افراد جامعه و نزدیکان برای درک بیشتر شرایط مراقب مفید می‌باشد. داشتن اطلاعات مذهبی و معنوی و بکارگیری از افراد متخصص در این حوزه به چنین مراقبانی می‌تواند باعث افزایش کیفیت زندگی آنها و به تبع آن افزایش کیفیت زندگی بیمار گردد.

پژوهش حاضر در زمینه بررسی نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان با استفاده از روش تحقیق نظریه رویه، دارای محدودیت‌هایی بود که ضرورت دارد نتایج تحقیق با در نظر گرفتن آنها تفسیر گردد. (۱) از آنجایی که سنجش و بررسی سلامت روانی شرکت کنندگان مستلزم صرف زمان بیشتری بود و خارج از حوصله‌ی پاسخگویان بود، امکان تاثیر وضعیت روانی آنان پیش از شروع دوره مراقبت برای پژوهشگر وجود نداشت. (۲) هر یک از انواع سرطان می‌تواند در میزان عوارض بیماری، عوارض دوران بستری، میزان حفظ استقلال بیمار و نیاز به مراقبت تاثیر داشته باشد. جامعه مراقبان شرکت کننده در این پژوهش مراقبان بیماران مبتلا به انواع مختلف سرطان بوده‌اند، لذا ممکن است مراقبان انواع مختلف سرطان نیازهای متفاوتی از یکدیگر را ابراز کنند که بررسی جداگانه در این پژوهش میسر نبود. (۳) در تحقیقات کیفی امکان بروز و دخالت دادن پیش فرض‌ها و تعصبات پژوهشگر ممکن است یافته‌ها و نتایج تحقیق را خدشه‌دار نماید. هر چند در این پژوهش، محقق تلاش نمود تا حد امکان بدون سوگیری عمل نموده و صرفاً اقدام به رصد تجارب و

مشاهدات مشارکت کنندگان نماید.

در پایان، با توجه به نتایج تحقیق، شرایط محیطی کشور و در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق‌الذکر، پیشنهادات پژوهشی و کاربردی ارائه می‌گردد. پیشنهادهای پژوهشی عبارتند از: (۱) در رابطه با مفاهیمی که در این تحقیق به آنها اشاره شد تحقیقات کمی مناسبی صورت گیرد تا نتایج بدست آمده از آنها و میزان اهمیت هر یک از این مفاهیم با جمله‌نگاشت ارایه شده در این تحقیق مقایسه گردد. (۲) پژوهشگران با طبقه‌بندی انواع مختلف سرطان، به طور خاص نیازهای مراقبان بیماران مبتلا به سرطان خاص مانند پستان، ریه، معده و غیره را مورد بررسی قرار داده و نتایج تحقیق را با نتایج تحقیق حاضر مقایسه نمایند. همچنین پیشنهادهای کاربردی عبارتند از: (۱) دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی می‌توانند از نتایج تحقیق به منظور آگاهی دادن به دانشجویان در نحوه برخورد با این افراد استفاده نموده و اساتید و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی (محققان بالقوه این حوزه) می‌توانند با درک اهمیت موضوع، ادبیات مرتبط با مراقبان بیماران مبتلا به سرطان را در کشور گسترش دهند. (۲) سازمان‌ها و نهادهای بهداشتی (مانند وزارت بهداشت) و مذهبی می‌توانند با استفاده از نتایج تحقیق حاضر ضمن شناسایی و شناخت نسبت به مشکلات و نیازهای مذهبی و معنوی مراقبان بیماران مبتلا به سرطان، با آگاهی کامل و جامع از این نیازها اقدامات مرتبط خود را برنامه‌ریزی و اجرا نمایند. (۳) علاوه بر سازمان‌ها و نهادهایی که به طور قانونی متولی توجه و برنامه‌ریزی برای بیماران مبتلا به سرطان و مراقبان آنها می‌باشند، برخی موسسات خیریه فعال در این زمینه نیز به صورت داوطلبانه می‌توانند با استفاده از نتایج تحقیق حاضر، کمک‌ها و حمایت‌های خود را هدفمندتر و اثربخش‌تر انجام دهند. در صورت نیاز، محققان آمادگی خود را برای در اختیار قرار دادن اطلاعات و یافته‌های مبسوط تحقیق به نهادهای فوق‌الذکر اعلام می‌نمایند.

منابع

1. Bahrami M. Iranian nurses perceptions of cancer patient's quality of life. *Iranian Journal of Cancer Prevention*. 2016; 9(3): 4076-4089.
2. Mellon, S, Northouse L, Weiss, K. A population-based study of the quality of life of cancer survivors and their family caregivers. *Cancer Nurs*. 2006; 29(120): 31. 133.
3. Dong, W, Jong-Hyock, P, Eun-Jung, S, Jae-Hyun, P, Jin-Young, C. The development of a comprehensive needs assessment tool for cancer-caregivers in patient-caregiver dyads. *Psycho-Oncology*. 2010; 20(3): 1342-1352.
4. Sajadian, A, Hydari, L, Mokhtari, P. Common Breast Cancer Family Care Giving Problems. *Iranian Journal of Breast Diseases*. 2016; 8(2): 7-14.[Persain]
5. Abbasnezhad, M, Rahmani, A. Ghahramanian, A. Roshangar, F. Eivazi, J. Azadi, A. Berahmany, G. Cancer Care Burden among Primary Family Caregivers of Iranian Hematologic Cancer Patients. *Asian Pacific Journal of Cancer Prevention*. 2015; 16(13): 5499-5505.
6. Wang T, Molassiotis A, Pui Man Chung B, Tan J. Unmet care needs of advanced cancer patients and their informal caregivers: a systematic review. *BMC Palliative Care*. 2018; 9(11):17-96.
7. Karen A Skalla, Ellen M Lavoie Smith, Zhongze Li, Charlene G. Multidimensional needs of caregivers for patients with cancer. *clinical journal of oncology nursing*. 2019;17(5):500-506.
8. Khanjari, S. Quality of life and its associated factors in primary family caregivers of children with physical disabilities. *Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing*. 2012; 1(1): 23-31.
9. Guttman, L. the conical structure of adjustive behavior. *Social Indicators Research*. 1998; 21(4): 455-479.
10. Kvale, S. Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing. Thousand Oaks, CA: Sage; 1996.

Spiritual-Religious Needs of Cancer Caregivers: Facet Theory

Mohadese Fahimi Aliabad^{1*}, Fariba Zarani²

Abstract

Background and objective: Religion and spirituality play an inseparable role in dealing with stressful events. The purpose of this study is to identify the religious and spiritual needs of caregivers of cancer patients in order to provide the necessary information to design educational and psychological interventions based on the needs of these caregivers.

Methods and Materials: It has been done in a qualitative way and with the approach of the facet theory of 2020. Participants are caregivers of cancer patients in Tehran. Data were collected through semi-structured interviews with 21 caregivers and through theoretical and purposive sampling to achieve information saturation. Coding coverage of the interviews and observations, their needs and classifications were extracted.

Results: The discovered religious and spiritual needs were categorized into two categories: “need for more connection with God” and “revision of spiritual and religious ideas”. The most important sub-categories are: “need for religious religion”, “need to overcome the fear of death”, “need to understand the meaning of life” and “need to solve challenges to God’s justice”.

Conclusion: The religious and spiritual consequences of cancer are significant for the caregiver. Considering the cultural and religious context of society, the high burden of responsibility and the pressures caused by the problems and the imminent loss of a loved one, the caregivers reconsider their spiritual and religious beliefs, and if they are not guided in this reconsideration, they may notice misguidance. Empowering caregivers about the religious and spiritual consequences they may experience and educating people in the community and loved ones to understand the caregiver status.

Keywords: Cancer Patients, Spiritual-Religious Needs, Caregivers, Facet Theory

1*. Corresponding Author, Clinical Psychology Msc, Psychology Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
mohadese.fahimi72@gmail.com

2. Psychology Department assistant Prof, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

fzarani@yahoo.com